



کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

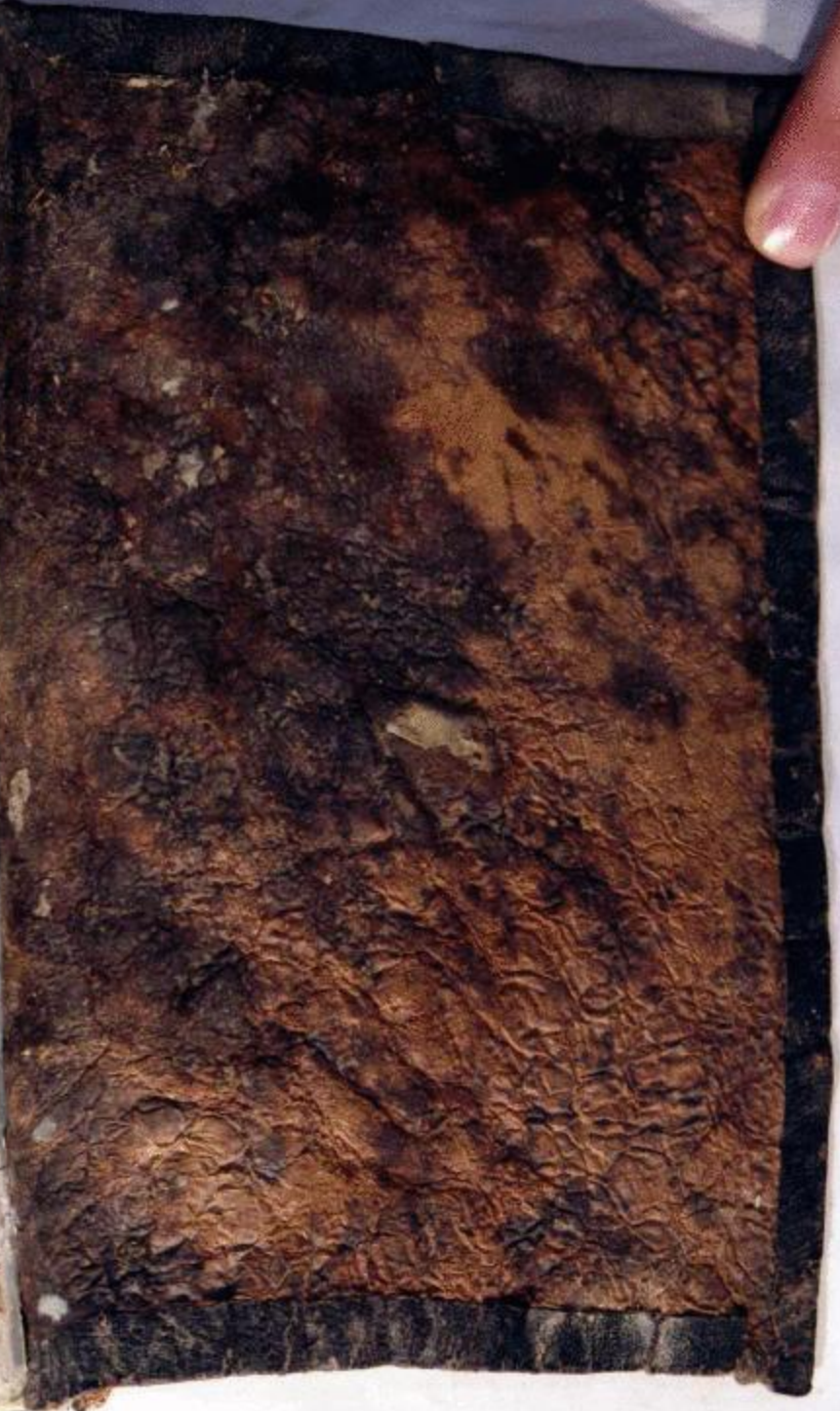
کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب

کتابخانه
مکتب
مکتب
مکتب



شماره
۴۰۲
نقد

کتابخانه عمومی الفکر کوئٹہ پرنٹرز محمد رفیع

بسم الله الرحمن الرحيم

ای نام بود در جمله الفاظ عیان
 افوار یوحون صوت ^{بدید} مرخوف
 در جمله الفاظ ز نام تو نشان
 دبدار یوحون معنی هر لفظ نشان
 شریفین الفاظ و لغات و لطیف ترین کلمات و نکات ذکر تکلیف
 و وادشکر معنی را سراسر است که بیدان خوش او ای السنه
 نصحا ی دانشور و طوطیان شکر خای ناطقه بلغانی سخن پرور
 در یکستان و حد اینتش با این خیالات خوش صادق و مقرر مودر
 بوستان فرد اینتش بدین مقالات دلکش ناطق و متکلم اند
 در تو جهد جناب باری تعالی ^{سمه} و اعلی شاهه
 ارجو جان ذکر صفات ^{نوع} انشراح ^{نوع} انشراح و انوار ^{نوع} انوار و انوار ^{نوع} انوار

ره سپردند گاه کام بگشا
 ایستادند گاه شاق بساق
 کرد طی نه رواق کرد و بنا
 بر بواق ان بگانه افاق
 حق فرستاد بهر اور و منزل
 خواست کرد در پاره یزید
 شد شتابان بدان نخسته حرم
 شد خرا جان بدان کنه وراق
 که نبود دران علی الحقیق
 که نبود دران علی الاطلاق
 عین انوار خالق المخلوق
 غیر اسرار لائق الامران
 کس نه پیدا بود استکشاف
 کس نه گویا بود استنطاق
 مطلقش زان بد و بد الطاف
 مشفقش زان بد و بد الشاف
 خواست از خبر امتان از حق
 آنچه را داشتند استوفان
 و صلوات بابرکات و تقیات و زکیات بر آل و عترت آن بگانه کانیان
 و ان خلاصه موجودات که اولاد و احفاد انجادش هر یک کوه و دریا
 حلم و اختیاری علم اند صلوة الله علیه
 آنان که عرش و بود از فرشتان سگ
 آنان که جوئی بود از قدرشان
 هم ماه را ز طاعت ایشان بود مرغ
 هم مهر را ز صورت ایشان بود ضیا
 خصوصاً افضل اولیا و اکمل اصحاب مطلوب هر طالب اسد الله الغالب

تو که هستی

ابو الحسن علی ابن ابی طالب صلوات علیه من الملك الوهاب و می افقه اعظم
 بالشهاب الناقب

علی ولی الغالب کل غالب
 وصی بنی فایق کل فایق
 کف ابود ابر بر الهی
 دل او بود بحر سحر حقایق
 بحکم خدای است حکمش معانی
 بامر الهی است امرش مطابق
 بود کاشف کم و کیف سراپا
 بود واقف جزو و کل و فایق
 شکوای او قد سپان در طویع
 رضا جوی او خاکدان در خوائق
 خلاقی تبعیر پیدا در جوانب
 ملائک بتوصیف او بر سر ادق
 بود در کشتن اسبهر از توابع
 بود روضه اش بلجست از لواق
 پی خلدش اینها جمله طالب
 پی حضرتش اینها جمله شایق
 صفی را عصیان چو کرد بد عباد
 بخیر را بطونان چو کرد بد واثق
 رخصیان و فغانش خلد و نند فغان
 ز طوفان چنان شد خلد و نند زان
 کایشی چه در لطف کرد بد ملحق
 خلیلش چو بر عطف کرد بد ملحق
 بطور شکر نباید کشت از نعمان
 ز نازش کشایند و رست از طوارق
 با تو بچون سقم آمد فرام
 پیغوب چون خون آمد ملاحت

فرج نداد و دست زداید / فرج داد این را و جست از مفاصل
 پیوستن کن کرد در هر مهالک / پیوست نظر کرد در هر غاسق
 رها کرد از فرج مهالک / علا داد این را بفرق مفارق
 ز پیش عشاق چون گشت ملصق / مسیحش با شفاق چون گشت لاصق
 ز کشتن ایمان باشت چون جسم قایب / بگردون مکان جست چون غلطوق
 و صحتی در سوخت و جی او / کس از هست هست ابتر و بدو
 بلا و فصل جای بی هر که جوی / کند جا بپدید و بعین آفرین
 جای که باشد نوای همداد / چرا که گشت استماع ثواقف
 بدینا رجوع بود امر و عکس / بحر تن را تو بهر فرق فائق
 بمدا جوش طبع من گشته طالع / بوضافتش نطق من گشته لاطق
 بوضیف او کس چه من نیست ضایع / بنعریف او کس چو من نیست ملصق
 من و مدح او همچو مطلوب و طالب / من و وصف او همچو معشوق و عاشق
 کم هر چه تعریف او هست لازم / دهم آنچه توصیف او هست لائق
 مطلب کلی از جهره او ای شاهد حسنی / این صغره ده کشتاوی
 اصلی از پرده کشتائی غدار علی / این صغره منج امترا انت که چون فو

لغز

سلف و بلغای حلف در علم عرض نصف بسیار و تالیف بیشتر نگاشته
 و گناشته اند لکن در فن پارچه که حق الحق و باز از نظم و ازان رونق است
 همت نگاشته و در این نظم بنفرخته اند چون این فن است صعب و دشوار
 و از برای اسانی آن ضوابط و قواعد در کار بوده لهذا احقر شعر و انشاعها
 بنده و اتق محمد صادق المتعاضد الناطق باو پشانی و بی ساهانی احوال در مقام
 جمعیت این الفاظ بر آمد که تا در هیچ کویان وافی جمله آن مشکل اسان کرد و در هر
 که عدد خاصی داشته باشد در جای مناسب بکار ببرد و هرگاه از آن غما
 که مصرع و پارچه را بلیا نظم در آورند هر گاه که موافق اند و باشد در
 مقام استعمال نمایند و تا حال مورخان و محاسبان و محند نشان که در
 میدان نظم بودند و اندک هم در هیچ آهام فکر در فراموشی این قسم تالیف نشانی
 مکرر فرمود و رحمت رحمانی ابن عبد الکرم لطف الله کاشانی که بدین مطلب پرداخته
 و بسیار الفاظ مساوی را در ادراج ساخته بود حقیران الفاظ را نیز در این
 کتاب داخل نموده و در مدت پنج سال عوامی فکر و تقوی در این بحر شریف
 عمیق غوطه و در و فرغ کرد بدینا که اکب الفاظ و لغاتی که در افلاک بل و لاهی
 مانند نباتات الغش منفرد و پشانی بود در این صغره چون عقد پرورین بکار

جمع نمود و بواب اعدا الفاظ و کلمات بر روی مورخان و محاسبان و کشود
 و چون هر بنفشی و تالیفی که بمن بالقاب پادشاه عهد نباشد لا بق و قابل مقام
 و مذاکره بنود و قواعد بود لاجرم حاکم این بنده مشی منده جرات و جسارت
 نمود که نگوشت شاهدانی شنبه در شب و بزرگت بخشود بگوهر نای نامی و نرین
 اسم شاهی خاقان اسمان استقام که از نقابت بهار معدلش در لهای بیرون
 غنچه شایخ و خندان و از رشحات اعطاری شش کلزار جانهای خورده و کلان
 سبز و ناب و نم و شایسته یعنی شهر نادر عادل دل ملک از او شهنشاه سکند
 دست کاه مدارا و اخل بفرمودن و فرستاد خسر و چشید او را و ترک او بدین
 السقاو المصفر علی الاعلاء ملکه القیامه معاذ الامتاع السلطان ابن السلطان
 و الخاقان ابن الخاقان السلطان محمد علی شاه قاجار لا زال ایاام جلوه و درویش و شکی
 ما ذا و فلک الدار

خدا بوجهان خسر و در کار
 پناه شهنشاه کس در کار
 شه داد کرد و اور داد کار
 که هستش خبر ظل پرود کار
 جم عهد محمد علی شاه ان
 که راه مهاجست و شاه شهن
 سرفراز شاهی که صدر روان
 بود در کتاب وی از سر روان

سجده

سلطان زبان شاگرد نقش
 خوابین ز دل چاکر خد نقش
 شهنشاهی که در هر پاینده اند
 تمام این شهنشاه را بنده اند
 یکایک و شش جانب و چهار سو
 همی خد نقش را کنند آردن و
 اگر بود ذالم و ابد و زمان وی
 شدی عهد در بیان و دیان وی
 به عهدش اگر بود نو شهر زمان
 ندادی بدادش بفر از زمان
 زرم و ز چوبین بهر نایج و نایج
 دهد قیصرش تخت و قفس و تاج
 بزنده غلامان او در شهر
 بود همی و راه در نزد شهر
 بیار معان و خنهار و نک و نک
 فرستد بوش پادشاه و فرست
 و عدل و نرینادش به هر و بهر
 و ظلم و ستم نرینادش به هر
 پانویان چو خسر و بپندان چه کو
 شاهان و شاه و خسر و نرینادش به هر
 بوزنک مسند خسر وی
 که کسرش بود و رتبه کسری
 بر خدستان خد و زمان
 میان بسته از کهکشان و زمان
 از او شاد و خرم و زمان و زمان
 هم آباد و خرم مکان و مکان
 بعهدش چنان عالم آباد گشت
 که از عدل و دادش بکشت و شکت
 بشهر زبان و بکبر و زمان
 بود پیش و اهو چران و چران

له این املای زنده شیر
کن شیخ ان خسر جم فشان
چه بر وقت شاهی نهد شاه پای
چو بپشت بکران کنیند مکان
بر پند سزم استمناش سمند
تکار چه نازد بمیدان کین
چو پوشد زره بهر حفظ بدن
بود بر تنش طبقه حلقه زره
بود بر کیش ابر تند رخروش
بپای سمندش سرب بسکان
ز فانی کمر کردستان در زبان
قریده داری بود بر درش
بقصرش کند زهر خنداگری
غلامی است بهرام در لشکرش
چه در زبان در بیان او شد فعل

نه افزاکلای زکریه د لیر
بود ز فشان و بود در فشان
تو کوئی ملک بر فلک کرم جای
بروی سپهر پست مهری جهان
به پارسد که کشانش کند
تکان افتد اندم بجاء تلکین
زره چون شود شاه از نسیب تن
چون زلفین جانان کرم بر کرم
کین می کشی شهر تو را در پوش
شود سره شان نرم در فلک
دهد در زبان زاج او را استان
عطارد کین منشی در فشان
بقرش کند اشیاء اضری
بود منشی قاضی عسکرش
ز ستارگان یافت بر تو حمل

در شاهان



ز شاهان پیشین بود پیشتر
برازنده تخت و درهم اوست
روانست حکمش بحییم جهان
ظلمون خد بودست بر فزینخت
خلعادر روز اول شاه را
ز جو ز او کرد و خورشید و ما
گیم پیش و صفش می هست کم
پس از وصف شاه فلک استان
که صف شهراده جم شکوه
جم این محل علی مهر کا
مهرین اختر برج شاهنشاهی
شهنشه نوادی که نام و نژاد
نهاد است پیری جوان چوان
فلک بارگاه و ملک جا بگاه
زهر بقیه ان داور کامکار
زهر خیز از ایشان بود پیشتر
ظرافت و صفش اوست
بجسم جهانست حکمش روان
کرم و زنجیر است از قیاس و قوت
فلک نگاه شاه ملک بگاه
کرمیند و اورنات و تاج و کلاه
که وصفش بود پیش از کیف و کم
که دارد و وصفش ملک استان
که با علم او کم زکا هست کو
که هر چش کین وصف باشد
به پیر کو هر برج فرماندهی
چه اوشه فشان و چواوشه نژاد
که دایش بود پیر و فشان جوان
ملک با نگاه و فلک و بارگاه
بود شهره در عرصه و روزگار

چه رستم بپزدان چه هارون بوز
 چه نام بالوان چون آن به بزم
 زبانش چنانست و دم کرم
 زبانش نهانست اسمم بزم
 زانضافان داور شهر کی
 زبستان با هو دهن شهر مشیر
 چو شد عدل و دادش بعام
 بدو اطلاق غلام بهر بوم و بو
 به تبهود همدانه باز خشی
 با هو دهن طعمه شهر غریب
 ز عدل و انصاف از بیم شکو
 چو میشی بگریه در دشت و کو
 چو گویم ز اعطای آن کی شیم
 کرد ستش چو کاست و بهش چیم
 چو بوزم پی کار بند دهمان
 جنب کشد در برش اسمان
 سز شاه اقبال شده زاده
 بیای شیم سر و زاده را
 زنج و صفاء و زخم و قر
 سهند و سندان و سپاه و سپر
 خشکند چو روشت و خوشدل
 مطبوعش شود رستم ز بل
 کند تادل دشمنان و افشان
 شهاب بارش تیر و قوسش گاه
 بر آید چه بر یکب ان نامدار
 مهبی و سپهری شود اشکار
 چه اید بپزدان بوی جلال
 حسام اردش اسمان از هلال
 سپهر کهن و نیکار دراز
 جوی بید و بپند بل سر قرار

خبر

ندید و نه بیند در صد فلان
 چو از صاحب اقبال وضا جعفران
 مکان چون کمیند به لای زین
 شود اقبال بجزخ و مکن
 چو در بیک و یک آن رچند
 غفلت شد و سپهر بلند
 چو کم از آن مرکب باد پای
 گه بر دست سبقت ز بار ضیا
 بود زان کس بزبان بطور املیات
 بود زان هر اسنان بد زبان خفیات
 بهشتی بود قصران چم مقام
 خواری خواری و فلان غلام
 خاک افند از عکس شغش نایب
 شود خاک آینه اش آب
 چو در یکف در صف کین حسام
 شود شام و خون مراد از صام
 از آن اب و خشار آتش نهاده
 دهد خاک بد طینت از انبار
 ز بوش کرباسد شهاب النهاب
 بود خصم سوزان چه دیوار شهاب
 ز دندان مار است جان سوز
 ز قمر کان بار است دل و سر
 سرد شغاشی بود بر سندان
 بل هست قوت لها استخوان
 چو کم از آن نیر و زهر بار
 کرد نخل اسب و دار و سر خصم بار
 چه دین از آن روی و لب لوت
 از آن روی او است دولت لوت

بود بر روی از آسمان جلال

بکل کالان اراسته

ز سر حقیقت دلش یا خبر

آلتا سپهر است و ناماه و مهر

بود شاه بر تخت و اولاد شاه

ز ناطق دعا و ز روح الامین

بود سر روی از بوستان گل

نگار آتش از نفیس پراسته

ز نور طریقت رخسار بهر

عبادت تا ماه و مهر از سپهر

به پیر امن شاه چون مهر و ماه

بود بر سپهر برین امین

امید که مقبول طبع مبارک و ملحق نظر عنایت پادشاهی و اعلی حضرت شاه

کریم درها انا انشرع فی امری المعهود بعون الله الملك العبود و این کتاب موسوم

به بحر الفاظ گردید و بحر الفاظ تاریخ تالیف کتاب شد در سنه ۱۲۲۲

چو این الفاظ را کریم بهم جمع

ز هر لفظی شش قسم بحر الفاظ

چو این الفاظ بخری بود موج

بی تاریخ کفتم بحر الفاظ

تاریخ تمام شد و این کتاب میقوم میگردد و مکتوب و تصاویر و قطعات تمام تاریخ

کرد و این عهد فایان یافته و شسته نظم کشید بعضی از آنها را در این نسخه نوشتم

از جمله تصدیق تمام تاریخ کرد برای زینت و در قبه منوره مقدسه حضرت

مقصود

مقصود و علیها السلام است و مستحق بقصد معجزه است در آنجا

هزار و دویست و پنجاه و یک قوم است بنظر ضاحیان بصیرت

میرسد و یا الله العصمة و التوفیق و الله علی فاشول و کهل **عند باب**

عند باب با پای آب **اب چهار** رایج جا آبا ابا **ایخ**

جب چپ چپ مج تاب باب آد اد دا بیاشش **آه آه ها**

دب بد بد ادا باج جا باج باج باج باج **آه آه ها**

اجبا جد جد او او ادب دابا بد بد باد **آه آه ها**

از از زا بو پوچه چه بها بها عاب باه اهب اجد جد **آه آه ها**

اجاج آداب ابدل ادا با با ابا دد او آ **آه آه ها**

چاه چها چها حاح بز بز زب داد ادا و اب اوب و با باو **آه آه ها**

اها اهاب اجدا **آه آه ها** جب جب مج بهج او اب دو در جی و

جز باز باز باز باز باز زاب اوج و جا جادب اجد ده **آه آه ها**

هاه جبه جبه جبه **آه آه ها** هوه هوه اهاب حج طب بط

ند دز پای دوا و نا داو واد چوب پوچ چوب چو جباه **آه آه ها**

باجه باجه بهاج دبه دبه بازا راج جزا دجاج مجاج **دور**
 مع حد بی پی نه بود بود بدرخاج جهد جهد زاد زاد
 زدا طاب طبا اهو هو اواه جده هبه آبا باده دایه واجب
 اوجب جواب چوبا احبا اودا اجرا ابواب **سینه** احدا حدی
 زو آوژ پنا یاب لای آبی ابی جود وجد زبد بزده
 دهد ازاد ابناز حج جناب هوب وهب دواب جوج جواد
 جاده جاها **چهار** طه دی بی جای جوه وجه وچ هو بلم
 ای دود دود واز ازو بره بره زباد زاهد دقاب ایل
 حواد اهود دال حاجب جناب احاد دوجا جاد دواج رواج
 زجاج بدیو داده اجباب **پانزده** هی هریج هود دهو باد بیج جیب
 جبه احلب مجد چبی دزد حوا ابد ژاژ پوز دود وهدا دا واز
 ازاو وهاج اهو ججاج لجه جبهه پنا بیا **شانزده** ده
 ایه حجه زوج جز وی بدی زهد زده بهط پید های
 وظا بار و باجی پناهای جهاز چه چه چچه هواد بد باز پاپاب

زود دوز وزد حزب پیه وای اوی ابدی بید اپدا
 ادیب بادی بوده زاهد ازهد زهاد جوحه نواز جواز
 جوز احداد باید باید باید دپا زاده ارده اجاره بلند
 اچباب احدا حوج ددبه **محد** زرب طوبا بوی بوی
 بوی هیچ هیچی حمی می هودج جوده جهود دایچ دید پایه دخی
 زنده خاده دوح هدهد زواد ازاده اردها بد هوا هوز
 حبوب آبادی **نوزده** طوط طوط وطان هدمج زبب چا
 هدی دهی حطب لحط پز وجود واحد ابوب اباز
 هیجا حاجی حاجز حاجز **ایجاد** دوده یابو بهبود بهنراد
بیست حبی دیو احبا زبیا پناز بازی ابطح بطحا بطاح
 دای هادی دایه ودرد باده طبا جوبا وجوه پوزه
 بدید **حده** اهواز اوازه از هوا **دیل** طیب طیب بطنی
 زبد زبد زود زدی زبیب ببیز زود هره جدد

[illegible]

فصل

وزید دجه اکاه جوج چید یابید یابید خادیه نازی
 بازده دوازه زباده ازده نهاید ۱ ۲ حاک کار زاک
 زاکجه کجه اکاب کوب وکب یوک بکودیدی وحب
 خابط وژه جندانی زواید زبیده جهودی خواجه باوچه
 بازید ۹ ۲ کاح وخواج کوچ دکه که بکن باکو دیده
 زاویه اویره پیچید پاکاه سی پک کی کد و داک
 کود ازینک کاده طانی اکواب بکوب جنت طهوجری اصطنع
 کباب یابیز ۱ ۳ ال ال لاکوه کتره کبابک بزیدی زیدی بزید
 اکهاد کاود بیجا بیوجود وطوط ۲ ۲ لب لب پل بل آلا آلا پک
 پک کب کزه کاه کواه کاهو کبود کوبد بد کو کداز حبطه
 بی چیز کناده زابید بزیدی هایشای بهوده ۳ ۳ جل جل
 لے بال لبلا کچ کوز کوز حکه کچی ابل طهوج ناک کبا
 ۴ ۴ دل جلا جل کبد د پک طوطی کچی بال بالا پیچیده
 بهیجه بکا ۵ ۵ بکه جل جل جلب چیل لے ذال دلا لاد

کھی نایب کورده کدای اکید کادی اجل الجا بیال بابل پیدایات بکوز یهود
 بجاره پاکیزه کبابی **ع ۳۳** ول لواله اهل هلا هال کپوکوی بدل
 بدل دلب کپاه کاهی کاهی جلاب جبال بابل درگاه چابکی الباب لرنیث
۲ اول لوا الو ولا زال جدل جلد جلد هبل هبل ببل
 برادر بله بله لپه ذابل بالاد بدل لا بد کونا بیکه اکاهی چکید زل زکی
 بزکت **۱** حل جله جله جهل جهل پول پول بلو زال ازل
 بجه هبال دجال جلاد دالج جبال باله لایبر ولا بهی ابدال
 بیکاه بکوی بله ابله الوازاکی ازکی **۹** طل لطل حال لاج جلو
 چو جول لوج دهل هلد الهاب ذابل اجله الیه جاهل جهال
 و بال کپه خالک حاکی ادلاج ابلرد پلاد جوک طوطیه
 کز او **۱۰** بدل دل دل ولد دل یکی طب جلد بلج طلا کوید
 ذابل لبوب جوال جلوا جولا کلا ده ذاله ادله دلها حالا بددل
 کاهید جابکاه زبایی بطمائی **۱** ام ام ما طلب طبل
 لهو هو ل لباح لای بال ابل کپوه الود دوال دولا والد

بلوچ بلده هاله کزید کزید دزدگاه بزیدی **۲** هم والله هم
 تحد زله بلی بیل بیل هزل کبک کبات چاحه طالب طلاب
 طبال بقال باطل اطل بهله دجله جلد کجوج جلاج اولاد کجوج
 لباده بادله کبودی بد کوی کواهی کذا زاده **۲** هم هم نام مبابما
 جلیوب کجک جلی حله زلو لوز دجوج دول زاله هنراک لجه
 احوال بهلو بهلو ابطال زاکبه الحاج دولا ب پولا د پلاد
۳ مد دم دم دم لوج حول وعل جام مایع مایع
 الباب طله جریک دلی طوطک دودل کهدی زوال زالو
 جندول جلق لبیب جهول جلای الحاد برزیا پبالا ازاله
 طبایائی **۵** هم مه مه هم هم طول لوط طو ادم امد
 دام رطل هبل بلدا حول لواح حلوا جلی افاج دهلو
 لبایب بابلی الوچه پاکیزه جواله جوله کاهید کاهید **۳**
 مومو ماه هام هما هم ولی لبو وبل طلبه جمله فلاج
 هابل لایه اهلی بیدل بلبد بلبد والد کزید کزید

[illegible]

JK

کال الک بیچال و هم حج مجدد جازم جزام مجاز مزاج مزب
لبوه دوام مواد بدهم اماده هابله طواله لواطه ابوطالب
۵۰۲ بن بن حمد مدح محمد مزه هنرم مزه کلب
پلت بکل امبا انا انا طلوه کال مواد و اهم هوام ایما ایام حجا
جحمم مودب موبد و الهی طالبی مذا و مواجب بیم هوبل
بیطال بالبد دژالود بامداد ایلها ۵۰۳ جن ابن بنانها
بان بناناب پان و زم چکل کچل کچک احمد حامد مامع
مذاح کلرب کلرب کابل نالک پیام پیما کچه طیه حیدر
او هام هجه زبلو گوکبه تجبوب دجوبی ماجوج دولا بی
۵۰۴ هبطل محمدب دن ند جان بجا انج دهم مبد دی حو
دلت لکد انبا ابان موجه موجه هجوم الوی ابلت جامی موب
ماروز اموز اجماد ایللی و اوللا ۵۰۵ نه نه نه کله کله کله
کهل لکه دان نذا نداد دنا خرم مهی می جنب جنب جنب جنب
مجب امبد داهم ادبم ادی بادم امدی چالای دلاک طویل

و طبل نایزه طبلید خوالی طراپه دهلوی جولاهی ابر طالب
 ۵۰۶ نون بند پند ندب بدن کلو لوك کول کول
 و زنج موجی موجی موی بوم شان اهن مبدی اذناذانا
 اجنب مپاه اینه اینه های مای مپها مایه جانب جیان هلاک
 کله هلاک کاهل مرده دهلیز افرجه مزاج جازه پوزال ۵۰
 زن زن نون چند چند نوانا و پهن نهب بنه بنه کول
 محط حطیم مجید مجید مجدی مهیب مزی بدان بدان ماوی
 انفا و حه کلبه چیدم رکال الکو مبادی کلهاد کالبد الجانب الهالك
 اهلاک و احمه ایتام بد مزاج مزاج ۵۰۷ کل ناز زان زنا نهیج
 جته دند پناه پنهنا موحد دهم دمیدم مدید بوحی موزره کلبو
 بلو حطام حطاط رکال اینه اینه اوان امیز ابدان ابدان محبوب
 هارمه افرود بهایم مباحی باده باذانی دلا و پنی ۵۰۹ مهدی
 خادهن دهن هند نهد دنده نده طن بزن خامی مای چون
 چون هم قلاب باغ جهان میده میده مهدی برنی دادن

دانش

داندازان مجوی جویم پنبه کالخ کالخ کحال اکحل موجود
 موهوب کوبال اباذان مبداد **شصت** زنج نی ن کم کم کم کم
 کپل لپک لپک کلی کلی کل بود **د** موبد مودی رموی
 هن جوان دانه دهان انده نهاد زبان نازن اچا پنبه دوم ناهد
 مپاه بندر دپماه مپاده همپه مودود طویل طان انوباباذا
 ۱ الیک سا اس کام کام مالک کما اکم مطهبت نند نند
 زند زند زنده نزد اینی اینی پناهون لال لال بطن بطن آوند
 دوان بنده ندبه دینه مپوه موبه و همپ همپ کمال لاک
 جنوب پونج موبد مپوز زدیم دزای انفا مباح مباحی
 پناه بکاک ایتان زباناناناز از دام احمد آباد ۲ ۶ بس
 بس سب بنی بنی بی بیین آسا اسایکم جناح فجاج اجن ابان
 هارون هوان بنود بودن بیلک لپک کلی امکا نازد زادن
 نژاد نژاد اژند طناب طیان باطن مدح مبد محدو بهمه ۲
 همپ مپوه جوان جوانی بواج باب زن هلاک لالا بودیم پپو

در سر

عند با افراز واجب الوجود
 باس پایی سب سبیا
 بسا بسا چین چین حتی و من جنود جلال نایب بانی
 بیان پلنایانی ابکم کم اب بهمانه موپن موزی نابود
 از موده انداز افواج ابطان دمیده میدهد کلزنی کابلی
 پالکی دامنند مذاج مذاحی احمدی مادحی **م**
 نوح نایبی جانی سد دین دین دین ندی مکیت سبب
 خوشنایح مکمل جلال بلبل بکمل کلبد هدنه دهنه
 بیین ناز و نواز ترازو و لکن کاج جانباز اینها نایاب
 پایان ابنو بادزن پاژند پامرن پهنر کلوجه پیمایا **ج**
 سه اسد داسی وزن وزن وطن مکه الله نهی هین مفر
 زبون دهمان دینا دانی نادری جنبه چین پچین کلبد
 کبله هیکل کدام دلال دلال درند هنود هند و نمود
 اجلال لبداب لبالب بلبال زبان او زبان از و امیطد
 دایمی جاویدان هس سدا سح نطوسباب مهک کهم اینجا

بهمن

بهمن **ع** **ش** الله ادیان سو سها بنو نوی نوی
 چوزن سبد طرمکو زنده رنده هلال کاله وکیل
 کولی ناهی هان نپید پلند مکاد اسباب اندوه نواز
 اهنود ادانی اجنبی پچان پچان جنازه بید کل بیابان
 بیابان **۲** **ج** سوا جسد سبه زکم کرم مکن
 سداب نیز زین زین زنی سار چند چند نهیب
 ادی زار ماکو طناز لجلاج جلاجل جهنده حبط حطم
 نوازی بدنه ببناد بدنه بنیه مدحه حید بظانه
 مطایبه به دانه محطاط طی **۱** **ج** موطه حکم حکم
 چین حس بوسی سبوساز ستر سپاه طل ساحل سجاد
 محبی بنوی محس سح سدد سحیح حس محلت کسم حتی
 نژای موبک رلال ندید دبدن چکه چینه دکام
 هنوز هچین دهنک میدد دبدیم دلال نیاز نیان
 فانی نازی ازین اوان اوان اندوز انداز مطلق

طحان بدباطن بی مایه طلاکوب ناپیدا باد بان
 مجرب **۹** سبز طین سده سده بثرن بثرن
 نینب نوحه حلال حلال حاکم حکام حکا سداد
 دهم جویم مواکب نواب بی نوا جنبید بلبله دوند
 پازان بازنده پازنده پناح پای نید بدببان ابادان
هفتاد بی طاس مل مل لم لری کن کن لیل کلک
 کلک حبس مکی کی ساوج ساده دیاز موکد کاجو
 احوال آینه آدینه آدینه ناهید نوید دلاله بینی
 مکبوب طیانچه املاح نوباره اواین هلهل مزخج
 بد نواز **۱** آله الم مال لام ملا امل امل لا
 کاو دم هوس سهو اسود اسود سواد سواد اس
 سبط لبسط طیس نای پاس پاس انک کان لوله
 کومر کالک کاکل لبال لالی سزد سحاب حنا حاب
 صاحب نای آبتی هون من دك دچوان بچون هلا

کزدم کامی پاپوس اماچکاه جزودان بطن اود
 بومبر دبد بان **۲** بلبل بع سبب بیس بیس بپر
 دبی سی بکن بکن نیک کتب حب حدس ساد
 اسبا دباط باسط لولو امال الام املا خطه
 بوسد بوسد سجده نزه یکم بلنی نخبه بزبان
 پیوند پیوند پاینده بزبان نوزده ادی زاده
۳ کج کج چک چکن سوز صاجل حلم تو
 اسبب جلبل حاسد بانک چنه حنوط ملاب مال
 بالم پابس دبای سیج هبلول سجاده نایه سبهد
 ساباط بنای بنمید **۴** دع عد عد سپد سپد ادیه الحوزه
 دکن کند کند کند دنک دلبل دمل دمل عا
 ملجا جمال مجال جمال طول سینه بونجه مکبد
 کامیاب اکج ناحیه ناپاک پاکان **۵** عجب
 عجب بچ طوس وسط سوط فکه کند کند

هنك هكن سبه سهی چپكن دعا عدا عاد داغ
 هلم مهمل اندك دكان دانك كادن حواس حبه
 سجه مالد ملاد كهكل سوده سايد بسج حزن
 حزن بسوز جوان نواحي اجمال زوبين زبون
 دلايل بزماكه املد المله انجام كناده لم لدام
 ملدا مهمل مكابد جاويدان جاوداني طيبدان
 و پس پس سوای و پس عبد بعد
 بعد نوك كون كو نكو كون ونك مسكوي مكو
 سپاه سپيل نكاه كناه كاهن آهنگ كهان
 ناكه اعدا اعدا واسط اوسط طاوس سابه
 كنبه مبدل سبوح اسپه اسپه همال ماله
 امله لولی وساده اسوده ائینه سبوح هلالی
 كاهی پودان بيدن ديوانه ديوبند كاهكل
 بكاه ۲۲ دعاب عابد عباد عباد اعد عز
 بعد

۱۶ جعد مولا زنك كنوزنك لزوعا عوا اولس
 سوای سوزد كنجد كنجد چكند ناكاه عجاج خورده
 دملج كزلك ناوك اونك اواسط الهام اصال انها
 لولاك جتچون ولوله وزيدن زاننده لوام مجد
 موال ملز ساوی سوای عباد ۲۱ دعد عدد
 زنوبه اغرغرا حلم ملح حل خم محل حمل اژلك
 خك نازك حكيم لازم مازل حدود طسوح حله
 مجله سلبد سبج سبج كنج نكوب ابداع ابا
 بنازی زلاي اموال جوينده زيننده اغلاط
 ۲۴ طيطان غريب وجع جوع عوج عهد
 عده نكاح ناكح ابداع سباح حامل حال ملاك
 امح ماع محام محال مظل ملاح سبه سبزي
 كنده كنده ايكون ميكنه الزام ازلام زلزله لابل
 پچيدن طاحونه هشتار كس كس سك كين نيك عطا عاهد

کنی محلب کردن عجز جزع وعدو عدو عود عود
 مهمل مهمل کهنه کپک لیلی مولد چوکان اعزاز
 جعبه اجمال هبلله بوزینه بی نیاز بی اندازه نگاه
 عبط عبط طبع امم مام مطلب مطلب
 مطلب مطلب کان کبان کاس نال بسط طبع
 مایل الم املی موله کنند کونه واسطه که با حنا
 سخا بی عاجز کلال سوبدا اعاده لبالی کاهند ناف
 سپیده امیدگاه ۱۲ عیب بیج بیف کب
 سبک سبک لپن بیل امام ماما طباع بنکی ملحد
 پی پی اوعداد اعواد اعجاز مطاب لوازم کوهان
 جنگجو مبادله بوسید بوسید ۱۳ جف فج باف
 بجن وزع اغزه حله حله ملاحه کاسب سبال
 چکین چکین چنکی کنی باج بیاع عایب جمیل طبله
 کابین پیکان کوزن زونک کنوف و ملوج مباحله

مجادله بنال بنال لبان ببنانی ۱۴ نف عهد
 الخ مدمدم جان جفا جفا چوب چینی جام طابع
 کپند کندی کپند عهد لطره مجهول بالان پانمال
 مزبله حامله طواصین اعوجاج دبلم ۱۵
 مهم هم سکه کپنه کهنه طوع فدا عهود وعده ملهم
 بلبان نال لادن کساد کاسد داعی عابد عادی
 عجیب بیج اجنا موله کونده بدعهد انکروا
 ۱۶ لون نول سول کوس نهال بلند شکوا
 کونی موم مولی کاسه سکاهامام همام عجوز مالیه
 لپوا بپند عیب بدیع عیب عیدی لانه ناله
 مولود بندگی بکانه کتابه کپهان اعزاز کلاله
 عاجزه اعادی کزنه عجایب وسایط سپرده دقوف
 بیدلیل حلال زاده جانکدار ۱۷ زف
 نزل نوال وفا کپنه کزین زکی کزی عنبه مزید مهم

سواک کاوس سکہ سکہ کجید جام جم لولال
 مطلوب دبنال مولی مولی کیوان کونیا کوز
 ملحاح سطح بوسید بوسید طب الله کاوند
 بدایع **۹۱** سخن ناز بوف انزل نازل حلیم ملیح
 محبت زمام عیوب جہلہ بیگانہ ایکپنہ محکک
 انکیز نازکی الوان کندید ملاحده سلک دو
صلو ۹۲ عبط عطا ططف هدف فضا
 جوف فوج حمام حمام همدم حالی ملاقی حایل
 کویج افزا کسد و جمع کا بوس انزال دمام
 جوم اب لہوا **صلو ۹۳** سل فی ہف نم من
 ملک ملک کل کلم کلم کلم ہنل ہنل ہنل کلک کونہ
 کونلادہ وعید حبیل طابع مہلی چیکین داعیہ ادب
 اعدادی اٹان جولان دلیند وندیک لاهیجان وازک
 دہالہ کدہون پیہ سوز بکزمان **صلو ۹۴** نام

عید
 با وفا

ریت

امن امن منا نما مان لاس سال لاپن بنال
 موالید نابل فود کلام کال کامل مالک ملاک
 ماکل لکام اکمل کاوہ کوسہ سہ کاه اظفا فواد
 حججہ عجوزہ بحججہ عجایز زندگی کریدن زریز
 کریند افادہ ولدان الوند اکبیل افواج ہاف
 سواک **صلو ۹۵** امان انام انا امنام محمد
 بنیل بص ص کبی سبیل سلب لبس کعب
 امامی مولوی عطیط بیکس طبایع نوالہ املاک
 اکمال دبنالہ **صلو ۹۶** جس چن مجن بنج منج صبا
 فوز فقر حبس سبیل سبیل مہترام لباس بلاس
 پلاس لباس باسل سالب بنما بالین نزول نجین
 افواہ دمدمہ محامل ممداح بامن مناب **صلو ۹۷**
 عطوط صد نمند ندم مند دمن مند فدی انج
 چمان جانم عزیزی زمر وفاز زوف عطیہ لدی

جام
 ۹۳
 اب زندکی
 ۹۴

لندی عهدی صفه جیلان لاجپن انجیل نا
 احقاد جالس حمامه پهلوان طین کوز صدم طوط
 ۹۵ افراز طوف عکس سمل سله لیس صاد
 صدا صه منه ظم پنجم رخف کبسه کلبله ملکه
 کله لکه مهلك انجام اجلاس نالبد نادم نامد
 ماند دمان دامن مدان آمدن مناد کوپند
 ۹۶ وفی یوف نزم نمو ملوک طواف
 نامه امنه مهان همان اندام دامان ماناد نام
 کپسو بلندی مبد لوس سول مهالك بنکوی
 نکوی زعاف زاحف مزاحم دانیال مزرج بافته
 ۹۷ زمن زن زخم وافی کعبه بهمن فزود
 سواک امون اوکع ممیز بدنام بمباند بدنام هما
 جالبیا امامیه ۹۸ نماز مناز نازم ازمن
 زمان مح صلد صحبا صوب وصب جیفه فایز

حیف لحس سلح حبنم منج هیچکس طایح ططم
 دلوان بماناد مکمل مکمل مبدمد دمدی محمود
 ۹۹ اسلوب نمط نجوم صواب اصو
 بیوف حافی ساحل سالح سلاح سلاج محاجلو
 زنبیل دمنه نزمه انغان نجان منهاج امند
 حامی جلندی طیف ۱۰۰ صوم الاجد مس
 مس سم سم کف کف نک صبح بمن بمن بنم من
 سبل لیس نکل فلک لک لک فوطه اصحا
 اطلس ملل مللک کلیم کلیم ملکی لک لک کلکل
 طایف نمود فدوی فایده بنلی همدان مانده
 نامده نامجو ایمنه زاولانه حبلی لاهنجان
 ۱۰۱ اسم سما مسا امس سام کاف کفا
 افک لایع عال علا فان کلان الکن انکل انک
 انکل نکال نای منا مانی منا میان نایم بنام

بنام امین امین امین صاحب حصا صباح
 صباح ملائک مالکی ملاکی کلامی کاملی کانی
 ملاک سکا سکا سانی مه نو دعا کو منجور
 منذ چلیاسه محبان کوهکن دیوانکی اسوکی
 نزدیک طبعی ۱۲: بنو لعب لعب لعب بسم الله
 بهی بهی بهی بهی بهی بهی کلین بنکل پلنک
 اکفا متره سبیل سلی بلیس اعلا اسما اماس
 الیاس اصحاب ماه نو محمدي ایمان امالی ایما
 نامزد هو مان هارون ممره زنجیل ۱۳:
 بضا بضا باق باق باق جسم سچ جلد جلد عجل
 جلع جلیس سچیل مکمله صایب بنان چچن چچی
 چنکل چنکل زمانه ازمنه لاعب لعاب لبام
 سبیل ابلیس بالک حمدان پیمان پالیزبان طمان
 تم ۱۱: فد دن فدک فخری چنان چنان صید چاق

۱۱

اولی صبر الی

۱۳۹

میر معین

۱۳۸

امیران شعیب

۱۳۹

مدال محرم علاج عاجل عاجل اندم مدنی نمد
 مسب سد ابنان ابنان دنکل چنکال مکول انعام
 عدل دلخ نامیاب بلند پایه ۱۵: فله کھف فکه
 کفه سهم سهم عادل عادل اجاق جانان نیمه
 مهن مهن مهن منهی منوط سواجل صباد فیاب
 طوفی طایفه سهیل سبله مسد ممویه میدان میدان
 منادی ماندی نامدی ملاین بنامد دامنی خودنا
 ملاهنه اجسام فدائی ۱۶: فورق علو سمو عامل
 کفو وزن وحی صبور نهان نوکل مینو ملون نامیه
 طواف صحابه حیان میانہ مناهی همیان نادان
 انکله ملائکه مادپان نا امید ۱۷: صبه لطف واد
 فواغل غزل زمین مزین فباد نوان مسجد صحاح
 بساوت وسایل بدنامی دلسوز جاماسب امزوج
 وامند لا طالب کو ۱۸: حصص حق مسیح فان بوق

فهد بحکم غزال افلا کزاف افوام ساز سلج منج
 پنهان اوصبا و صابا مساجد منان زمان با سهر مویا
 دهمدن بکاله لوزینه انزان ۱۰۹ قط حفا حق ماف
 سمط طس جوڈ قوچ لطف طلع خان جنون محوس
 عجل ملاح کفاح نوبنا موزون مدینه موازنه دند
 جباله دل سپه نازان دوازده امام **عدد ۱۰۹** صدوده
 صک عم مع علی بنی فیه نملک کنتم مکن مکن
 طالع عاطل منی می سیم سن فود سلت
 کسل کسل کف طاف طاف عدول جافوا مد
 مین مین مین سباط نوند سبلی دسوم دسوس
 سرد سوسم نوسید دینم محس اسماح جانانه
 مد جین عیدکاه منان بواطوس همدانی دل
 بی نماز **عدد ۱۱۱** زنجان قطب طبق طبق اطاف
 انن انن انن اسن ناس سنا سان نساگان

کلام

بیا

چون

ادوس دحق عام فال لاف الف الف افلا
 هلوغ نژند عالی املا علیا عبال عابد مناجی
 سها سها و سهر کمان کمان مکان کتام کوفه استی
 ناستن فواد و سبیله بوابو مخزون همبون اطلاع
 بادنجان بکانکی محاسب محابس بطلپس امینی
 امنی صباحی صاحبی سالک کاسل سکال
عدد ۱۱۲ احقاب فلاح حقد انسان نب علاوه
 مسبب منکب ولوع امعا طابق قطاب طباف
 الاف اماکن ناکام امکان زندان اعلی اسای
 فواکه ننگله سبطام دسناز هاپون ناودان نوفا
 نوند هم هولناک حجان بان ولی الله دل نازک
 ابد ندان **عدد ۱۱۳** عجم عجم جمع حبس حبس سجنی سنخ
 سنخ منج چی جلف فلیح حفر بائی فانی انب
 جنین جنین جیم حادو فادح فلاح صیحه ملیم

بنجد کلچین جنگلی بیکانکی دیوانیکی سپهاب بودا
 محکمہ مزکوم منزوی حمدونہ افطاب اطباء **عدد**
۱۶۲۰ سند سند عمد دمع عدم معد فید فنج
 افنج جلفا جوفہ جامع جاع عدیل لدیع احدان افلاح
 دندانہ کندانہ مکند مکند سابطہ محاکمہ بوالعجب
 جنبہ **۱۶۱۵** فادہ طلوع محجب معجب **فجبه** اجماع فاید اجناس
 انجاس ملهم مهمل معاد عماد مدعا عمدا مسودہ
 وفاح علیہ سیخ **۱۶۱۵** قوی قوی پوز قفوه
 موسی وسم وسم طیفه معبد مبدع علوی **رکن**
 عویل عیاهل پسند سپند وسن سسلرک کون
 کافہ نوجوان نظر مملو مامو ممو عامہ صحیح **مکنا**
 سنجاب محبوس محسوب محاسبہ حسیان با سبان
 عالیہ علیہا اسناد نہادند نادانی نا امیدی نوادہ
 بولنگاہ **۱۶۱۶** مفر مفر غرم زعم **منا** زلف

زلف زلف فلز حلقہ صوام الوف افول لواف سجد
 سنبہ ملزم منخط مسطح فاطبہ یونان مبسوط سواد
 مایوس ماسوی ماسوی مایوس مایوس مایوس
 لمیزل ظہاسب کپکاس بدسکال بدکمان
۱۶۱۷ وغب حسن حسن غنی حلف فحل
 مسیح جمعه جقه حنین حنین فطط فطط عازم
 محمل ملازم منکوب بوعلی نسابہ مژگان زینان
 محسود زنگولہ بنی امیہ **۱۶۱۸** طفد لطف
 لطف طمع طعم احن حسان نحاس سانح حسانہ
 معدہ زنبق ابنوس کماچہ ناسرا ناساز مسیحا
 عدیلہ فلاح حلات افلاح لحاف فظاظ **عدد** **۱۶۱۹**
 فم عن صک مکس سمک عکک فیلد لطف نمد
 ننگ سنی سینی مطاع طاع طاعم طعام طامع
 الطف موعده عمود فنج کفنی مکین مکین مکین مکین

کنیم کسب سودن احسان کلینی عالیه بالبلند
 اصل صلا فام انیس سنا ساس ۱۰۲۱
 الف عیا اعی عای منال نالم فطی طبقی سناک
 سناک سجان الطاف اطفال اطعام ملویه سناک
 کیلاس بکناں فولاد فباچ سنکامه همسانه موبینه
 مکیا بید هندوانه ۱۰۲۲ صلب بصل عنب
 اساس مکب ننب بپن معبود انا مل موسوی
 سوهان سازند امناک مجطی اصلا ببطالع
 نندانی کوشانه سناده دمیحه ناکامی ۱۰۲۳
 ۱۰۲۳ جمع عجبی سوزن عتاب مسکاب بنبج سجن
 طنطنه مداین فدا حی منجل ملزوم کلیناک انبیا
 ال محمد ۱۰۲۴ فداک مدن سدس معبد همبد
 معدی مدی عادی مدیم طعمه مندو سوج سنا
 کنند کنند دلف انلیج طبعه هندسه مسکاج سونا

کینان

ساپان موسیحه اعناب ۱۰۲۵ فهم عمن صله
 جهل عناد مسکه کمر سنه سنه سواغ نهند
 معجزه کینه اطعمه طافیه کندنا مباد نکناد غارند
 ۱۰۲۶ وصلعون نزع قوم کلکون انسه
 بوبنی سوس کنون نکون ملون کنازه موعود
 سلاله ماسکه مسکوا صبحکاه بعدد حنابا
 کله ناک سنه هم سوزان ۱۰۲۷ مسطح زلفی
 وصال واصل اصول بداصل منزل حدیه
 اکنون کانون مغزی عوان ماوف مسواک سکا
 منوال افهام اساس سازنده نوابین علیحد
 ناکهان زعن نزع ۱۰۲۸ حسین حسینه صلح حاصل
 نزع انواع اعوان فالین منازل غرایم مباچه
 معاویه مصوب بوسلیک مکسوب نکهبان مولا
 نبی الله ۱۰۲۹ قطع طعن لحن لطیف طغید

لطفی لطفی ملطف حاصل صالح اصلح صلحا صلاح مطيع
 معطر كنده كنده منكوحه نكاه بان فهوحي ولد
 ملك جاپگاه واپسين **صلد** **وسى** فن نف قل لن لعل شئت
 فكس فلك فلك كلف كفل كمن لمس سلم
 سلم ملر صين نفي صيني علل نكبن مكم
 منم سليل منود طاعن جاسوس مطاف فظام
 لطايف اصلاح **سايه** مامن لقا قال اقل ناز
 انف فنا اصل اصل عيان ناعي عابن اعين سلام
 سلام سالم اسلام لامس امس ملاس لما كاند
 كلاف ساكن مسكن سكا سكا سكا سكا سكا
 ناكس مضموم بىكان بلهان وصله بى لطف ايل
 ممالك كلكونه كلبسا تمام منام **صلد** **وسى**
 اسلام الماس امثال صليب مصيب بيل وصول
 اصيل نالان اعيان علا لا معاويه محب زاده

الا سنجيد افلاك افلاك **صلد** **وسى** نجف
 جفن فنج جلق جفل فابل بفال فبال ابلق فابل
 فلاب فابل سابع سباع مجلس مسجد عجب
 سكيح محقه مخم سوزني وسواس وسلوس سايه
 سنك يا پاستك عناي انطباع ملحدان **صلد** **وسى**
وجهار سعد عدس بافلا دلق دقن ندفند
 لنجان صمد مضيل چالوق جلاق حصول عندى عند
 علف علف طعنه مدلس اقبال القاب لافا
 مجالس مندبل هفدهم اولاد محمد **صلد** **وسى** وى
 فله ساعد اسعد هيم نافد نقاد نلاف افند
 سکنه سکنه الغياح صند صميد هني فطر حوال
 مسهل حصولوا **صلد** **وسى** قول نافه صوم وسع
 مومن سكون كلافه عيون وصلى مهمان كونه
 طاعون سكا من ملوك لسه مسند سلامه

مكاله صد و سی و هفت ساویس عزیز زلفی لژی واسع
 اوسع مزاج قبله قبله فامون و سوسه بی فاهم فوال
 اولد منجد وصالی باب السلام اسكون اكسون كیفای
 محرف عابدین بی عناد **صد و سی و هشت** صلوب محفوف
 حلی ملوب قبول فباله فباله لزان عبوس بنوع
 زفان فاذن کچینه سکجه حبینی **صد و سی و نه** فظن
 فقط نطف جرمک حقون لافخا حق طلق صدمه
 حوصله حقاله اسبوع صوبسا مسلط طلسم مطلس حقا
 طهیل فلك جاء منهدم **صد و چهل** علم هل علم فض
 قم سعی یعنی منن نفی فین نفی سلیم نسل مللی
 کفند متکین طلائ طائف عطاس ساطع الحان ملل تلاله
 لم عینی **صد و چهل و یک** اسف فسا مجلین منان نلف
 فانی صایم صیام عامد عالم اعلم عالم عمال علما
 معال عالم لامع معلا ال علی ملای عباسام ماس نما
 رتبه

املیس مسایل فلو له لسان السن مصباح مصاحب
 فابل فالی بنیاصد اطلاق تکلیا کاسنی کاسنی ناکی
 انکلیس کنیا کتابی عباس آباد مساهله اصطکاک
 عباتی قباچه **صد و چهل و دو** و نصب نصب بعم بعم افرا
 قبل قلبی سنبل بافنده عبدالله مصیب محمد اعلی
 اعلام لامکان مالکان زندکان منظم **صد و چهل و سه**
 سنج سنج ناصب نصاب مصائب طالع فزون فلیج
 مجسم عباسی سوزنک و سواسی با تعین بنایع فابل
 بافله فالی بقالی فلا فی فباله فابلی **صد و چهل و چهار**
 قدم قدم سعدی سعید غنیر الوجود دفین نذیر
 نطقه عطسه مضطر صجدم عذک سحاف چان
 اجن معالج افزون **صد و چهل و پنج** سفه فادم اقدم
 قدما فسد افسد فساد لمعه قلبه لطفه صهنه صهنه
 مهین افندی سکینه کنیه سلیمه مسجله لواحق کلندام
 مله **صد و چهل و شش** قوم صون و سبع سجند علوم
 صون

علامه طوفان السنه افلام معصم موسم شوم مکفوف
 مسکوک مهور مصوب بدعل مصطبه نقابه مهران
 معانی صد و چهل و هفت مغزل فرام دامی افروز عرمل
 عوام فیله معوله قبال پاصد علی وال صد و چهل
 دهشت صحن حصن محصن محصن فحی عصبی افوام
 حنیف خیف خفی محو حو سفی قبولی صد و چهل و نه
 سفاج مغط مغط ناصح احو محاف حمفا سطیع
 مطاع مطلع معطل نهصد صافون دشتی محنون
 معالجی مظیف صد و پنجاه کفن کفن فکن
 فکت مکف کف مسن سمن ستم علن لعن فکن
 فیم فیم فی عکس معیل طیم علی معلی علی
 فراط مافط علبی عکس فکس فکس فکس فکس
 مکسل سلطان مطالع فلبواج ننمود صد و پنجاه و یک
 فایم فایم فایم فایم فایم فایم فایم فایم
 افکن لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم
 نموده

۲۶
 عیون و ماه و ده
 نموده جلقوز بهلاق سبلان لسانی انقب ثنب
 بنی لایان نصب و صون یکن آسمان مطابق نقا
 موسوم نمایان سامان منزله اولاد علی صد
 و پنجاه و دو پنج جن جن عجب رفوم نقاب نقبا فیان
 مع صبیان مناسب منیع خیف معزول صد
 و پنجاه و سه مند سفید نقد دفع صد کبی فکب
 جنای انجای سمند مسند فکس فکس فکس فکس
 افرونی صد و پنجاه و چهار فکس فکس فکس فکس
 ادفع فکس فکس فکس فکس فکس فکس فکس فکس
 فکس فکس فکس فکس فکس فکس فکس فکس
 صد و پنجاه و پنج فکس فکس فکس فکس فکس
 عمامه فایم فایم فایم فایم فایم فایم فایم
 فکس فکس فکس فکس فکس فکس فکس فکس
 فکس فکس فکس فکس فکس فکس فکس فکس
 فکس فکس فکس فکس فکس فکس فکس فکس

مطابقه سالنامه بطلمیوس چندت میان بد **صد**
دینامه محسن حصین محمد ملحق متحق اویمان
منسوب کجفده همچین صابون پز ابوالحسن
صد و نهم نظن نظن نقطه عطف نقده ملطف رن
ناون حنائی نقده محاسن مخالف کمالهاف مفلوح
مناجده مسجون مهندس جهنمیان کزنکین صابون
صد و شصت محب علی معنی نعم منع نفی
نفود دهقان عسل عسل لع سفک بنم منی
سمین فغان نقاط نظاف فوجان دافده عمیم معدوم
نماننده سفی سلاطین سلطان طلیسان همک لوبز
صد و شصت و یک ساف سفا عصا یغا سفاله افنی
سنان مانع معان مناع عمان ناعم انعم انطاق نلان
نافل فاین اصلم نسایم یاسمنی بوجنه عاسل
صد و شصت و دو سبق سبق قلبی عصب صعب

نقب اسبع اسفا منبع نقاده انعام انعام انعام
انسان افلال ابوجنه سک ملحد **صد و شصت و سه**
سابق اسبق باسوق انبلی حقنه جتی انطباق
صله کاه **صد و شصت و چهار** نقطه معدن اصعب
اعصاب ملخوف مخوس مدس قدیمی ابن یاسین
بسیارمان اصعد جانی سپصد ساخنه مجموعه
صد و شصت و پنج افدس لا اله الا الله صدام
صاعد عطوف معادن فوط فوط ناطقه سلما
سندان فتادی نقادی تمکدان فلا نجام **صد و شصت و شش**
جحف فوس سوف فطوان فاکهین ابن ملجم سک **لعبین بد**
سک سکها زندفر هلاک علی علامه علیون نفا
مسلول نافله فلانده نوزل کسوف عبوف صندلی
موصل همکدان مکنون بند کون فطرن ایفاد
انبغه **صد و شصت و هفت** سنوان فواس واسق عصبه

جفاف فحجاج مغاوت موانع نوافل زنادقه **شفت**
 و **شفت** سق زفات خافان قندبد مطلوب نازپنی
 سابقه محصل جقوق قسط سقط طسوق قطین
 قطنی از زفات اسحق مصطکی معجون سداقه **مد**
 و **هه** صف فض قلم مقل سلف فلس سفل ساقط
 سیم معین معین معنی منبع نغم قبس سمع قلیل بهین
 سنین علیین قدوس صعود مسکن عسبل عسلی
 یقین سقاچین دهاچین دهقان استحاق مسلم مسلم
مد و **هه** و **ب** عاک اصف صفا ضاف غاق قاع
 سابق ساقی ثفاف غاصی سباق قباس سافل
 سقال اسفل صعود غنان نفا مفهوم زندیق هفهان
 شامع سماع اسمع مقال معانی فلاقی اصطلاح منطیع
 مساکین تلبسان سلیمان **مد** و **هه** و **د** قلب مقبل عصب
 عقب اقابا ساقی املاق افلام افلاس قبلیس آفاسی

تفتی **مد** و **هه** و **ب** بفاع عتاب فباع عاب فزوب منافع
 مقابل مایند مایما طالب لغا **مد** و **هه** و **د** قذع عقد عقد
 صدف ضد سندل مدفن مقلد قدسی مدس
 صدع صعبد اعطاب سندس معابین **مد** و **هه** و **د**
 صفر فصاد صفاد لغه سفلد افدسی غلطوس **مد**
 ساظه مدعاس مساعد فاعد فعاد فلبله مطعون
 نطوی **مد** و **هه** و **د** و **ش** وصف صوف وقع عوف فلوس
 سرف سورین فسوس صفها موسع عروس مقالده
 ملاده معنوی مسکون مغلوك معلول سواظ **نقطه**
 فلاطون معانیه ملامه سمیناک **مد** و **هه** و **د** وصف
 و صاف وافع وقاع فلزم زلزم یغره عصبه صلوات
 عنوان فلونیا افلاطون مصطلح **مد** و **هه** و **د** وصف
 فخص مقبول مقابله شهبی ملکی محصلی منجیه
مد و **هه** و **د** و **ن** قطع صحاف افصح فضی عقد شیط

ملائح ملاح مطلق مطلق فليدار ابو مسلم كم طبع
صد و شتاد تف صفه صنف صنم علف فعل
 نقل نقل لحن سمع فاطع فطاع افطع فاعده
 سفيل سفلي معلم معلم مسعود فعور عفور فذوع
 اصفاح فليس بو فليس صولجان مدفون مسكين
 اصف جاه **صد و شتاد** فان افق فقا فان فعال فاعل
 علاف العف ناقل فعال نقلا صافي مناص مقام
 كفات نفاس فلوله سلمان اقام ساعي سبائي ثبات
 قواعد معالم معامل ساسين سلاسل ساكنين **صد**
اشتاد و در افان و فوع منصب عقي بيع افعال افعال
 و افه او صفه طالب علم سبعين اقاليم اصفيا **صد**
و شتاد و سه نلفوم صاحب صفه فزويني **صد و صد**
و شتاد و در ففدي مقدم مقدم مفسد فطعه انقلاب
 عمايج حلقوم فلا بان **صد و شتاد و بيع** سهمكين

فقه فاق فعله علفه عقابد سلسله نوسينه
 فصادي معلمه **صد و شتاد و** فوف فوف فوف فوف
 افقه ففها ففوف ففوف وصفه صوفى صفوى
 عنوس لغوس صافيه مفوم فنون ممنون مسموم
 معلوم ابن السبل معامله كاسه ليس بد فدل
 سهمكون **صد و شتاد و** وفان فواف واقف وقاف
 و افنى ففجاج **صد و شتاد و** صاحب وفا منصوب بزم و مجلس
 حفف حصيف ففف فصيح يعقوب اوفان ففم
 مقبول **صد و شتاد و نه** ملائح فطبع فطف ففون
 ففط فافول حصاصى ففاه ففاح صفاف ففقد
 ففده عقیده ففالج **صد و شتاد و در** ففنى ففنى ففنى
 ففطال ففنى عسى سلقى منفك ففكن ففم ففنى
 صفى سكين مسكين **صد و شتاد و** ففان ففان ففان
 ففنا وصفه ففان ففان ففان ففان

داور آورد و در داور آورد اطرار بج
بوج جراز راجز جراد اراده باور بارجه مصاف مصفا
صومعه معاصی علانی اسمعيل **دو بیت** و از معقب بر
بری بری بری بری ربی بری پیر پیر رباط ربود
دبور ذپود دروب زده بهر واره آرای پارا
جاردب جراج راج هراج زهر هرز دراز بعبقل
دو بیت و سینه ده معقاب معاقب الطراب زور زور
روز وزر اواره جبر چیر جری رچ باری پاری
ابری بادب بای بیار هزار هزار ازهر چهر باورد
جبار و فزان **دو بیت** و چای ریب حور روح درود
دبود دیر دیر رید ددی دردی طر زوار
ازور اوند جاری جبار اجری اجبر اهرج راج
راجی جوهر خاره دهر هنر مدان پردان دوباه
حقوق مقعد مقعد ازهار دقن چیدوار چیدوار

دو بیت و **پانزده** طور طور نظر حرز می می
روده نوده دیار دیار مدبا داری دایر دای
درای رواج حوا ابحار جریب حربه برود برود
زبور بزود پانهر نهاب طاهر اطهر جواهر
پنجهرد ازهر فتنه عقلبه عقلبه بدیع الزمان
پنجم الجمع فصله **دو بیت** و شایسته معکوف پیروی و
روی روی طنز حجه برید برید برید برید
دیی بریدی پاره رهو ورود مورد بدود
بدود طوار پردان ارواح الطهار زبرجد بهاره
بحر بروح فافله ابرای زردار هزارپا اوارچ
دو بیت و هفت و هشتاد طح خزیر جارحه زهر زهر
زهر زهر هرزه باور دای و دای و دای
طراز زداط رابطه اطوار بیدار باهور ربه
پیوه پیوه قرابن فانونی **دو بیت** و شایسته راج جبر مصحف

زار زاری زاری زاری آرزو روزه پیرد چهره چهره
 ازین طراح اودها اودا بامودا باکط دابیه پاندار
 حشون چهارده جواج **دوبت و تیر** طری طری طری
 نصفه رباح راج حابر مقطع مقطع جاربه طابق
 دبدار بریز زبر بزری پیزد پیزد بهروز پری
 پوریا بوبیا **دوبست و تیر** رک کر کر کر کر
 عنق نفع دودی دودی صنف صنف نصف
 نصف طای طاری طیار ظهور ورطه بهروز فلغل
 بیدد کوسفند دایره جوری جیره مضاع معفود
 عظیم عینی منفذ رواج **دوبت و تیر** اصطناع ضایع
 عصیان کار داک ارک اگر عناف عنفا فایع لغمان
 مسلمان بازار بازاری بچاره نفعان نسان جراب
 رطب سمنکان زهر ربه دوری دیوار لاصواب
دوبت و تیر کبر کبر کبر کبر کبر ارکا ارکا زهر زهر
 ۲۲۲

روح عقل

مسلسل

هنر درجه چیده چیده طبرزد موصوف افشا امراک
 الطاف جوبار جراحی درازی رهائی مغلب
 صاحب الطاف کلین احسان علی الحاحه حیدر
دوبت و تیر حکر حکر حکر حکر حکر کبار اکبر
 راکب بارک بارک نکاب نکاب روزی زبور
 وزیر عالی نسب دویبه دروازه پیرای دجور
دوبت و تیر درک درک درک درک درک کرد کرد
 کرد کرد چاکر چهره رطبه حوری روحی ارجمه
 راجه پرهیز بهناد جوهری سنکین دل مصافی
 بیجاورد اکابا اکار پاکاد **دوبت و تیر** حریک طور
 کها کها کره کره کره کله کله کله کله
 اردک کارد جنیده زهر پیر پیر پیر پیر
دوبت و تیر مشکف مشکف مشکف مشکف مشکف
 کور کور رکو رکو رکو رکو رکو کرها کرها کرها کرها
 ۲۲۵ ۲۲۵ ۲۲۵ ۲۲۵ ۲۲۵

نور سیان

فسق سفق عفق نفع نقص معلق مفصل مفصل
 غنصل فنبض مفصود **دوست و جمل و لب** امر آمر لأم
 ابوالقام مار ام آرم صلصال دلاود قائم فاقص فاسق
 کرپه ملاعق معلق منافع مفاصل نفع **دوست و جمل**
ود و بوم پرم صبر صبر اما آرام لوزه لاهور
 نهکبه کهنبه دوپیکر **دوست و جمل و لب** و جرم جرم جرم جرم
 رجم رجم مآتب رجا میا رجد رجد لاریب دل
 آزار **دوست و جمل و جبار** مرد مرد مرد مرد
 رهد درم درم دلیر چارم مازم مجرا ماجرا ایام
 راحله لاجورد مدفون **دوست و جمل و لب** و رجب رجب مهر
 مهر مهر مهر مهر مهر مهر مهر مهر مهر
 مادر هم ماند دارم مراد مدار دمار رماد امر آرم
 اردم اجرام اجار ملجل بربجل جبریل برجم عقیقه
 عجب **دوست و جمل و لب** روم روم روم روم روم روم
 مهر مهر مهر مهر مهر مهر مهر مهر مهر

مهار مهار رهام مدارا معصوم مدارا معقول میر
 مدب مدب دلیری بدبم بدبم **دوست و جمل و جمل**
 ربر زبر مرز نرها اموز مورا مورا مورا مورا
 برهم برآمد بدادم اصغهانک اردبیل دل ربای
دوست و جمل و جمل و جرم جرم رجم رجم آردم مزار مزار
 محقق مدایع بهام رجد رجد رجد رجد رجد رجد
و جمل و لب مطر طم رط راحم امر حرام حرام
 راح خار مرده درهم درهم درهم درهم درهم درهم
 دمدار مبرند لب ربا نربلب مهاجر مهاجر درآدل
 موح مرجع منعطف **دوست و لب** و پنجاه مدفون ندریم
 ری میر مهر مهر مهر مهر مهر مهر مهر مهر مهر
 موند دوم طارم طارم طارم رکبک میارند نیا
 محب رجب دراهم کوکد مجاوز ماوز اجاره **دوست و لب**
دوست و لب و ناز دان امیر مبار فلنسور زنده مطرب

مره مرجه حجی تقاع فافع طرب مرجا **عدد ۲۵۰۲**
 انار مری بیوم بهی بهی هنز هنز هنز هنز
 یکل یکل اران ارند هموار ارمیا سلیم الطبع
 انقسام **عدد ۲۵۰۳** مدبود ریج ریجیم جری جری جری
 انی بران بران برنا بران هنز مرود حمع بهار
 کربلا کلباد کنزگاه هنز کی منجیق **عدد ۲۵۰۴**
 رند نرد محو ارخ مطهر مری بخار چناد مصید
 مرید مرعود اموز باران انباد جهود مجود
 جودمه جاری جوام دلیری بهیبر **عدد ۲۵۰۵**
 هنز هنز هنز جنبی **عدد ۲۵۰۶** نادر نادر اردن اردن
 درنا کلهر حبه دارم مرادی مزبور ناچار جبرید
 بیجم **عدد ۲۵۰۷** نور نور مطر نهار رهن بند
 پرند **عدد ۲۵۰۸** نبرد بدن روی موری بیدم بارم
 طومار مصنوع مصنوع فلاسفه رایج محاربه فزع
 ۲۵۰۹

هم آورد کلب دلی **عدد ۲۵۰۹** محو انور نوار نوا
 نوار روان نرد بنادر مطر افکار افکار افکار
 بهیبر بنادر بران پامرد مرید مرطوب عنفوان
 اب انبار ادوی دلی مهربان علی دال علی
عدد ۲۵۰۹ هنز ریجیم حرم ریج برن نوب دهبان
 برهان نزار نزار ریج جرم کلباد کلزار انوار
 ناروا مریا هموز مدنه ابراهیم **عدد ۲۵۰۹**
 زنبو برن زنده آرنده مطر جرون رنده هجان
 هجان ارزان حرای مطهر مودحه حمیرا **عدد ۲۵۰۹**
 کرم کرم کرم کرم مرک مرک سوس سوس
 کورول نیر نور درون رفود رفود نادر درند
 نری نیچر جنبه جانور بیوم فلسفی کبکبر لعلی قلغار
 سمفی منصف منصف محامه اب روان **عدد ۲۵۰۹**
 راس راس راس راس راس راس راس راس
 ۲۵۱

کم ازار براننده والا کوه نا پاداد ۲ ۲
 بچین هر سه سپهر دبی دبی رکن زند
 نکره نکره کریم کریم مکی مکی مکی مکی
 کرم دوسر دوسر اسرار طبران و نجبر
 منفعل جاورس مصطفی داد دنیا نه کفنی علی بنی
 مبارکباد مضاططی ۲ ۱ مضاف عاد اسیر
 سار سبار ساری سبار ساری دوسر رمال مناد
 هراتنه سپرده کناد کران کران نکار کناد نکاد
 مکادی کرای کرنا انکر سطر کلکار کلکار مک
 ۲ ۲ ۲ عرب ربع ربع ربع بنک برکن
 برکن بلی انکار ارکان داتک انکار کلبرک سوار
 بهکی بکیم ایرانی طنوره سپهدار ویرانه
 سهوالعلم امیدواری سنان انی ۲ ۲ ۲
 هج ربع ربع اربع پارسه کبار سبار چکن

سین

کبان مرکوز زنههار زنهاری سرج براسود نا انفا
 ول الموضین کر بلائی ۲ ۲ ۲ عدد ربع ارج
 راج عاج دزلیک دزلیک کردن کردن نکره نکره
 نکره کندر اعراب اعراب رسید سردی دزلیک
 رازبانه دینین بهر ارببالاله زار لاجم کردیم
 نوردید نابکار حرمگاه ۲ ۲ ۵ سطور اندر سوره
 بهیجی کرمان کرمان ادونک دکران ارجاع رومانی
 بزنهار طهرانی شزار پروین پر سوز دانی
 جهان ۲ ۲ ۲ ساطور ارسطو عور ربع
 ربع بر ربع نوکر سوری دوسی جرمی بیضا
 کناره امینک روین دلدار سبزار حنبران
 کاردان اردکان مالدار کراهی صفوف دیوانه
 ۲ ۲ ۲ ربع اعور بهر دزلیک کرین
 رکن زن انکور اوونک رومال سواری سپهری

سپهری ساودی پر کند و پانی بادرنک **حد ۲۱**
 ۲۱ ۲۱ ۱ کبوتر هیچ ذایع عبور جرمه مرسل
 وابعه اربعه ارژنک جمعی زنکار کاوان
 کردند ناگوار ابرانی ماه پیکر دارچینی **حد ۲۱ ۲۱ ۹**
 عطر عوج بوج کجور ساحری ساج مراحل مرید
 بهاسن بخانی صبرانی رسیده بواسر دودناک
 نناکار نوزدیده نوزدیده سوازا **۲۱ ۱**
 فردف مردیج عری سکر کسر کرس رکس
 قصص عطار عضنی رکنی رکنی نکبر نکبر رکنی
 دوزنک کردون رنپس سپهری سپهری دواعه
 سردی بزکان زنکار دکلهار اب انکود
 ۱ ۲۱ ۱ فوس فزح فرا ارف عروه داعی
 عیار عیار عیده کسا کاسر کاسر فضا صام کسا
 بکران کرپان بارجل بوبکر بازوکان سینه وار زبا

بریده کل کانی کل کانی **۲۱ ۱ ۲** برف فرب
 بعبه ربیع عربی بعبه بعبه بعبه بعبه
 سینه وار دودلو دوسپاه پراکنده کامکار وایکان
 بیکه سیرت کرپس ذوران طانی **۲۱ ۱ ۳**
 رجف فنی فنج جفر مرجم مجرم مجرم مجرم
 چرکس رباعی بهار کرپاس اسپر چرکین کرپان
 بیکان بیکان کنبوره صحیح القول **۲۱ ۱ ۴**
 فردوف مردم مردم فاجه فاجه فاجه فاجه
 عطاره جف الظلم فلک مسند معالی انخاب **۲۱ ۱ ۵**
 فزه فزه فزه مردم فزا سرکه کس سبکا
 فقهه عقیقه مردم سکدار اب برف سربیده **۲۱ ۱ ۶**
 ۲۱ ۱ ۶ روف فوف فوف فوف فوف فوف فوف
 فراه کور کور سرکه کسار افراد بهر جفا فلفوف
 ۲۱ ۱ ۷ مامود ژوف فوف فوف فوف فوف

کاوس کاوردس اکاسه رسوائی نادر دکاه **۲۹۰**
 ۲۹۱ بر بوع فرج حرف محم محم فجو
 فزبه فزان مرکوب لرزان مزمار کوریا طن **۲۹۰**
 ۲۹۱ فط طرف فوط حواف حقار حاف مرهم
 فجو فزج لنده افزاز افزار فوکر کپرند
 کار ساز سازگار وحید دوران جهان کپر سپاه
 ۲۹۰ رسل فطاد فراط فاطر طوف در
 نرم نرم مرهم مرهم مبر کرسی کرس کرسنگ
 فرهاد منظم منفصل عطاری عقیقی دور نکی
 ۲۹۱ ارمن رمان منار منار مران ران
 جلالورید نقصان اکبر اطوار اطراف افزاز
 مپاری کرپاس سوداکی اهل هنر سلسله جنبان
 کینور ۲۹۲ صبر برص بصر فزب وفور
 منب پراف برهن ارسال فواره سالار ارمان وفاد

۲۹۰ ۲۹۱ حقه جفری فرجی صابر
 صبار ابرص منجر فروز ذراف سوکوار ۲۹۱
 صدر رصد فزید ردیف عقد مند حرف
 طرند قطع مند مرمن افزوز اعتبار مرجان مرکا
 کرکدن تارچیل فارباب محوم مرجوم ۲۹۰
 صر نرمه صدار صدار صادر مرمان درمان
 نامر فباد فطود کنکر اناجیف کردکان بزوالنج
 ۲۹۰ ۲۹۱ صور صور رسول فوری منور دادده پیر و جوان
 مهر مهر رکوع رساله رهنا امرمن مناو بکون
 بوحنیفه کورکن نامدار نامراد کنکار فرج اباد
 ارنک زبیب ۲۹۰ ۲۹۱ مصره بصر برهن مبور
 نامور مرمان مودان کهر کپر فزبی صریح کوکناد
 نازهر ارامند نامعقول راهنا سپاه کار
 ۲۹۰ ۲۹۱ صبح حرص صبود باصره حریف

حرفی دهمن پهلوان صراحی یار گزین ارجمند
 طرابلس دلسر کینه دند **۲۹۹** صهاج حصا
 صحرای ظریف درمنه حرمان حرانی محققان
 بنبار کور **د** **۳۳** **سبب** طاعفای نقش فر دق فکر
 کفر فکر رسم رسم سغفص **۳۳** رسم مرزبان
 صراط منیر دهمن نری صاروح رسید کر کس لک
 صدور مکرم مکرم بکرنک کبرنک مبهم مبهم نموده
 مترجم مردانه مضموده **۳۱** هصور اش
 ستادان فرا فار کافر کفار فکار سراسارم ستاد
 کلنار رهون ارمنی لرزیدن کپیماکر مئاربان
 مکرم **۲** **۳۳** شب فرب وبن برف بفر فبر
 بفر بصر اسمار امار سالاری روح فرا
 دردمند **۳۳** باش مشاب پاش قی چهر
 براق براق باردن فنروز افرب بان فربا راق بقا
 بیک

نومراه

رویا اسطلاب پیرامن روح افزا چهارصد
 ناهمزار **۳۳** **۳۳** شد شد قد قد قد
 اشج شجا سرمد مدلس مدرس اارب افربا
 پاشا نابغ منوچهر جوانمرد فراون **۳۳** **۳۳**
 داش شاد اشد هر رهق چیش شتاب **۳۳**
 همس کفر اشجا مدارس سرآمد طیفور دندان
 راندن هشی شیه فادر فاجار **۳۳** **۳۳**
 وفور وفور روق ووق شوشاه دوشی شید
 فام فهار همان سمور رسوم کفور ساسر
 رسولی رهنمای ناردان نامادی فرما باد
 شجاع **۳۳** **۳۳** رزق رزق شبیه پشه شهب **۳۳**
 ریفه بفره ریفه کافور نارون وفار وواق **۳۳** **۳۳**
 مرغانی بندامیر نردبان امرزنده کناه کاری
 پراگندگی مشاوملک طراز محمد ظاهر **۳۳** **۳۳**

منز باشد

شع پوش حرق فوج دندان رزانی رزانی ازین
ازین شهاب پاشه اشبه شبها اشهب
حریص صبح فرجه فرا باد بروی نور
برنوا فرابه فروب شاداب پاداش
دم سوز اوران صوری نیرزه محققین
همان ازرومند ارجندی دل سوری و افه
لژیس **۹** اصطراح شط شطه دهی
شده شجوجوش قتل طرف قسط ماش شداده
اشوب مجور مسطر مدرسه صراحی حصاری قراچه
همدس سوسه استباه پیرامون روزنامه باردلنوا
۱۰ شی جشی شیج دوش شود عمر منکر
عمر عمر کبرهک منک حاشا اشارتی فر شامده
شفا فقه شاط رسی مپرس رسیم صبر مسری
مپرس مپرس رینی احراق باران قطار طاق قرا



۴۲
فکری کفری کفری بپوش او باش شب بو اشتر
فکری لکری **۱۱** اشتا هوش طلبش
قاری بران معلا عمار عامر بجوش شوه اشتر
سنا نارس بدر فند کرمان ایلان نیران آقا
افطار اطراف سامری سفناق **۱۲**
بیش پیش شب شب شبی برین رفیب
رفیب رفیب شب شب اعمار اشبا مقبر معبر
مربع سببه پادشاه بفرط اشباح شجاج
انیران نارما برانی سببه کارخان نهران موبنا
روز ناچید **۱۳** جشی شیج شیج نوب
مرجع قرمه باشی پاشی موشاب دارالعباد ابرقی
نیرنج پیرنجان برهان پادشاه نرجس نیروز
حج الاسود ناهنوار سلیمدار **۱۴** شید
شده وحش حشر شید قطع محور فدی فدی

فرج معراج ابروه سائبان سهند نهد
 نارنجی ۱۵ شهی شادی شیدا شباد شاد
 شوط پوزش وزبه رفبه و شاه شهباز شهود
 رساند هرد مبرم مسطور همزك اولوالامر
 حبشه ۱۶ شاهی شابه شباه شام باز
 شوی شجج ناسم عام اندراس نودس ستور
 شید دلب شحوب بپدر موسر فهادی
 شاپه کرینه کماندار ۱۷ چشید
 شبیه بلبله بلبله بهشی مزع باشد پاشید
 ناسور دواس شجاع شب زرد هاشان ۱۸
 شوی بروش رهون حریف حقیر فرج مزاع شاد
 شدید شاپه ۱۹ طیش شهید معطر
 طریق مسطر بسز پشوا شواب قدچی سنده
 شادید مزع سرطان برفار جهان نود عوسه

جوش ۲۰ شک کش کش مفره
 بازین حبشی سرین شوبد معی عمری مسکر
 مسکر فبراط ارفطاط اشطاط سرطان پزومر
 دلو فر شاهد باز طباش مطلق البمین ایران پناه
 ۲۱ اشك كاش شك كشا رضا عز
 فرما مشوه سهوی عاری مرای نارنك كرمائی
 ۲۲ بكش كبش بكش عنبر مزید شید
 حبشه كرامی ۲۳ بكشا چكش شید
 جوشید بهوش سپهداران شاهزاده پادشاه
 مزع ایران پناه ابوالفرج ۲۴ كشد
 كشد كدش سوزان عریان جرجاس مفرد مژ
 وحشی دوشید فرجام طریفه سندی حاشیه
 ۲۵ سنطور سنطور شیبوز كشاد
 لغه شادی افراج كرا نجان حاشی ۲۶

کوش شوك كاهش شاهك وشك فراهم كلشوك
 شبح مكور دلفرب روحانان دارالملك
 شبكه كاوش بوسيده عرابطه
 كرامنايه ۲۱۶ بكوش بكوش مفرج مخف
 عزابيل دارالامان مزبوعه الهمان **حد**
 ۲۹ عرجون كسط كاشع مفرط مفضل بزكرو
 بزبك مفزده شهيدى سربز اشكوب ۳۳
 عربن نغير شد شد لش نف فنز عسر عرر
 مصر كيش بشك شكى كى نركى كشود كئاده
 مرسل فرمود رنگين نيزنك كفكبر ۳۳
 شال لاش الش اشل اشك كشود شكوه شكوه
 كوشه كاشى شاكى نافر انفر اسرع سابع صام
 عربان رعناى معارك ۳۲ اسعاد اعشار
 اعراس شكيب بشك لش بلش موفور اضار

امصار مدشبه درپوزه عروانه باده كى انكار
 انكاس ۳۳ بالش اشبل شكيبا اربعين
 اصطلاح مهرانكبن ۳۲۴ جالش دلش
 دلزى كشد كشد مصدر مصدر مصدر
 سكندر نادر عهد فزوز كوه ۳۵ اسكندر
 صلهرقل انفراج معركه شلوه كئوه سفل
 كرسنه دلفكار مردمان نورسپه سربيدن
 ۳۳ شول شول مصور لاشه شولا
 الش نفور هروس عركاه مرسله مراسله دارفا
 انفراد ۳۲ مفرح لواش شوال
 فراهان قراول زمين كبر رعنا انداز دارالسلام
 شبول شهبال بيشكاه شول ۳۳
 مبروص فراوان ديوان انورى كنج پر مدلاج
 ۳۹ فرجون فرطان حالش دلشاد شطل

عدد سصد و چهل

فدقلب کشیده ۳۴ شتم قمر رقم مرف
مفر مفر رمق سف فرس فرس رفس سف مفر
کشک ففر فرنی سعب سرب مصری مصعبا نرکی
سرکین مصادره اخلاف ۳۴ ماش شاشام
ناصر صرنا راقم فمار رعان فارس فارس سفا
افر صرافر سا شول افرن فرزند شکاک سکا
مسار سوسهی رعتان ۳۴ چشم چشم مؤف
مرف شبلی اتمام انصار نضارا افراس انصار
اسفار ارساف الالبش لواشه فروفاپه ارقا
۳۴ چشم چشم مجشی امشب مباحش باشم
پشام پیش شبح سک درنده ابابکر بدسکال بالکر
بویکر مجنی مقابله فرزانه دلشده ۳۴
بالالبش شمل شدم مفقد حرفس فرد فرزنان
جاش شلاح شجام سکندری ۳۴ مشجب

نیم

شده سغه سغه شادم افتر مقدار صرهن صرنا
۳۴ شوم موش مشر شوم هاشم
هشام شهام شامه شام موف موف رفوم
مر هو مشدب مشجاب بفس عرسی مرسوم
روح الامین رکن الدوله عمرکاهی ۳۴
فرز مفرز معبر شب بلدا سواد فرزند
جم قدر کاوکتی کاردوشی اهدوش ۳۴
۳۴ شحم شحم مشابه حیم نصراباد صنوب
محرف محف ۳۴ جرموف شاحم مشط
مشهد جهوش مجوش جوشم فرد هزنده حرفا
ناهجریان ناصبور صرابون ۳۴
فرن نفر فرن یشم یشم یشم یشم شیم
رقیم فری فرنک کشک فراس سفی مشاهد
عک شاهدم فردوس جاموش مقدم فرید

فردوسی شود نوشد فتود نشاط ناشط شکل
 کیند قین نظر کرفی عسکری همیشه فندهار
 قطران مادر محبه عجب عمر فرنگی ۳۶۱
 عصا سمسار سرسام مرقان قراچم بن شانی ناشو
 دغا نوشاد ربهان معوره جربادقن نملعجم
 سلیم النقی يوم الاربعاء ۳۶۲ نوشه
 نشیب بنبش معبره اشپان اشانی مشابان
 ایشان ابو جعفر محمد کریم رسول الله مشک
 ۳۶۳ شخنه شبانی شبان ببتان بنا
 شهنواز ناشه ناشه نوشاد قراچمد جعفری
 ۳۶۴ شنید نشید نوازش چاشنی
 نشوج فظه نوشاد ۳۶۵ شتون اینجا
 عرصه قریبه سزادق شکیل جهان شاه ۳۶۶
 ۳۶۷ شتون مشکو کم شو موشک شاهین
 تهن

حمد الرحمن
 خاریدین
 ۳۶۵

هبتان شهبان شخوب شوس شاد کام
 ۳۶۸ دوشنبه فوردان نروانی سربار
 فراسو شانزده عجب چهارده ساله شهای نا
 دارالسلام ۳۶۹ شمشیط شب زنده عجزمو
 فرپوس باده فرش پیاله کش بدبوش ۳۷۰
 شاطیط شنید کم شده سک کینه نشیط نظیر
 ۳۷۱ مشکی فک عرق عرق فر فرج
 صفر صفر صرف صرف نوشید دوشنبه مشک
 مشک مشک کمیش عصر صری سرورند
 نرین نرین قرطاس اندیشه شیطانی ناشی و صدور
 ۳۷۲ شمال مالش شامل صفرا
 اصفر صراف صفاد عراف رفیع عطار افزع
 فایع عا مشاع قرمان مبارک معویه کل
 ۳۷۳ ربهان باز ۳۷۴ شبع شعب برقع صیف

کیند قین

عرب کاشان شکن اسانی بیفرین اعشا
 اشعا اشائ اشمال ۳۲۳ پشانی شوتربا
 شلم عمارب شنج منفر ۳۲۴ محمد بن کلین
 بهم مطاع صفدر شجاع اشج شجاع فند پوش
 بنی اسرایل اشباع شکند کنش ۳۲۵
 هشتک رفقه فرعه حرفه دوشنبه مسطور
 پیش انداز ۳۲۶ سکون بید مشک عفور
 غارعه اشعه مشدع شوع شمول کنگول نل
 مشکوی دارالعلم شپواز سرابه مشاد کاء
 ۳۲۷ مخوف شکجه شعوب مشکوی شبا
 شبانگاه مشکون بادشمار عبدالکریم منفر
 اشکنبه ۳۲۸ اوشتک شبع شغوا اشاع
 شبادع کاشانه شاملو شاموش کار و مسر
 شبانگاه مشک بوز پادناز بنی عطر

شکنجه

عدد و شتاد

اشکنجه ۳۲۹ فش شف عیش فقر فرق
 فرق رفق مفر مشکک صفر عربی عطاش سکا
 شیطانی شپا لپن سندروس فرمانده فرمودن
 شفا شاف فاش عباس شاع ۳۳۰
 عشق ارسطا طالبس فقا رفقا فراق فشار
 فارق شعبه شبدعه نکروش هوشک شهابل
 شمالی عربی مسافر مشام رصاص ۳۳۱
 ام الفری ارفق افراق افشا شعب عبقی عنب
 اشباع اسرافیل ما بکان کاشانی ۳۳۲
 احمد مدد قطب عربی رکنجم شجع اصرامان
 فقره کوب ۳۳۳ شلبد دشنکی قلند
 نادر الزمان حکیم شاه حکیم شاهی ۳۳۴
 فرقه فقره رفقه شعبه عیش کشاند شفا
 شافه شفاء پوشع شوع شوف ۳۳۵

کاشفا استغفرین سپاه کرد و المثلک **عدد ۳** **هم**
 تاب بنا برار پشمان سحاب بستان **هم** **هم**
 بربر روبر ابرار درو جراف شدن مشون دشمن
 شدن جفاکش کربلای معلای **هم** **هم** شکر
 شون جب نه شعله شمه بناب برابر بنه
 هوشمند **عدد ۶** **هم** کافه بزدا القطونا
 عوارج نوی نوی نوی وشن ناه فرغوا
 شاهن فرعون استندبار فیاض نشانه شادمانی
 کاشفه **عدد ۲** **هم** بخت بخت ببه ببه وشان
 رهبر برادر مبارک قدم نشانها برادر اوشتن
هم **هم** چمن ثوب ثوب اجهت بنها اهب
 بیه ثابه برود ابتدا راهبر باردار زعفران
 فی شبانه فی القود **هم** **هم** ثواب جهات
 اساطیر الاولین شجرانین جباره بارور برادر

بر دبار اهابت اجات **عدد ۴** **هم**
 نشین برود در بدر شقی طرار دهات غمر دارادر احوار
 مصف وند بخت شمع نفیس بنجج جعبت **هم**
 مرغ معف **هم** **هم** سکالاش کاشنی ابن جند
 رهو شناس دعوت مشاع شلاح اعمش
 معاش شایق راهدار عناصر شکوفه اطوار
 سرافکن رفیق **هم** **هم** حدت ابات حاجت
 پرور هجده اوئاد اروات راهرو اواز
 زردار رهوار بنی بنی بخت نوب شناسا
 پخشینه انجاش معرب ستم الفار **هم** **هم**
 نوبه نوبه نوبه نوبه نوبه نوبه نوبه نوبه
 نازه حاجات نجاهد واجبات رودبار راهوار
هم **هم** **هم** حوت دبت نوبه حجاب اتحاد
 احدا رجبار اجتهاد جانشین روبرو مندلش

شادبان ۱۵ **م** شبه هلی نوده دهن
رجهت شهنش مجهر هر بی ثاب بر وجه نهاد
فصیح یاد ۱۶ **م** نهده حیات کافشه ستر
مشید مصروف مشمول مصارفه فونکر زارزار
پرده دار نرذج مجوز مشفی ۱۲ **م**
پدرده نیز نیز زینت افزونکر حبیب بنه نهاد
نارباب نابید بیدایت زهر موسفاد ازاحت
قطبشاه کفش دوز بپاشت مجاوز نراج ۱۱ **م**
زوانت یح حق وحدت نوحد حوب دبدت بنو
پوست نازی بپاز بناهی مدبابار شجانبیدن چاشیدن
۱۴ **م** بطلع نطیج مخارج حبوبات حیات
وحد العصب بر دباری **چهارصد و یک** بندید نلد
کت لغش طیه هدایت مسکن عنصری طراوی بچید
نفرین نوزاب اصباح مرفق مرفق ۲۱ **م** مجلد

نطب تالك كات نهور جبهات رافق مفادق
شماعی اصزاز تاج دوز ۲۲ **م** نطبطب
طببات اب جات نباشت نراند كت تبك
هرزه دار نافرمان مجید سه شنبه ندهیج ۱ **م**
۲۳ **م** نوزی مجود کتاب كات كتاب
كتاب شعبان شعبان پرکار پرکار همدید
اصباح هرر چشمه حیوان شاه طهماسب
۲۴ **م** هزهر نوجبد نوحی انامب حسن شاه
کجرات انشباب ۲۵ **م** مخیر هنك تكد
کنه نایب بی نابی بنی شبیان ۲۶ **م**
فرفوس کوک مشوم مرفق مرصوبی نهید کلیم
مخوبه نرذج مجوحت دشمن کداز ۲۷ **م**
نرود زدر کعب بیکه جزدنات تنزی **حد**
۲۸ **م** نرود زكات حبات کتابه شب و صل

رکاب دار ۹ ۲ هم لطیفه کف احتیاط
 تکاپو چائی شب وصال طریز ابو حرمه نوروز
 سلطان ۳ ۲ هم لب تلد مضر شمع منیش
 طوضه ۱ ۳ هم آت لات فتان انتف
 شقان فتان کوند بکنا بکده شلافی فلاتی فرمان
 بدکردار ۲ ۳ هم افشان الآن لب نبض کونا
 بنکی کنب بی نک عنقیب دارالمؤمنین
 عله ۳ ۳ هم هرکاری عرچین جلت جلت
 کابی کتابی ۴ ۳ هم جالت اجلت دلش
 ابتلا شندف ناجیت رونکار پیرکبر کبر پیر
 پیرکبر کبر پیر نوکرو ۵ ۳ هم لله لله لله
 جلیت کدایت ناله فشانده فشانده فشانده الجا
 شمدیه العلاوه ۳ ۳ هم شغون نلو لوٹ ناهل
 ناله بندد بلدت بدلت افشانده بند کوار کردود
 ریتا

کردی ۲ ۳ هم اجنبال منزل نزل اولاد ناول
 بلادن بنفشه لطیف تلعب مجاجت مجلد **عله د**
 ۶ ۳ هم اولاد بنول نازیک جلالت مجادل البنه
 بلاهت هرزه کار بارمواق ۹ ۳ هم حالت جها
 مجاهد شاه عباس کوه ابلار بزدکی حکایت
 جفا دون الهاب اجنبال انبها مولا منبر
 شاه مجف **چهار صد و چهل هم** من نم لب من
 کک دولت کبی مشعل نوله نلود فن لباش جلد
 نجوا حکایات ۱ ۴ هم عرفان جرات آ
 نام مات ام نالی شعاع فماش مشاق ولادت **مرفیقان**
 نوالد مشاعل لاسقی کارکی هرزه کرد **عله د ۲ ۳ هم**
 لاهوت ابالت ترکیب بطالت املقبی زهره دار
 اسفند ارماه ۳ ۳ هم جلیت مشاب نام بامش
 بلبات بجلی ۳ ۳ هم رونق فنا ناصر دله داله

روشنی مدتی تا جمل تحول دلکشین تلبد
 فرزند بر سر پیکر **۵ م م م** هست نام منه
 مهت نمشه مشعله نلهی نیک اندیش بنجیل
 مرار دارالبوار کردگار کارکن رونق اقل خلل
 لوات **۶ م م م** مون نولی نشوص همتا اهنم
 اهلیت افشه طالوت قطارل رفون عصفور
 مار علم شاه شاه سلیم مجنبا **۷ م م م**
 بنجیل اهدان مهات محدث نولم موننا میندا
 ولایت نوالی شاه عالم **۸ م م م** غم منم
 محبت جلیت محرد مناز نازم مهتاب مهتاب
 اموات مبرور اهلیت ولایات دولت اباد
۹ م م م عهد شکن حالتی نموج نده مزای
 مایهتاب مباحات مجرور دانشمند مناح
 حاتم حاتم **چهارصد و پنجاه و شش** من شمع نقش
 مین

مین کتل کلک محبت مودت مشفق مشفی
 احنا مهاجرات مفرض نشمن امتداد مهر
 دار مددور **۱۰ م م م** شانغ اشغ شغفا نولیه
 نولیم نقاش مشافی طامان منجات **۱۱ م م م**
۱۲ م م م بنیت نین بنیت ندرج مدحت
 محدث حمدت محمد بیدرت حجامت محتاج
 مجنبد امتزاج الوهیت انکشا صاحبقران
 سام نریمان **۱۳ م م م** جنت نازج مجاهدت
 بنات بنات بنان بنان نشوونما نموز
 طماج زهرمار موهبت مسهرن محجب رب
 نار **۱۴ م م م** محرور نظهرم نند نند جنان
 نجان نناج نخل امتلاح منوج **۱۵ م م م** انابت نایان
 سمرند **۱۶ م م م** بخت بخت بخت زحمت مجنبی
 نادر نند نناک هشتین اوست **۱۷ م م م**

ماهی نفوش قوش وزن نکل نکل لکاته
 کلانه نگاهل ملاحظ جناب جناب مبدی منها
 ۵۰۲ هج مع ممیز منی توان ننبه
 وکالت انها احیاب ماهیات انجباب محدث
 محمد عظم ۵۰۱ نبوت نبوت نبوت
 صحت پزانا تاوان پرنور بباخت چشمه علی محمد
 حطامت ممدید ۵۰۹ حمایت نلین محمد
 هندی مهاجرت دخیود انباء امتیاز شده
 انباردار ^{چهارصد و صد و بیست و یک} ۵۰۹ ست بنی نبی کنی کم
 جوشتقا بنیم مکدر شفع مشع مد فرقل هلمکه موجود
 ۵۰۱ شاست مکا نانی شفاف
 نقاشی کهولت شافی مرارید ۵۰۲ هنر
 نهت نزه ست لب بیت مکتب هنر
 اسرار نایبه منشعب زهر ناسناس جهاد تاب
 ۵۰۲

در اسناد

فنی برارنده علوشانه ۵۰۳
 جت جت بیان بیان بیانات بیانی
 اینین تراخت نابی بجمع کوثرال کل نازه جت
 بوزرجهی ما محتاج ۵۰۴ دست سه
 نندی نلین ننبه جلالت انجباب نتایج جناب
 لب ابوزرجهی چهارده معصوم ۵۰۵
 ست سه نکه سناد هلمک سوار جنیب
 مجین پابت دیات دلالت پابت ست
 ۵۰۶ تلجلی اسناد اسناد سادات بدست
 سرور سرور طاسه نهیاب برهانپور
 ۵۰۶ سنج استیجاب سبه پنه ترکیل
 نبت ننبه ابدست ممیز منشعبه مکا بدست
 ۵۰۶ حکم پرست انز حکم مکتوب اسل
 ننبه دروسه سرباه حاتم علی ۵۰۹

مهند هندی نه دهن مجوس نوجی ساحت
 طینت دستر ناحیه خاکم امریکار عشوه انگیز
چهارم و صفیاد عشق محاکات ملت شک شک شک
 ملتی نپی دوست سرپ کپ کپ کپ شاد
۲۱ سرپ عشاق عاشق نامل امل
 نالم کنان نکات کات نکان تبسط بسطت ستر
 مبات سیاحت عمعاص تنوبه اسناده **صلد**
۲۲ نعب نبع بعب بعبی املا بکب تتریه
 سرپده دین پرور محمدر جیجو اسبنداد حرام
 روزی احباب احباب **صلد** **۳** **۲۳**
 نابسی شک اب شیخ عتاب تابع مجمل اسبیطا
 مبتلا زینون نکبات مکاتب **۳** **۲۴**
 اسبیا ملجا ملاحت استخیا ب شمد مبالا
 مگومت منزلزل اعینا لبب استخر نایناک نایناک
 نی

دستنی **۳۵** **۳۶** شک شک شک شک شک شک
 عادت مهکت عجب عشقه بابا شجاع الدین استیاج
 املاچ سطوت نوسط سنوده هلیل بد طینت
 سرداری **۳۷** **۳۸** نعبد بدعت سرپ و ساط
 منفوش اعادت کلمات نکات نمول سرپی سرپی
 نگون حیوانات نهائی فرس لپو **۳۹** **۴۰**
 افکار ملنعب عبیه مشیر عبادت استیجاب
 اکشاه غنث ترپین الموت دنگرر بید پانت
۴۱ **۴۲** نعدد ندد بد نچین مجمل تراکت
 مخبل پیوست پیوست عبادت ابتداع موالان
 بب الله امیر المؤمنین حسن عسکری **۴۳** **۴۴**
 سرطاط تعهد ملاحت محلات محالم نوابع نداد
 سیاحت کتابچه نیناکو اعراض انتزاع و حدانیت
چهارم و صفیاد امل البی مجاهلت نظیرن محاکات

نف شفق اهدام ملاقات حاصلات محالات اهدا
 طاعت دعوت کتب نکتین نکس مرر عشی فرض
 تسبیح اعتداد تلاطم معصم ۱۱ ۳
 مداولت مداول نام اف فنا اف ساکت ساکت
 تمام نام ممان قرار تابیس طاعت طاعت کلاک
 عاشقی سکار دعوت عداوت جنوب ۱۲ ۳
 امامت امام بیعت اشتقان سنبره سکا کت نامک
 فالان البام کانیات قبل ۳۳ ۳ ملخی
 بلجن جفت جفت جفت بافت پیوسته کیشان دارالان
 دولت ماب ۱۱ ۳ اکتاب استیکان لغز زنده
 عدی اقاب اباف ۱۵ ۳ توسط فته فته
 هفت فناد مهم مهم فزیت سکته عبادت محاولت
 منطوق ۱۶ ۳ نافه افتاد افادت ثوت
 نلرم مشرق کون سکون نلوق مولی فرد کاسته امیا

نگوین ملاوتت صغات المجتبی شاه صفی ۱۲ ۳
 نزلیم وفات فتوا نزل مجتهد مومات لغیبه نزار
 منوالی اهتمام ۱۱ ۳ نغده مجید فتح شفق حقیق
 جهه مناز بافته نر هسکا ۱۹ ۳ نامبول فاح
 فلاح فلاح افتابه عطیت سر کرده نطاط نلطم مجذ
 مجروح نغوج **مهار صد و زونی** متن متن متن
 ملک لبث لنفی نیتیم هفده منقش ممب دستکاه
 نکل نغوبه و دبعیت هفتاد فناده بوبکر کرد دل
 سک شفی ۱ ۹ الکت نمنا بافت ممان
 کپاست کاسی منقش کلاک طبعیت ملاومت
 سکاری افتاده عاتک فرمان مطاع ۲۲ ۳ منبث
 مجت سلبت امامت انما ابهام بیلین اصرار
 حفت کلاک عبودیت ۳۳ ۳ هغه فته منج جهاندار بزرگ
 حیفزلی مردم ازار ۴۴ ۳ لغیبه فزوح ندمن

بدست مرور اعتدال متاهی افلاک نقشیند
 حاجت مند **۵: ۶** استیهای غزلت بشره شهب
 نوزان و صایب سیموات اشاره اناضه صیوان سهکام
 نجاج حریف ازاد ایران ملار **۵: ۱** مواسات
 مساوات لغوب بلوغ بلوغ علم حث نوبین
 شرح حشر حشر رشح حشر ثوب شجره اوقات افواد
 نازوان فافله سالار **۵: ۹** تسلط استیجاد جبر
 شرط شرط نظر ثواب طاعت محکمان شارح شاپور
 شوراب شوربا شوراب مخاف سماعت مساحت حاکم
 مناج اعتزال کلابون **پانصد و ده** نئی شبر شبر
 ریش ریشی بحث سنت تلف دروش نین شاطر
 شری مکنت ممکن طافت مستی قشع مامکده شبهر
 جوارش مسحب عشب تلنکی استمداد **۵: ۱۱** نشان
 کساک مستوجب ثقال ثالث الفث فلات بجاث شون

و شوه شعور شوره شوهر دشوار رواشد مناج
 شغافن بشافن کمان مکان فباح شیار استفا
 کرمه هکوت اشراط کفایت ابوبکر منامد منالم ملا
۵: ۱۲ منطاب حدت جنب شزه شبر شبر
 برشی اطلاق طبقات استان اسنان انقار آفر
 بدروش عالیاث اعینال مواهت عدل پرد لغت
 کلینین **۵: ۱۳** جین جین شبرج رشح شرحه
 حادث شتاب بیان هیجان مبان ابنین منابع
 معاب فحید منجل دورباش دروش بقرار شرب
 جیم **۵: ۱۴** نقیب رشید نقید دفنی
 شرطه اعداث جماعت جماعت بغداد نجاست نجاست
 نقد باستان انساب **۵: ۱۵** نقبه شوط منعه رشبه شبر
 شهب شهبی متوسط دستان شفقده اصناع منجب
 نجاست استیجافون **۵: ۱۶** ملون نقوی مؤوی سون

سنون لوسن شورى هشتبار دامنه مسانه دشت
 حسود هر زور منعبد توبن هملاک ملهات سفنقور اطروش
 حاسد^{۵۱۶} الاوناد اعتماد شاه رود شاهورد بدستی ۵۱۶ باقون
 حاسد^{۵۱۶} الاوناد وفات غارت مرايت ملاومت قراره ناسوت
 حاسد^{۵۱۶} الاوناد استانه دستان فلوات مباحمت ملاعت استهلاک
 شاه اسمعيل ۵۱۶ شيراز شيراز شيراز شيراز
 ماده حب علم عمل محل ملاومت نازانی نقد
 منسوب سپاد تمام شرج ۵۱۶ حفالت غالف
 فلاحت لطف حنات دارالفرج حوادش جوب
 شرای بوشان نطيل سنهيط^{بالفرد و بيت} شک شکر
 شکر رشک لغت مفت سست مکت مشفق دیر
 نيت سبت معبت لطافت نيت نمکين کنيت مدبر
 کيفت شرايط ۵۲۱ دوستان استين سونه فالت
 نلاف لغات ناليف شاکر شاکر ملتان معشوق
 مود

۵۲۱
 محبت
 معشوقه
 ۵۲۱

معاومت نطيل متايل ملامت ۵۲۲
 مکنت حدت اشکار سلت اضال استفاا
 دستو شطيج طباشير هوشيار ابتلا ۵۲۲
 ۵۲۳ بجم بجم صلابت جمعيت تجس تجس تجس
 جنب استفاا طباطب شکار اشکار مشهور
 استنجاح ۵۲۴ نقيد متعدي نخوت شريط
 شريط مغز نخي جواد اشکار انتاب ۵۲۴
 ۵۲۵ نفهم مغم اعجان دساس نيله نيمه شوق
 شاکر کسهم مفاطات ۵۲۶ مکد الله شينه
 ملون لغوت شکور کور روکت شب کرد صول
 وصل صلو استدلال ناسوده اعتمادی مطاومت
 ۵۲۷ مضاول صلو وصلات زرکت زرکت
 غم زین باقون بوايت مولان استهلال
 قران علوي ۵۲۸ تخلف محبت محبت مرايت

شماره شب کور دودکش پوشن بپوشون فرامرز
ابوالفتح شیرازی ۵۲۹ مظهر مضاح اکبریه
مطبخ دستینه قران عین حماله الخطیب **باب دوم**
منزل شمع سعت فتی ثلث فتل معنی کلعت فتلک
تکلف تکتد شرکب شبن مملکت منکم شرطای
مطاع الطریق درویشی نمشی ۵:۳۱ مثال قال
قال ثلاث ناسع طاعت صامت صلات فان هات
سلامت ملاست سیاست فلاکت کفالت قتلان
شکاری ملتانى ناسیس ۵:۳۲ نضیب لبث
نضبد نغلب انال الثا اثنان شیکر اسلام
اسملا الناس نلعب ۵:۳۳ تغابل لباذ
ملاست مصابت طالب کرشوار پیکار ۵:۳۴
نقدیم صلوت مصنوع نغلد شدیس مستدل
الثاث کشاورز نجاف مجالست دولتمند دوست فراز

حضرت

۵ م ۵ مضام سدمات قسده هفت
 سعادت دستمال مدالت سرگردان شاه دادگر
 ۶ م ۵ بقول وسعت لوت نول شاه دادگار
 اسلما بقوم مؤسل مهاسبت ماسلت مؤمن
 ۷ م ۵ شلوار اسمها داراشکوه
 اسنهاب منامت مولتانانی زرکشی ۸ م ۵
 محضیل مخلق نفیم جفت معنی دردی کش زرکشیار
 کرشواره دراز کرش اسنعباد اسنعباد ۹ م ۵
 فطنت لفظ مسلط صلاحیت کاروان سر نفحات
 ۱۰ م ۵ تلات شرم شمر شمر شمر سفد
 مفت تلفی مفرد عمر کست لب معتل لغلم
 دلم دکنی لعین ظان لطفه مهبت اسنعباد
 تکلیف تکفیل تفلک ۱۱ م ۵ مصاحب نامت
 تاسف شمار شمار شام رامش توسعه تاسیل

فزادرس مساندت جنباعلا مرده شو **۵:۵۶**
 وشن روشن نژور نقاصت استیقاد فنون نژور
 نفونم نژوب مباحه مشاهیر مسانه عالیهمت سربای
۵:۵۷ استیهاد نقادف فنون شرهان
 شنار نژاور نژاور مواقت سومات صندوق
 زمره شاه ناسها مشاهی **۵:۵۸** حسب
 بشرف هنامت بضمیت زمستان مستان شهان
۵:۵۹ هفت جال حبها نطف محسات ما
 نقسیده بادامسان شاه کربلا **۵:۶۰** نژو
 متصل نژون نغم نغم کثر رفر فرامغان
 سیمین ملص نهنم نهنم لشکر مملک استیواب
 عاطفت ملاطف **۵:۶۱** ثانی نقاب منعان مناع
 انطاف عافیت نوشادر کاشم دانشود روان شد شران
 کاف کلستان نکاهت چارشنبه **۵:۶۲**

سیککن سبقت لعصب هرش سرب استیقا
 استنان شطرنج انشاق امتناع شادروان مشی الماک
 بیچی بپ اللطف **۵:۶۳** حدثان هرثان شرهان
 مشکبار مهرسجی انعامات ثابین شاه روان
۵:۶۴ خفاف بضعه بضعه استیقاد نذیع
 نفوس جنب اعلى اثباس استیقا مسند فین
 شهربانو **۵:۶۵** کرشمه معاندت نفعیه جانان
 مشرکه معرکه کبر شرهان مضاعده مرده شوی استیقا
۵:۶۶ فرفور نژور سنون سربوش رشو
 مژور کثور شکم رو مشاوره روشنی رشک ماه
 استیقاد چهارشنبه **۵:۶۷** فزاد مواقت
 معاونت نوش مارو شوانی تالود شناردی شرهان
 ملک الموت **۵:۶۸** نفع نفع سربوش شاه ایران
 منازعت مصلحت زمستانی **۵:۶۹** شربین بعطیف

نیشابور حراشاس **دسقط** **دسقط** **دسقط** **دسقط** **دسقط**
پانصد و هشتاد و شش شعر عرش شرح عشر عشر عشر
 صفت مصمت تغلیل نلم مثل مثل مقنن سپرین
 شکر کرفت مقنن نملی ملهم کیمبر مشکی مین
 شهرین مهر کشت هندستان منکند منکلف
۱ ۵:۲ حیل المین شارع عاش شاعر
 شعر شعر اشعر شعار لثام مثال انلم مثال
 ثانی صناعات مقالات مقال ملامت شمال
 نیشابور منفتح الابواب نادر و بش دانستوری **دسقط**
۲ ۵:۲ عین عین شرب اشار منقلب
 اشاد شب رنگ مقالات ملاقات منزله استخفا
 اعتکاف منافع استکان شهرور **۳ ۵:۲**
 مخفی باعث ماضی لغایب مثالب سلیمان پریا
 فرمان به شب زندمار واجب القتل **۴ ۵:۲**

بخائف لغد لغد مضد مع مد بادشاه دودا
۵ ۵:۲ لغد لغد دسلاف طبروت
 دسلاف عرشه عشه پادشاه ایران محوسات معدن
 مداعت مستحجب **۶ ۵:۲** افتقاد صفت
 مصوف شعور شروع عشور ملوث توقع رفعت
 توقع مقول مغنون مقالله مستجل اعتقاد معنی
 مشفقانه هندوستان **۲ ۵:۲** نواصف اشاع
 عاشور انکون مغاوت روشنائی گرفتار میلزم
۱ ۵:۲ محصف نفص فصحت شهرزبان
 عقوبت عاشورا حیات عدت فرمان روا بفتح نفع
۴ ۵:۲ بواعث تقطع منقطع هفتصد ضابطه
 پریاوش مضاف نیشابوری افت زمان **دسقط**
پانصد و شصت و هشت فت شرف فرشت فتن شعبر
 شعری شرعی عرشی صتی بوردیشک مرعع شریک

سرشک نغمن مغنی کلسد نیشکر نغلیس نطاط
 نلیم نلیم مشفقین شهرین قوی دست **صل**
۱۱: ۵ مقام اشرف شرفا فراش فشار نغاف
 قاتو عبات مناف مناسف شاعری شعابر
 عشار شرایع سپستان معامک **۲ ۱: ۵**
 اعتلاف اشرف اشرف بهیث لغیب القان
 افتار انتقال مقامات معاملات ارشاف
۳ ۱: ۵ طبلان عفر زود بشار بهیثال
 کرشاسب فیج **۴ ۸: ۵** تصفید تعفید
 نغفد نغفون مقدم تبصیر فخر درفش شاه سلطان
 فاش **۱۵: ۵** شرف شرفه افتر فشار نغف
 نغمن تقصیل کراشیدن اب افتار **۹ ۸: ۵**
 نغف نغوف فروش شعوری لغوبی نغوب و نغوب
 نوصیف و صیف قفاص هندوستانی **۱۷: ۵**

نغوب

۱۷: ۵ نغوط نغاف نغاف نغاف عرفی دهر
 افتمون فرداشب استغمام مشارالیه **۱۰: ۵** دنی
 فذلک بفروش سپرستان مازفت صحیفه صحیفه فحت
 دارالافتا **۱۹: ۵** ففاحت ففطع ففقه ارحم الراحمین
 مناصحت محضتا مافحه ابوالفرج رونی زبده شعلا
۹: ۵ نغفی شغیر ثمن ثمن شریف کستن
 نغین و نغین شغین نغرافشده اسطلاح
۹: ۵ نغاص ثامن ثمان اشرفی و طه فراشی شفا
 ملاحت نغامن نغاست منشار سقلات بیع شرط
 شاصر مجتهدان فانی اسکندروی **۵: ۲۹**
 وروضت منقبت انتظام اتفاقی قبلین اعضاء الدین
 سلطان العارفین منقبت استغلال النساء معائن
۳ ۹: ۵ فنیج شرف باب سوبای شهرنیکو مرآت
 نیک سیر برستان جبهه کستان بیاطر وستان مباشر

کل سرور وصال **۵۹۴** استقبال فصد بنی ندر بنی
 مستفید - فرشته فرشته مستمند کردن کشر **۵۹۵**
 فرشته نقیبه نقیب شریفه نقیبه صدف
 فساد **۵۹۶** انصار نوبی و فقیه نقیب
 کلوم مشهور مستوفی نکر منکر فروردین ماه استوار
 استغفار **۵۹۷** نعاون سک همز من کافی همان
 سرور اسلام **۵۹۸** بیع و شری محقق جبه کشر
 سرور اسلام عقیق بکر **۵۹۹** مضاحق شرمه کلان
 پاک اعتقاد کبریا استان کوریک چشم **۶۰۰** فردی
 شش شش شش شش شش شش شش شش
 نقیب نقیب نقیب نقیب نقیب نقیب نقیب
 منعم کفر **۶۰۱** قتا شاد شاد شاد شاد
 سرور کونین نار نر شاس اخ اشقر رافش فرافش
 عشوه کر مناشی **۶۰۲** نقیب ثری ثری

بجزو میر سبش اشراق ارشاد انتقام استعالم مفاسد
 اعضام استیناف متعصب محمد ثقی **۶۰۳**
 مستحجل جناب حج جنا چتر چرت بج ثاقب بنوا ابن
 راب شراب برات بنار مهر جعفر بناس کشکچهر
۶۰۴ شاباش خاج حد دغ ناجر ناراج
 جرات بخار اجرت احباب صد بنی تدبیر متقدس
۶۰۵ حد خدا شه ناراج تبرج برتاب
 محب مضاعف بک العیب خاد اخ ناب کلپاک
 سعدی معدن پاز کره **۶۰۶** ادارت
 ارادت استغداد جزو و رور نور نور هراه
 شاشه تربد تدبیر بدش برادش مشوی شب قدر
۶۰۷ خز اخ واخ طبر و ثان و اق
 ربیه روات نوار مجت مجدد نقیب شاشو بادش
 باروت برادش **۶۰۸** ابنزاد تحققی مستوفی کلان

عفت پناه خداج ارجاج برده پوشش برتو برود
 هجرت بلی بوخ خوب **۹** جوشش ازاد
 خواب خط راحت باردت تاج دار **۱۰** اولاد
 تقسیم خطاچ برتری خرد خود روح برت فریب
 روشی شرفی قشری رشتی جبار معشر مشر مشعر
 مرعش صفت معنی کشف معصیت تقصیل مثل
 معنک تجرید مشع سرشم چاقشور **عدد ۱۱**
 نوارد لحن خط خرد خطب رایت هور نوره شوش
 مانند معشار معاش جبروت بوزاب شافع بهوم اعلا
 تقاصد نارسر مهون هم شرمناک مشائن میرزا
 نقابت پناه **۱۲** پنج ضعی بدخو طباح خطاب
 خطاب استئسان توف وادوات زاجرات خواه جانا
 برودت رابات هادوت استغنا مصافات جاد
 ابوزاب فردوس برین **۱۳** معافیت رایت خاب

مجب

مرجی شای رباب تابیر تاریب ارتباط منعاف
 نوشوان ابریشمین رهبوت برهوت اکرم الاکرمین
۱۴ محور مزوج سرمد نراز و نزار
 وزارت ناجری خدارا معقد خطه **۱۵**
 اضداد طرخ شیشه مقاعدت خواجه بنه هبیر
 درایت طهارت طهارت بنبرج حبیر مضادفت
عدد ۱۶ شایسته خوی خوی خطبه خطبه طایه و تپی
 طراوت ندیر مشوع خواهد شاندر مشاعر متوج
 دوات دار **عدد ۱۷** رطوبت خیز دوزخ رزیت
 روبات مجرید مجرید روشناس ندرج تبیره
 سزفت خدیج احراز دارالشفادار السلطنه اصفا
عدد ۱۸ لسان العصفور خوبی بارخواه
 محقق مبعوث ارنج جبروت خیر نرید سبریت
 زیارت حلیتی مستحق بقیان هجرت هجرت

عدد ۱۰۹ شاه نهمروز شری نظیر خط خطی
 خطاط بنویس مجوب شاه سفر ابو معشر روشن بین
 بندک منش عدد ۲۴ منتقل نظار ترک ترک
 ترک کرن مفرش مشرف خالی خطاط خطوه صدوی
 تا جودی خرد بناری ابخیز کشش کش نصف ندری
 فردیش ربوبیت شرمکین عدد ۱۱۰ مسلمان کاخ
 خاک نازک نازک کماث استنطاق خرد خیزد
 خطیب بطنج طنج ترجیح مجهر لمان و شیفه نوری
 مناصد دادخواه خصال لغاتم استنطاق عدد
 ۲۲ برکت نبرک کرک نیک بدخوی بخود صافا
 استفلان استغصا الصاف استغفا انراک اکثر
 ارتکا خدیجه عدد ۲۳ مرن نکوس نراک بکارت
 تبارک کرباب نذوب نقبان تباری خوابه سنه
 انکیز نرشدوان عدد ۲۴ عم ۲ نظیر خطوط کج
 ۶۲۴ ۶۲۴

از کتاب خدک نکر نروچ حویب استنصاب شریک
 علم افتاب عدد ۲۵ نوری کهنز کهنز ترک
 نذولت خابید نروچ شاه شهید افتاب عالم
 عدد ۲۶ مفاصفت عشوم خدک کرشتر کراش
 کتاره خورده واحد مفرش لغمت الله عدد
 ۲۷ نکاور فراموش خدک مردم حیم خابید
 دوزخی زن صفت ۲۸ کبوتر خدک حرکت صفت
 استغراس کافی المصنوع عدد ۲۹ نظیر کدغابین
 زبناظ برسپا و شان خطایی سعادت مند خطاط
 دافع البلیات عدد ۳۰ کشتک کشتک ترک خدک کدغ
 خابید خطای کدغیت نصیف نصیف مستقل
 مستغم مشرب نفتم خد خدک نقد عدد ۳۱ ششدری
 صفات خال خلا لاخ نراک نراک کتیرا کتیرا
 صبران شعبان ثقال عدد ۳۲ خدک خدک خدک
 ۶۲۴ ۶۲۴

کانونه مرکب کبریت لکبر پشکیش تالار افقال
 مستقبل بخودی قودچی باشی ^{۶۲۲} ما شی ^{۶۲۲} باشی
 رجت شخف پرتال پافشان تراکب موقوفات
 خلیج خجل خیال خلایب ^{۶۲۳} عم ^{۶۲۳} بی ^{۶۲۳} جو ^{۶۲۳} خلد دقل خلد
 رجالت ^{۶۲۴} عدیه ^{۶۲۴} بی ^{۶۲۴} جو ^{۶۲۴} داخذ خالد مصادق خواجه
 ارجال ^{۶۲۵} عدیه ^{۶۲۵} بی ^{۶۲۵} جو ^{۶۲۵} ترکبر خول خلو ادفال مینفیر
 امر معروف ام کلثوم ^{۶۲۶} عدیه ^{۶۲۶} بی ^{۶۲۶} جو ^{۶۲۶} خاول خالو خالو
^{۶۲۷} عدیه ^{۶۲۷} بی ^{۶۲۷} جو ^{۶۲۷} رجت کبریت بچه بزرکب بافتانند
 بتولش بوض خبول ^{۶۲۸} عدیه ^{۶۲۸} بی ^{۶۲۸} جو ^{۶۲۸} خلط لطح خطل طلیخ
 شرف جهات دارالامان کرمان ^{۶۲۹} عدیه ^{۶۲۹} بی ^{۶۲۹} جو ^{۶۲۹} مشش
 شمس ششم اخطل مشرق مقشر خلاطم خم غم غ
 خلد نم فستق دخول خلود ثقیل تکرک معنم
 منفعت ارجال تکبردار مستعد منعلو فصلصل
^{۶۳۰} عدیه ^{۶۳۰} بی ^{۶۳۰} جو ^{۶۳۰} تمام مان خیال خالی لاتی اخلاط مان

مرات مئار نامر مشارف مشاش کشاکش سفارش کان شریک
 شامض زیباکی ناریکی افزینش فلد عام ^{۶۳۱} عدیه
^{۶۳۲} عدیه ^{۶۳۲} بی ^{۶۳۲} جو ^{۶۳۲} مثقب عاصفات بنوم انقاص مجید
 بلخی امشقات منبر مرتب امارت فلك آستان
^{۶۳۳} عدیه ^{۶۳۳} بی ^{۶۳۳} جو ^{۶۳۳} ملاب مجید بخیال خلایب خلی غم
^{۶۳۴} عدیه ^{۶۳۴} بی ^{۶۳۴} جو ^{۶۳۴} دخی خدم دخیل مژده مرند ندمر مرند
 مرخا مبارات زیارتگاه جاثلیق ^{۶۳۵} عدیه ^{۶۳۵} بی ^{۶۳۵} جو ^{۶۳۵} معصر
 معشر رحمت خدام دماخ خادم مشعلدار ب لزد
 مجید شمشاد خلوط منعلقه شمشه ^{۶۳۶} عدیه ^{۶۳۶} بی ^{۶۳۶} جو ^{۶۳۶}
 مدارات خبول عمود ممور مرهت نورم مراد
 مهارا خامه مشوش قصیدوم نادرا العصر دکوا
^{۶۳۷} عدیه ^{۶۳۷} بی ^{۶۳۷} جو ^{۶۳۷} مدیات بمن خزم زخم موخا مارو
 نامور مرینه معنم مبادرت بیت المقدس ^{۶۳۸} عدیه ^{۶۳۸} بی ^{۶۳۸} جو ^{۶۳۸}
 پای فشردن ^{۶۳۹} عدیه ^{۶۳۹} بی ^{۶۳۹} جو ^{۶۳۹} موارات معجز رحمت مرمت
^{۶۴۰} عدیه ^{۶۴۰} بی ^{۶۴۰} جو ^{۶۴۰}

خورآب راحت جان خواهان چهاره شاه شاهان
 مژگن مرکبات پرشایس نجف شعبانی **عذر**
 م **عذر** دتره دست زسد سزد هبارت
 دمنی کنده خزان به زبان دفع فلد اسان است **عذر**
 استرا ارباس ایشاد رفیق سفید **عذر**
 نلاری دستار ارنجاس استرا استجار رسنه
 رسنه زسه نرکه مژگن عداوند و خنده دنا
عذر هفت اقلیم استنداق نزه فلد
 خونی مژگن استره سوز سوز سواره **عذر**
عذر سخا مروستا وارست اراسته است
 استله هیزین زبده الکبا بوسفشان مخنور زبان
 الشیاب **عذر** استندبار حرت مخنور مخنور
 زبده الاکابر خندید خانه دار خزان خزان کرمان
 شاهان استوار **عذر** هم که سخط حرات
 ح

حراست استرهاب بنورین کسندره شیره فند
 استراباد استدراج **عذر** احراس استخارنی
 خلت خلت ملخ خلم خلد سنج غلبی خلد سنج
 دستور دستبرد استرود صحت استخفاف
عذر علت استطار ملاخ سرب من ثانی
 دپاست راستی ستاری دوسندار مثقال خود
 ننگار نکات شاشنک نقش دیوار **عذر**
 رجعت رجعت عبور نزع عبث مرید
 غلب سیادت استبار خزینه شاهنشاهی
عذر مجتبع لغزج رجعت مداح نزه
 مجری استجراح عبارت برعت پیوست زبده
عذر غلده مدخل برب خدنگ لاری
 رسیده نذیع نذایع اعتبار عبارات بیار
عذر مداخل ارتعاج دستبار دوسندار

خداع دعوت دومانیست **مرد ۶** با ۶ سوپر نور
 بوفت عورت نورع روعت خور خبید پرسند
 خاکدان واحرا شاه شهیدان **مرد ۷** با ۷ عورت
 زرع وراعت توانک زردوست ولی المنین
 پادشاه پادشاهان **مرد ۸** با ۸ عورت حرف زرا
 پیراسته **مرد ۹** با ۹ لفظ لفظ خدعه استر با ۹
 ۱۰ خف خف نخل خثک رفت رفت ترف رعت
 ممشی تکر کسر سوز مرمت منفعت مافز
 ابوالاحظ **مرد ۱۰** با ۱۰ فشاخ خفاخف فاف
 داف رفاف فواف رعایت عاریت بهایت سکا
 زهدست متغالی بزرگان **مرد ۱۱** با ۱۱ برکست
 امضا صا اخفا نریع بعین عربیت افرا مورا
مرد ۱۲ با ۱۲ لغز لغز رج رج لغز رج
 رجعت مترجم **مرد ۱۳** با ۱۳ دفر کسر دزد
 نفع

نفع ندریج **خلجان** واجبت خاك انداز شب
 صبرین رباعیات استیکار ۱۵ خفه رفته
 نفع رفات زحاف رادف مرادف دفاش
 مخبله مخلوط دستیار ۱۶ اسدراك
 خوف متوش فنور نوقا فراهت رفاقت نیک
 خاله خداپاکان **مرد ۱۷** با ۱۷ اسکر اه حرف
 نوانکرو دوسانی ۱۱ دافون مرمت
 مخم بهستون حرف حرف زعت مافولیا
مرد ۱۹ با ۱۹ خطف حراف نظاف فطاف زوفت
 حرمان دادکشت بنارک الله نکند پیداز دبدار
مرد ۲۰ با ۲۰ حقی حقیف سج مخیم مخیم ندم نرسد
 خاطف ثقلین رکعت شریح بالاخانه مخدوم اصرا
مرد ۲۱ با ۲۱ نراسل خاللدن خاص اصغر سلا
 خایف خانم مناخ رسالت فایفک فی المثل رکعت

سایه جذب ذباب داشت دثار خسته لبش تاب
شب تاب خندان فرشته احدا ۲۶
نور نور روت نوش روغن جذب جاذب
افشار مصوب ستاره مستور ۲۷
نئونان مصاویر هشت سبقت شهر آرا ذهب
نشی وارث زشت استها شوات لبالب بدر ذو
عدد ۱ ۲۸ فهاب ذاهب دشته شباهت
دشابه مضحیح تحویر و ثوب ثبور مخفی نوح
نوبتی پردش مزدین مالک دوزخ ۲۹
باقره طست دشت دهشت دهشت حشارت
حراف نقطه قطر حارث مستراح اعلا ربیه
ارزاق استنباه استهاب **عدد ۲** ۳۰
سبح رب فح سخن شری خلق ظلف غیبی زلف
توفی رفت حذبه احدا شهادت هتاد تکلیف

کرفی اشتداد قطرات نقاط اضواء افشاح
نخچان کفر بچه پنج جهنم نهم عثمان ۳۱
حبلا اثر ترها بطشت خلفا خلاف مراعت عمار
ناسخ خناس سناخ ورده سهوت اشقی انشی فلیج
نوشه زبانی جاذبه خماسی انشی باز ترسان مستور
ترکان مشکل کنا ۳۲ ذیب ایدا بتریب بشور
نقشب سهوات معبر مراعات عماران نخذان
راسنان ناراست ۳۳ ذباب نقارب
نخبر روز صحت ۳۴ سرودن من عند
ام الکتاب نجف اشرف حب سا بهشت ابد رصه
مراعت نقدی وحشت نوش هنر بخت مستدیر
عدد ۳ ۳۵ قارودات نخره شیم نشیه دایقی
اردشیر نادرست نخبین ۳۶ شاه نشین
سفر سنور سرودن شوی جموع چاشت

معاشرت شهریار اردستان خاندن و فزین و فزین
 ۱۲ اسنهار اسنهار و شاپ نشبه
 بهشوق هفتیکه یوسف ثانی فخط فخط آفاق
 بنده خانه زستی ۱۸ عالی رتبه نوج عظیم
 خرابی و فزین شدید شدید خلدن رخ
 رفتن زندخوان شهرور نوشوران عادل خلدن
 ۱۴ خنده ذواب ذباجه فظیر فظیر
 طرف نظر بهارستان رسیده شوره زار
 عدد ۲ طیار فشیع کت کت کت
 خلدن عین زلف فستعلیق فستعلیق
 سین تاج شاهی ۲۰ اکثر خالص خلاص خلاص
 شمکار دکا انک کاشت انک شهرور مسکا
 خافع بهارستان چاه نغدان ۱۲ کذب
 اکرا اکثار اکثار اخلاص استکام سنی مغصوب
 جی

نادانی طایفه دوزخ ۲۳ کاذب کتاب
 دیوب پردهستان شراب طهور خلدن زمانه
 ۲۳ خلدن نوحش نوحش وحشی
 مفرد عرش مند ۲۵ کشته کشته کشته
 هشت فزین مروت خلدن نوحش ملک النجار
 ۲۶ خلوص شرکت کوشت کوشت کاشته
 کوش خورف خلاصه خالصه دعوت دی عجم شهرای
 شمکار ۲۷ کوارث دیپرستان اشن بدید
 انکاه فخط خلدن زمین درج شاهی
 ۲۸ فشیع مالخولیا خون بینی هزارستان
 شامد زعفران توانکان نوشیدان عادل
 ۲۹ محارقه اب کوشت هشت انرد
 عدد ۳ نفخ نفخ نفخ نفخ نفخ نفخ
 نفخ سهت عشت عشت نفخ خلدن کتی کتی کتی
 جی

جی
 ۳۳

مژگن افشاده دل مبرفت ۱ ۳۲ یا ذال خاف
 خلاق صاخ حضام شکاپ تشاک افشکی نالش
 نالاش شاند بفاخ صوابت مرستاک مصرت مرفان
 شافر لغاس ۲ ۳۲ مبرفت بذل اخلاق کاذب سخا
 ماسلات اعشار استسار حقه خلج جهانان
 ۳ ۳۲ باذل ذبال شرفج محرفه مغرّه مصاب
 شکر بده بلند مینه ۴ ۳۲ جلدا مرفند نهند
 کپون مینه رفند بن فرد مرصد سر دسنی رشک
 کپئی افزوده ۵ ۳۲ هشت یک دقل کوژ چیت
 کردستان مصامت استرجاع ۶ ۳۲
 خلوق سخن کو خلیل الله مصامت ذاهل بدخلو غلبه
 ۷ ۳۲ بذله مواصت روشنان فلک
 فلک رینه شکر زپه کورستان استعاره **عدد ۱۰ ۳۲**
 دقل ذبول مرفان فتنه بار **عدد ۱۰ ۳۲** شفشاهج

مرفند طشتکی شلاکت حت برکسوان مبرفاح
 محاصت افلاک و بنه دست کردان **عدد ۱۰ ۳۲**
 سفرت ذم سفرت ممر مش شتم لغمر ذبل
 فنج خف نفیس شرف نصرت خلیق شاه رونکا
 خدو جهانان محسن حقی شکر کبر شعیر
عدد ۱۰ ۳۲ تناصر ممرست شمار مات فنا
 سفارت خلایق ذهول نوله ششم شامت ارستان
 رشوه کبر **عدد ۲ ۳۲** افراس مرفب مرفب
 رفیع الشان تماشا دار الارشاد اثمار **عدد ۱۰**
۳ ۳۲ بنت الکرم مذاپ مقارب مغارب مرف
 مرفاب خطیل دار **عدد ۱۰ ۳۲** مقندر
 اهل بیت رسول بهشت اول جدام **عدد ۱۰ ۳۲**
 هدم فرشت هنرست ثمره شمشه ذمه منفکره دولشه
 فزانیب منفکره هفت **عدد ۱۰ ۳۲** استغواد

خسوف قمار گرفت موثر شهادت عرف بید مشک
 محل بندید **علا ۱۰۰ م ۱** مشتید شرامت مذهب مذبه
 اصنام باب الخلاف پادشاه روزگار **علا ۱۰۰ م ۱**
 مذاهب حمت مواشات متشابه مشابهت هبیر عالم
علا ۱۰۰ م ۱ مشهد مشهد محارفت طالب هشت
 غلام حیدر **علا ۱۰۰ م ۱** امحاش احشام ذلك ذی
 مذی رفعت رفیع مرقع مین تمشی تقیر سخن فرساده
علا ۱۰۱ م ۱ مجذوب مادی اذن اذن نثار
 خنای خانقاه عرفات مبراث استطاف اذن مخالف
 لغارف رافعت نرافع شاکل تشاکل مترشان **علا ۱۰۲ م ۱**
علا ۱۰۲ م ۱ برتن اذن ذنب ذنب بشت ناشنا
 طافان اثران استمال استعصار ارتفاع اعتراوف
 افتراف اعتضاد نفاران **علا ۱۰۳ م ۱** برات محض
 ذواجده بد مذهب کج رفتن محجوف مجسم نجه ذناب

شطاب النعمان **علا ۱۰۴ م ۱** ناجذ خندق دینان
 انباشت شتابان **علا ۱۰۵ م ۱** هفت رنگ ذمزد
 دوخط ملون مرثیه نثره داشتن عیب الثعلب
علا ۱۰۶ م ۱ شغشا هک فوش فوش رزق
 نثر موزی خانقده منسوخ مذبح شلوك نادر
 کور کبر **علا ۱۰۷ م ۱** اذهان فروعات مذهبی
 ریخ عمت نثران نثران قشیر خانقاه خواف شاک
 ذواجده حولی اصبی مؤاری مجسم اثن جبان
علا ۱۰۸ م ۱ ذنوب ذنوب ذنوب مستوفی الممالک
 بیت الله الحرام حشمتی **علا ۱۰۹ م ۱** پشتران انباشته
 محادی ذنوبان مشاجرت شاحی آسمان ربیه **علا ۱۱۰ م ۱**
علا ۱۱۱ م ۱ صفی نظیرین نظیرین نظیرین نظیرین
 خلص ملخص شش شش سرست ذنوب جنین
 ظهورت لیلۃ القدر **علا ۱۱۲ م ۱** اذن ناشطاب

فلاخت کجاست مشکات تکامش مکتار نوشته
 سرشار هفتونک موزیم رامشک فرعیات سنکلاف
 ۲۶۲ اسفار اسفرق اسفرا افشار افشار
 خافانی نبیند نارستان هماغانه لابلاف فرایش
 شاهنام فردوسی تمامشایی **عدد ۳۶۳**
 افش رنده انارستان اسبق ذبیان **عدد ۳۶۴**
 سخوت الباند ستهنشد عادل نارینان نارینان
عدد ۳۶۵ ذهین شسته بیث انداز هشت
 نصر حوالعین سخن دان شاهنشاه زمانه **عدد**
 ۳۶۶ اسفدار خفوف مشکوات فتنویس
 نریشنی کاشته فنزون فوستوک هدیان سردهش
 ۳۶۷ مراثکت هشت دوم خوابین پرشته
 شهر پور ماه ۳۶۸ مبره هشت هشتیان
 مبرانی ۳۶۹ شیطنت مکاشحت تلمشیط

میشی

شاهنشاه زمین بزرگ قلیباش **۳۷۱**
 مذل ذلیل خفیف فرصت نظرف منفع کشت
 کشتن نکشت خصف مریضی صریح کلکشت نگیز
 مشکلی ۳۷۱ خضاف ذاع ملاذ عشار شایر
 شایب نکاشت انکشت ماریعت نقایع اشتم
 مبرشکار رامشکی مسنعار استشهاد **عدد**
 ۳۷۲ اسنمار اشمال اعاست اشامت عذب
 کبند اعشار افراض ۳۷۳ مذاب تشیح
 بشامت جذع سخن چین ۳۷۴ شجاعت
 سرادبان شاهنشاه هماچون **عدد ۳۷۵**
 خاسیدن ناسگند خلاوندی ۳۷۶
 حضوف عثور شایسته کبروت رعوت خلاصه
 وشعت نکاشته دستان سل **عدد ۳۷۷**
 مشاولت سرستان اذاعه نوشمال ۳۷۸

مبدول دبستان سرا شراب روحانی ۲۲۹
 زبل الحظاظیف لغطش هفت و سد و دبستان
 جذوع سم و سیده استن اژدها عثمان بنی امیه
 محلاش ۲۸۰ هفت مردان و مٹ لغش تشیع
 نقی تشیم فریت تفری و ففت نصر شکست منفر
 بفری مفر عدد ۲۸۱ ذمام مقام مٹ تعادش
 تفارذ شمام تعاشی فراف و فاف مثلاً بی
 عدد ۲۸۲ اشاف الشفا افقار ارفقار
 افزاف ارفاف ماشاف نکارسنان افراف تشیب
 عدد ۲۸۳ کشتیان کشتاسب بنات مصر
 چشم مٹ شراب عقبی تشیع عدد ۲۸۴ وزند
 الکری شب کابنات خلاپکان زمان عدد
 ۲۸۵ نقشه نقره مشهد مادر سلمان
 عدد ۲۸۶ نوشیع اهل نشست خصوص خفوق

خفانه اشفته سر پشاهی ۲۸۱ زواف
 مٹ حمله نور ۲۸۱ نفش کاسه رشت
 حذف محشم حشمت جاپکا انکسترا انکروندان
 ۲۸۹ نفط مضاف دینفده
 عدد ۲۹۰ نقری نقریف سفت زمین مرتفع
 معرف تشیم مفر لغش عدد ۲۹۱ سقرات
 ذمام تفارذی نفصار نقاصر مضار مشکلا
 مشامت عدد ۲۹۲ مذب اشنیاف افخ
 انخاف شامشاه فلک ارتعاص سپهر هفتم
 مها مخاند عدد ۲۹۳ نفش خلاپکان زمین
 سر پادشاهی بنات مصری محمد باف عدد
 ۲۹۴ هفت جوش مسود دفر عاصب کار
 ۲۹۵ انش زمزم شفته ذمبه مناشد
 کشیشان جلفا داداز شب تهنائی ۲۹۶

مفلوج مشور مؤذن ثوبت ۲۹-۲
 يوم الخميس الدائم ملك بهشت اذن الهی **عذر**
 ۱۹۱ مبنو تفهیم تفهیم **عذر** ۹۹ ۲ مغلط
 بیک المعمور نوافجناح مشاحت هشتصدیلبل
 سخن کراسمان مرینه فرش بود **عذر** هشتصد ۹۹
 تنهیم رخ خر لغضیر شکفت شکفت نکشف
 کشف **عذر** ۱۱۱ خار اخر شمسار شکافت
 نکاشف نافشک مشوره ذوالجلال مصارعت
 معطت ۱۱۲ ضب حبر برخ خرب
 پخی خادا اربخ ارفا اشتعال ارشاش اکتشاف
 اشتکاف استفسار استنصار کلستان ارم
 ششیر ۱۳ چرخ حریج حضیخ بخار با
 خراب خارب ۱۴ صد خرد خرد خراج خا
 خراج اخبار بخارا دارالمؤمنین کاشان ششده

عذر ۱۰۵ دانه ضاد اخراج باخبر لبلله الفد
 ششقه ششقه ششقه خراد خارد ۱۶
 ۱۶ صند ذوق صنوبرت ادغار خورخور
 خاره بخرد شکافتن نوشن ۱۲ ۱ ذواش
 مضب خجاج خرب خراز خوار خاور آخرد شفا
 هارون الرشید ۱ ۱ جاهض خرابه پاره
 بخور خراز زاهر زفار ضح ثوب ۹۹ ۹۹ حاتم عصر
 خدره دضدار خرداد برزخ صنوج ضحا خزوج
 خط انجوز نابوت جاهض حرارت تفرطی صند
عذر ۱۱۰ حبر خیر خاطر خراط خوارج خری
 فلذ متصرف شفق مشتمل شستن ششت اضد
 سکنسکی حاکم رشوه کبر **عذر** ۱۱۱ اخبار مصاوت
 مغارعت ضبط ضیا خیار اضبر حزب ذابق نشا
 ضباح شاه ولایت معاذ مشث مال **عذر** ۱۲ ۱

وضو خیر خیر ضابط استعارف استعاره
 انبا انبا امشاع امشاع خواهر کافرستان
 خزه کبود بزرگ را گویند اخراش ملکوت بد
 بخورد برخی بخری **عدد ۱۱۳** انقش فی الحج جیف
 بخیر بیضا بیاض ابیض شلبستان روشن روان
 خراب بخار **عدد ۱۱۴** حوض صخر خرب خربزه
 خربو خارجی **عدد ۱۱۵** نادیت خروط خیره
 خطور طخور خورده خاربد نشسته وضاح واضح
 نورگشت **عدد ۱۱۶** خواطر فایده ذوق خورده
 خجج استنشاء نشاسته خلصانه **۱۱۷** ضاری
 صخرج بیضه ضابطه شغفالر بهشت سیم حزاب
 قلاج هر شراب **۱۱۸** صندید بیوض حیض فی
 عبت عیر ضوابط اضحاح شاه عدل هر در
۱۱۹ نوبج حایض حیاض خطیر خیده عبا

ضی شاه دار اوقار **عدد ۱۱۲** ضباط هیه
 ابضاح وضوح نوزبث متفرق **۱۲۱** ضائی
 بکرار شناعث شاورشک اضباط احک مفاوشت
 متفارق مراقت مشایخ خودای **۱۲۲**
 ادغان مکذبین انغاش اعتشان ضواهی خیری
 ناشایسته کبث **۱۲۳** نوزبث کتابت
 سخن سنج منبع سخا استانه شاه **عدد ۱۲۴**
 نوبج اکساب والحاملات ورا روی خوب شع
 روبرو **۱۲۵** طوطب ضواهی متفرق نقیله
 تهمک حرک **۱۲۶** مشاهف حرکاه مذکر
 محضوس **۱۲۷** بد بیضا املم هشتم خوب بد
 شه سلیمان شکوه شبر پیشه **۱۲۸** ضلک
 استان شاهی کلشن نوحید **۱۲۹** ضلطن
 ضاکه خواهر زاده خد بود هر **عدد ۱۳۰**

ضد ذلق تشیع شکستن کم فرصت ۸۳۱
 نشافث ناکبات شفاف نافذ نفاذ شلاق
 ضال حفات کثبان ۸۳۲ حافظان
 اکثبا انفراث نکبب انقاء نکبت ۸۳۳
 دیوان خافان سخن سنجی خربانی اسناندها
 عدد ۸۳۴ خاک روبرو محذوف ضو
 خرجال خردل ۸۳۵ ضهل ضواحت
 روان بلبشون ۸۳۶ تولک توکب خالدا
 خرجاکی ۸۳۷ نلاوت مفصولت
 تزکبت ۸۳۸ ضحل نعلت خردجال
 ۸۳۹ خلفای بنی امیه جهال خسر
 ۸۴۰ شمرش نعت ضم خرم خرم مرغ محو
 مشفت مشق منفعن مستنصر من ذلت شرعین
 بشاه نامد حکم در دسی دکن شعر ۸۴۱

نخب

خافین خرام خار خمار خمار خرام مذاق مشا
 سابت نبال ۸۴۲ غبر غرب مجزاضا نالود
 استشام مکاشفات استشفا ۸۴۳ مخجج
 نقاصت مجلبت خرام ۸۴۴ شمشدر
 انقبحم مخارج ضد مدخ ۸۴۵ خرم مدخ
 هضم ضمه نمة همث ضام ۸۴۶ شمشور
 نومت ماه رخ مورخ مورخ مورث نولبت
 نلوت رخوم ۸۴۷ ماخور منصور ثمارث
 کاسه افشین کثورکشا ۸۴۸ خم پاره حص
 خرم اباد خلط ذغانج حص مجوز مفع مجهض
 کثوالوفا ۸۴۹ حامض حامض محاض مایه
 خرچ ماه فرمان روی دوران خد بودادک
 ۸۵۰ نقد مضی ذقن حامضا مخرج خبر
 خوی تشفع شمشیر محض ۸۵۱ ملاهی

شفاعت ناض صان ناض ذعاف هاضمه ادم خور
 شیشام خاری ۲ ۵ ۸ نبض ضبن نصب
 انقش ادم خور شیشام ۳ ۵ ۸ خنجر
 بنات خارب جرخ دوم ۴ ۵ ۸ اقبین لاس
 حموض نمند خازم بنات عذاب الیم ۵ ۵ ۸
 ۵ ۵ ۸ مخاطره هضم رخنه مخروط خرطوم حمیره
 خرخر دم ماء هواس ذوالامان خربلا
 ۵ ۵ ۸ خزانة نخور نهاض ناهض نکلون
 نوکلت جرخ دولابی ۲ ۵ ۸ الهاض مقبوع
 مجزار وفاض خزان خازیم ۱ ۵ ۱۰ مضی محض
 نضج نبرور ادم خواره ۹ ۵ ۸ ضویان ناض
 نضاح ناض شراب نوش ۲ ۵ ۸ نقبذ
 سرخ خرس خراخیر وحن خردن خردیم شفق
 ۱ ۵ ۵ ۸ اخوس ساربت لائل رابح خاسر خاد

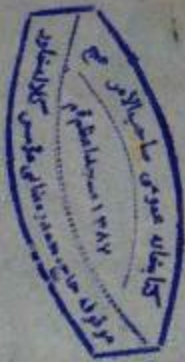
خراس داخرون خربند ۲ ۵ ۸ اخار انضا ح
 استکشاف مجواره بهشت پنچین اکثام اضلال
 لغت بعمر ۳ ۵ ۸ بیضان مخیر مکاتب
 سراقب پرستار بهامدخان جرخ دوم کلان المالك
 ۴ ۵ ۸ ندیب خردن خرده دان ایضا
 مکابلات نصید ۵ ۵ ۸ اسجار هشت
 هفتی سخره طبرخون دست نشان باز داسن
 ۴ ۵ ۸ خروس رسوخ خور خور سوز
 استدار نخودی رودخانه عیش و کرسی ذباب
 ۵ ۵ ۸ تزیب تزیب استجابت سورا ح
 خنجر خردن ذوالکفل طرمانه ضواب ۵ ۵ ۸
 ۵ ۵ ۸ خورزان مکتب نضج مضح خاندان
 لؤلؤ مشور ۴ ۵ ۸ سلاحت استجارت ران
 روزخون برای خوان عدل ۲ ۵ ۸ ضلیل مفضل

استوار سخی سخی ضنک خزع دفع خراهن
 مشتلون ۱۰ ۷ ۸ ناسبت خارج فارکن
 ضنک خرده بین ۷ ۵ ۸ بعضی بضع
 ضیع ثبوع الثام استباحث اعضا ۸ ۷ ۴
 استزاد ثبات ثبات ثبات ثبات خرجه
 حیدرغان مضحک ۴ ۷ ۸ شد پ
 عضد ابضاع خرده دانی ۵ ۷ ۸ عضه
 اضجاع روز خب سنجید ۶ ۷ ۸ عضو
 وضع عوض صنوع خزع خواجه مل شوب ملو
 خروف ۲ ۷ ۸ صنوع وضاع واضع
 خزیندار سوارنج ذوالمنز ۸ ۷ ۱۲
 خرعوب بعضی اوضاع ۴ ۷ ۸ صحیح جکفون
 خرمال اخر صلد ۱۰ ۷ ۸ ضوابع خزع
 فرخ فخر خرف فذف خرف ثقف خم ضیع شقف
 ۹

۸۵
 عد ۸ ۱ ۸ انش فدل اضلال فضا ثافت
 ثامت ضابع ضیاع دفنار وستکار فخر فخر
 فراخ فرج مادر نفیرچی ۲ ۴ ۸ افخار
 اخفار انشال خد پراپان صف اراستن ۷
 ۳ ۱ ۸ ببا پت ضیج فرج عبا ثب ۴ ۱۱
 لعد لعد پت استکتاب ۱۵ ۱۱ ۸ فصد
 افصد هفصد خرف دوست دار ملی خردو مینا
 عد ۱ ۱ ۸ فرور فخره محمور ثافت فووت
 فووت وضیع خدادندکار بنکودخ کون خری
 عد ۱ ۱ ۸ فواض ملشاکون تفاوت
 زخرف لغز پت کنیز خر خرنکی ۱۴ ۱۱
 زخارف حفص فصح نفخ شتلات ۴ ۱۱
 فثاوت فضاخ فخر کاه ۱۱ ۹ ۸ خریف فرخی
 فوی ضمن ضمیم فوض ضیف منقش خرمن منجر
 ۹

تثقیق امتناع جاری الاخر **عدد** **مستصد** **فایض**
 ضامن خان فایض ضالین حراف فراحی فخر
 مانت ضایف سال خورد خورد سال **عدد**
 ۱۹۲ ۱۹۱ ایفاض ذوفنون خرامان ۱۹۳
 تحفیت خرینج چرخ وارگون اتشین صلیب
 ۱۹۴ ۱۹۳ فضوح استیالت دارالعلم شهر
 ۱۹۵ ۱۹۴ لهنن فووات دعای خبر **عدد**
 ۱۹۶ ۱۹۵ مخور لوفت فیوض انضاد یوحفص کختر
 ۱۹۷ ۱۹۶ انضام ذواتغم سائی کوش **عدد**
 ۱۹۸ ۱۹۷ خرد مند منغوب فضیح ثقیق **عدد**
 ۱۹۹ ۱۹۸ منخرط فضاخی فیض جو **عدد** **مستصد** **منغوب**
 ۲۰۰ ۱۹۹ غین شیخ خشی لوش شش شش شش شش
 ۲۰۱ ۲۰۰ ضلع عضل مضل مخی فیضی خا منده رخیل
 ۲۰۲ ۲۰۱ تثقیق **عدد** **مستصد** **لیت** خشافضا شاخ آند نائی اضلع
 ۲۰۳ ۲۰۲

قاری گرفتار اشتر تراش **عدد** ۲ ۱ قبض بخش
 خشب خشی ثقیق برشت شرب استغای استار
 امیرخان خیرانام اشارت اردا **عدد** ۳ ۲ حظ فایض
 ثابت ثبات خشاب بخشا بشارت اشارت **عدد**
 فیض باب **عدد** ۴ ۳ فتعلی شاه خسرو والا
 دارای جشید شکوه خیرمند بشارت اثربار
 البشار درشت خدش وختی اثبات بیان البش
 شوی نشان **عدد** ۵ ۴ ذره رشت ترشد منی شا
 شهرت شتر خرفه خرامیدن **عدد** ۶ ۵ شیخ
 خوش وختی طارش تراشه صبروف دولک بد
 نصیب استدامت ضیا الدین خمیا به نشور
 رشوت دزو مدهنباهی مدهب ناحی **عدد**
 ۲۰۴ ۲۰۳ فیضه شواخ برشته شتر به استعمار
 ارغاش استهماص شاروف فرخاک شمشیرن



موضوع مواضع معارضه ^{جنت} سخته الجف داور کذار
 اندی بهشت شاه معدک لباط خاشاک عمر خطاب
 سلت ترکیب خرنسب **عدد ۹ ۲ ۳** آتش برک
 بکذار جرخ دویمین **عدد ۹ ۲ ۴** ابتکات ابکا
 ضعد طوطی شکر شکن هفت حکایت **عدد ۹ ۲ ۵**
 آتش سمباب سان خوشبده کذار خرنسب
 شهر بار ده **عدد ۹ ۲ ۶** سوزنن فیض الی
 فضولی ذاکر مفضول کشتور عضون خور
 خرنسب **عدد ۹ ۲ ۷** متفاوت خرنسب برکشت
عدد ۹ ۲ ۸ مقدمه الجیش هوای خوش **عدد ۹ ۲ ۹**
عدد ۹ ۲ ۹ مفاعلت جو بیار بهشت **عدد ۹ ۳ ۱**
 مصرخ عضین ضفن مضیف مضلین منظم ظل
 فقد بفتح خرنسب **عدد ۹ ۳ ۱** سائل تکلف
 نغینان نضال آتش کبر اضطلاع **عدد ۹ ۳ ۲**

زغرا

انعام امثال استکانت استمالک اففاض فخر اقام
 خدو کامران **عدد ۹ ۳ ۳** بعولمن آحق بردهن
 جلفن فرخیج آتش بیکر **عدد ۹ ۳ ۴** استنباعت
 دلف خنکبد **عدد ۹ ۳ ۵** استجماعت نخسه خرو
 دو جهان **عدد ۹ ۳ ۶** تنوفت افشکبر مضمون
 خرنسب **عدد ۹ ۳ ۷** وهو خنشی شاغل ترکش مدد
 سلت خوار **عدد ۹ ۳ ۸** افتاب نابان فتمت فزوان
عدد ۹ ۳ ۹ شب خرنسب فرخنده خنکبد عضیل
 خرنسب جگر سوز خرنسب قاضی هوا **عدد ۹ ۳ ۱۰** عضلم
 ختم شخم خشم نغینن خلبش شلج خنصر فالق
عدد ۹ ۳ ۱۱ نکلیفات خامش شاخ شهاخ **عدد ۹ ۳ ۱۲**
 مشار شلج استطاعت کنده خنبر خنسر دودنها
عدد ۹ ۳ ۱۳ امراش استقامت مثبت استلات
 بلماط اخراش استقام صباح الخبه مقبض **عدد ۹ ۳ ۱۴**

مثبت مشارب مباشرت خرد عباد **م م ۹**
 مشارب جرخ معلا خردین عالم خراب **م م ۹**
 مجانات مشهر خرد عهد هفت برادران خوشحال
م م ۹ مشاهیر مضمون استفادت
 مشورت شيوخ حموش شاه مشرف افاب تا بنده
م م ۹ خراسون موثفات و ثامن خاموش
 شراخ اذرماء **م م ۹** مشوب مقبوض
 جهمظم مشارب فحشین خندیدن **م م ۹**
 مواظب محاربت مواثبات تلبط متنازع خواندالار
م م ۹ شامانجه مفصل ظن نذر نفیض
 ضعف خشی شهن ففیم خلشک ملنفت مشتری تشریم
 مرتبی مقضی مضیق عضد الدوله ابوالفضل استقام
م م ۹ اصنعف ضعفا مضایق مفضالا متنازع
 تا پیشم نقاضن مفردهات کبیر سنان **م م ۹**

مختب اضعاف استنامت انقا انتشار انفضا
 دارالحلایه قانات **م م ۹** قبضان عماد
 بحر مغارب هفت پوست تجشیم **م م ۹**
 اسلصاب اذربان انقباض ضفدع انقباض
 قدم خبر خالق اکبر **م م ۹** شندان برالغزور
 خوشحالی طری حوش اوان شکر دکار میاضدین
م م ۹ فیضوم نذر و شیم مقنا
 خردین بهشت چهارم خرد الدوله فیض دنیا **م م ۹**
م م ۹ بدخشان شاخانه ناحوش خاموشی **م م ۹**
م م ۹ بزورن محنت اوراشن خلق اصفاهان
 خوشتر **م م ۹** قضای ازلی رقم شاه سنج
 خط قرنتک شهمرفند **م م ۹** فرخ خشین
 نفیس قوم الکاذبین کظم سرشت ضعیف لعل
 مشرک کشتی کبر خشنود خورون نخودن نذر مکنده

کزدم **عدد ۱** ۹ خنجان شنجان ظلال کاظم
 حنظا مشارکت جهان بخش بخشنده **عدد ۲** ۹
 استقرار اشخاص اظلال خثوانه انقباض فانه شاه
عدد ۳ ۹ شراب جوشقان نوبه بضوحا خرو
 زمن شه زاده والایبار **عدد ۴** ۹ استبشار
 هنبث ناچه **عدد ۵** ۹ اخشیجان فخره برشته صفه
 بصطرخون برافضولی کرم شب تاب کلدار بهشت
عدد ۶ ۹ استرشاد استفادت مذکره مذکور
 شهنشاه قایار ظل اله ظلول **عدد ۷** ۹
 آدرپون خواجه فنبیر خرد کی آیین **عدد ۸** ۹
 شنجون خشنه اصنوخوش آند با بجان الی بهشت
عدد ۹ ۹ قد جعل الله لکل شیء قدرا بهت برین
 چراغ نپلکون شب خوانی خرد نغانه **عدد ۱۰** ۹
 مفسن حنظلی نکظا عذر ذرع ظلم ملظ ظلیل

شیخ

عشق تشیع خوش نواز شاه جمشید و فار
عدد ۱ ۹ مظال ظلام ظالم اظم مذار عذار
 ذراع تمثال تماثل تملفات انکشترا خاشع و خشنه
 خدای هر دو عالم پذیرنده **عدد ۲** ۹ بعثت
 بخشاینده امثال آذر آیین ارتعاش فخرانام
 مخفیابام بنای شهید **عدد ۳** ۹ حفظ مال بخش
 خردن مبین **عدد ۴** ۹ استحداث انبغات خشک با انشیرا
 خورده چین **عدد ۵** ۹ استبشاج ظلم مظله خرم
 بمقتد بدسکال **عدد ۶** ۹ در فوج مادر دل ازار
عدد ۷ ۹ وعظ ظلوم قضاعه خنوع فضل
عدد ۸ ۹ ذوارع قواضع واعظ سبا و خش
 آذرکون خرنشاونده خوش حساب واعظ **عدد ۹** ۹
عدد ۱۰ ۹ خب هفتم عشق آباد سنجایش شاهنشاه
عدد ۱۱ ۹ هر کپی افروز خوشاب البالوا

پادشاه هفت اقلیم **عدد ۱۰** ۹ فظ خدایو عیسی
 قشرف دریغ شریف عشق خف عذرا بحر خفیف
 تمیثل خرد جم آیین **عدد ۱۱** ۹ خفاش خشاو
 حتم الود کینجان شرافت انکشتی صراط المستقیم
 ظاف **عدد ۱۲** ۹ شایه خوش اشتیاف افرازش
 افراشت استعانت **۱۳** ۹ نقیبات جفا
 بفراشت بت المہنت خرد چکان پناه **۱۴** ۹
 ملاحظہ محرابش جیعاظ مملوٹ اجف بر خیا شاع کوز
۱۵ ۹ هر شفت فرہشت فرشته ذریعہ
 آذربایکان **۱۶** ۹ فراشته ظوف فوظ
 حتم الود رسول نقیبن بختند کی **۱۷** ۹
 ذوارف افراشته فواظ خوش طبع شاه عرش مکان
عدد ۱۸ ۹ حنظل حفظ مستفیج بفراسش
 شرب لہو **۱۹** ۹ حافظ حفاظ حنا ظل

دارالارشاد اردبیل بیل سحر خوان **۴** ۹
 شکوچیدن ذریع قشرف فبط نظم قضیف شحر
 شطرات مضعف منتشر شک شک **۱** ۹
 نظام ناظم شاحض سخاکش مضاعف بیل العکبر
 عکاظ اشعث طماع **۲** ۹ استغاث اشعا
 استغاث ساصر کذاب **۳** ۹ حفظہ ام الفضل
 فوک لامیوت آفتاب طلعت **۴** ۹ حافظہ
 تحشیدن **۵** ۹ آتش افروز فرشتہ شاداد
۶ ۹ ظل الله منظوم شحوص مشرکاء مآ
 بہادر خان مروج مذهب خلدین **۷** ۹
 سنکین خوار نوبتای فلم وظاہف توفیقات فوالکم
 خوش طبعی قمار خانہ **۸** ۹ حفظہ ماه مخشب
 شہیار کامکار **۹** ۹ رفع الدجا شافع
 رسول خدای ملیم جمشید اسکندر و ر دشمن خدا

فطرت عمر **عدد ۱۰۱** در فطرت ذوق رضا رض
 غ فرشت نظم انظام قاضی البهتان **عدد ۱۰۲**
 وظیفه تراش رشاش رضا ارض صار اخذ غنا
 شاذ مستشار خوش دامن **عدد ۱۰۳** بحث غیب صرا
 اثاث بحث ترب ترب ترب ثار استقامت
 مستبشر **عدد ۱۰۴** ضعی باغ غاب شائب صرا
 تنارب رضاب راض بارض بشاشت غبا براض **عدد ۱۰۵**
عدد ۱۰۶ اراض دقت ریح **عدد ۱۰۷** اراض صهر هضر
 استیلاز دافع دفاغدا ارتلاج **عدد ۱۰۸** دوز خود اهن
 اخذ آله غوروث مکظوم واثن بدیع ریح هساش
 زورتن افضل الدین **عدد ۱۰۹** غایب دباغ غن روض
 قهر **عدد ۱۱۰** خزان اخذ واثن فرازین دفاجل
 برغ خضر عالم **عدد ۱۱۱** اعضا حضر عرض رضع جه
 غار زافع غنا ارفع ارغاب بدیخت اختلاج شرن
 محمد توفیق

قدر قدرت شفیع عشر **عدد ۱۱۲** بکرة وعشا رضا حصار
 حاض حضا حاضر ضراح غوج آثار عظ غرب
 طارزار حشاش اصباع ضط **عدد ۱۱۳** مظلم
 ضری ریح مریض مشرع جرع دوع غدور ریح
 یخ غی عظم احراض احضار عطا بارغ لفظ ضراط
 ضارط **عدد ۱۱۴** متشاعر مشاعر معاشر
 فرخ لغا هوف باغچه دپاض رانی عظام اعظم
 آهنة روضه هفت کثور بطع بغداد **عدد ۱۱۵**
 ایفاظ اباع غیب بقی شرب ننبیر تربت خبیب
 ارانی اعظم الفاظ اسلشنا نازره سربشت نجی
عدد ۱۱۶ غایب غباب باغی غود غازه خلی
 ضرابی اضطراب اختباط اضباط دابوغ **عدد ۱۱۷**
 خبالقاع اغازه حضور ضریح دنفدر بزغ برقا
 غید چرخ دوار **عدد ۱۱۸** دوخته غوط غوط

بغی عشر بن عشق لک

بزوغ خردباد کستان حیات **عدد ۱۰۱** معذره
 شهرستان غنچه راضیه قشور مظلوم سر نوشت
 نوریه حداسناس نوشتن و شفت بیدخت غروب
۱۰۲ اغوات حفاث آوخت غیب مکاشفه
 رنج خردم **۱۰۱** غنایب حلت آرنج غازی
 غوزه غوزه نونج چرخ دایره **۱۰۹** احررضی
 غطاء غنچفات ضابط چایدار ابراج طحری ضبط
عدد ۱۰۲ بعباز غوطه غایت طافی عظیم قنقل
 اخطاط خطا ششمی حزنه خرج **۱۰۱** مله
 کلعدار کراض موعده باغی مشارف انقباض عود
 فخر عالم **۱۰۲** استغاف اوچنه صبرک
 انقاض اراض غنهی شهرشده ضابطه دار
۱۰۳ صبارک غنچک غایبی شهرشده
۱۰۴ قصر غله ظلمت جامع فضل **عدد ۱۰۵**

کلاخت کاغذ طایفه کره خر خرکه چرخ منبافام **۱۰۶**
 عشوت خرکور غول لغوظ رباطیه **۱۰۷**
 کزغ غشک بکداخت خوش اصل **۱۰۸** ترک ناز
 شاه مربع نشین افتاب عالمناپ غطیط فطیط کراغ
 حص مشترک **۱۰۹** غنچیط خدمه شباطین
 جامع نجاسات **۱۱۰** منظم غل کلاخت کبرخ
 در فوج زن موعی خلث ثلث غنک بصرف الراح **۱۱۱**
 مناظم ثلاث ثلاث لایغ الخ علا آغل خاشعین
 مستفلا کارجیه شکرستان **عدد ۱۱۲** بلع غلب
 بعد بعد بلغ الاغ آغال الثالث انکت نفها نوکند
 علی الله **۱۱۳** غالب بلاغ بالغ بغال بغلا
 غلاب بالغ بتخال غنچیک خلجک کزغ غل **عدد ۱۱۴**
۱۱۵ اضبنال دفت ابلایغ دفل فکا و جمالت
 محفوظ **۱۱۶** غله غله دلاغ اضلال نلا

کداندن **ع ۱۳** منقولم بلغه غول لغول
 خلوت وصل خالداث شبر شکر **ع ۱۳** غولوا
 غزل لغز غلیه غلیه کثورستان چیخ بوقلمون
ع ۱۳ خلبوت غلیه بالغه ظلحق عزال بلوغ
 لغوب اولاخ **ع ۱۳** جفاله غلط غلط خلط
ع ۱۳ دغول الغده ضرر مضر مرض وضر
 غم مع حتم تخم شربد تطیف تخد تلخی **ع ۱**
 رمضا هوام رضام مارض ثلاثی دواعل داغول
 اغلاظ غالی غوله بلغه اعید لغوه غام ماغ
 ذری القدر اختلاط **ع ۲** جبالذراع ارباب
 امراض بلوغ بغلی لغزه افخ خیالات اختلال تجدد
 تجدد مضرب فائوله مترتب مرتب خبر کبر
 خبر کبر **ع ۳** مضرب ضارب غم غم تجدد
 لغام باغم چیخ معلق **ع ۱** مناجرت حدث

قدم دفع غده مغد ندخل دغلی **ع ۱۴**
 طامه ادغام دماغ دمغا غلیه بنغاله خد مات
ع ۱ مشوف نخوب جبرغاله بغول لغوی خالیه
 بلب خوش اهضات سئوده شمار **ع ۱** غمر
 مغز متواتر غوابل موافقت آموخت وکبد شریان
 جرج لاورد **ع ۱** غماز موافات لغوم بیاام
 مضروب زبشار غم اباد **ع ۱** تمخط تخلیط مضطر
 غلب غلب تلطیح غثات غلبین مرضاح اغماز
ع ۱۵ ضیم رضیم ضمیر مریض معظم
 طعام مینغ غلبواج ختن مغیبه **ع ۱۵**
 غنا بغما ضارب اغالب اغلوطه امین آمین کلاغ
 دامین مضطرب چلقوزه آخن امراض **ع ۱۵**
 غمره مغزه غین بنع بنم یخن یخت اموضه دغول
ع ۱۵ غم بغوله پیغام مغایب غلطیه

بناغ بلغاك طغناج **م ۱۵۰** عند انتخاب خرابنار
 جناغ انباغ انجغ غلبوار شیخ سعدی عجمه السقا
 ان المفقین فی مقام امین **۱۵۰** حنه مرصنه مرصنه
 عنه جانناغ نظام دین بجا قظون مجنه و بفر و بها
 نجهرا **۱۵۰** دمغه عمده امینه انداخت ثور
 شوق کفاله فانه شرب قند خواهش مند
 عولک **۱۵۰** نغز زغن نغز رضوان نواخت
 خادون غالوک پندختا یغه بیدماغ مبراور
 امرد خمر زبارث شاه نجف **۱۵۰** غنچه
 جفته غمازی محضه خراث نبوغ اندباغ بنخانه
۱۵۰ ۹ جفانه عند نظامط **م ۱۵۰**
 خرس غنی مستش خست خست خست طغنا
 دروشت انجوغ شدغرا غنده دیوان حافظ کوه
 جارجیفث **۱۵۰** خلایک ساخت خاست رنار
 نغ

خباث اندیفت انداضیه هوشن ساغ مغاله
 شاخ **۱۵۰** اخراش سنج اغشا اغلال جوان جت
 شاه کور کبر مهر خاوری پادشاه جم افتلار
 غبن سغب بیغن بزغج بلباغ نغزاه **م ۱۵۰**
 نینان سابع غلکو اعظم ابام اشرف کابناث
م ۱۵۰ نذیغ اسباغ والی الله ترجیع الامور
 خردنشر عذره خسته سرخه تدبیره دیارث
 حسین شهید صحت عاقبت **م ۱۵۰**
 خروس سوغ غلاله اعینه ساضه فاسه سوغ
 سغور سغور سغور رنارده سرخ رو جرخ وارث
 خدا شناس مظلون **۱۵۰** نواغ غادین سغور
 صواست سواغ سرخوار سرفاده سکران موت
۱۵۰ ۱ سغوب او شاخ سغوب خردیث
 نجسته نغهار زخونه **م ۱۵۰** غمکه غمک

نخط بلبل خوش زمر مراد دانه سینه
 غلبه استراحت غنک کپخت طغیان محمد عرض
 ضیع شبر عرض عزت مثاث اسفند سبغ
 ضارح عارض غلام مختال طاغیان
 عثاست سوزند این غنچ کناغ هوش
 غلبی مبلغ بلغم خراسنه اعراض امراض ارض
 استنشاف باغ سبز شهر شرفان شیر شاد روان
 شست و شو ۲ جا ۱ مبالغ غزوی غلب غلبه
 ۳ جا ۱ شهر نیشابور غنک مغالغ ضرعد
 حقیق کوش عرضه عرضه بینه جامه فرو
 کدازن عذاب مبر خدادوست توسی
 عرض عمول مغول عشوشت لغول مظلومین این
 طوس ۷ ۷ ۱ بازخواست نزل زندق موی کاه
 هلاک بغدادی مبالغه مغلوب غیب الله
 نیت

شرافت کعبه بنیاد هفت کشور
 ان الله علم خیر عطر عظم نظامی کجینه
 ناضم بیجا بی همال کتاب فانه بامغول
 غف فغ تغل فرض رفض خفت خفت خفت
 ضیع وضع مرض مضر ۱۰۸۱ خفات تخاف
 مضار تمام فزار ثلثان خلان انکلیف کثاف
 رسول خداوند سجان فرغ علیان
 بستان شیرین غلبی غنچ مغلوبه چغ
 کردن ۱۰۸۴ مدغم مدغم خدیت مغالطه
 عطر عطر مغلوبه مغلبه عرض و صغ
 زبده خایون خفته خفوت مخوف
 ناضه مخفوق مخوم بلعند لغول فر لول فرور
 نظام الدین فرار تخافو ثلا ثون
 روافض احد بدخشان بلندخت

رعیت پرورد حفظ عشق غالبون
 زنبعد مخطف خیالات باطله شلاب فروش
 مخفف غنم نعم مخفی عطف غسل
 غلبان غلطان غلبان زلا بطن مفان
 نظام باغند بقوله متاع محانت فرایض دافضی
 غسال للحکام استخلا اضفا صیغ
 غضب الغونه اغنام اصاحت ۱۹۳۱ بلقونه
 صباغ غاصب خلد نازه عهدضا جنت ششم رعیت
 شمسوار لافق امام اعظم محمد بغداد ۱۹۳۲
 غندف صلیغ اصباغ فراخ دوز هفت خط
 ۱۹۳۵ غصه نغمه فریضه صلیغ مفر با امام
 ۱۹۳۶ صویغ غوص غول استدخال مؤلف
 اصلاغ عصبکاه دامغان مغانه فولین بمشروفا
 خداوند بکا ۱۹۳۷ ضرمان موغان غلبان فلتان
 ۱۹۳۸

نوار الفوریه
 غنی در امد
 ۱۹۳۳
 ۱۹۱۵

مداح غفاس اموضن خواجه کاسیات بقولات
 ۱۹۰۱ مغبون سغبون غزراذ شمع کاخ نین
 ۱۹۱۹ غمده مغنده آخوز ببالار اسبقول
 ۱۹۲۰ صلاحیت شعار صیغ مغنی مسئلش شمس شریفین
 غنم غنیم بقو قرض رضی خزش خلعت
 غنم مخمبین ۱۱۱ خات ناش صهران خلعت
 نقالت خارش خراش شارخ خاصیت
 ۱۹۲۲ غول بیابان جنت غبوق پرهش غلبکن
 هفت دوزخ کثور هندو سنان ۱۱۳
 پیرغاش پرستخا مهر فاوران غلطید ۱۹۳۳
 غنم انبیا صلیغ نغمه احبات بمعنی بخاری
 ۱۱۵ ادرخش ظهر دلسوزنه ۱۱۶
 حوث ظاهر اظهار ثروت خروش خورش خروش
 فردس مغلور غموس ۱۹۳۹ اسمعیل مغلور

خصوصیات باغ فلك كشت بهشت ۱۱۸
 عبود تشبهات ارض و سما كوستاره عرش عقیقه
 ۱۱۹ آفتاب و كوكب و اقمار و باغ مینو
 ۱۲۰ خربش و خلیج و غلغ و غشت و خلف و غنوده
 مرغ و لنگ و غلامان و كیا و لم و الت و یفیا ۱۲۱
 اهلاد و لایف و تاسخ و نجات و خاستن و خاستیم
 دشخوار و تابش و ظهور و غافل و غلاف و معارض و مراضع
 ملاقات و شهرت ۱۲۲ شاد و خوار و ابناء
 اختلاف و حضور و غول و بیابانی و جیب و نظام الملك
 پرفاش و ۱۲۳ شاه و خادر و درخشا و
 غلغ و سفیان ۱۲۴ واد و خلی و جیب و اسفیان و غلغ
 تدبیر و نجات و سخت جان و انتخاب ۱۲۵
 فزا و عظیم و ظهیر و شهر و خلد و كلف و نده و بن و عینه و ظهور
 ۱۲۶ منوس و غفور و معارضه و مخ و بچگان

زندگانی و میگذرد با مشقت و بیچار ۱۱۷
 ظلام و العیب و نذهب و طهیب و غریب و امیر
 الا الى الله نصیر الامور ام الدماغ ۱۱۸
 و الارض و ما طهرها يوم الثلثا و تحشبت استخوان
 سپوشن تشبهات ذوالفقار ۱۱۹
 ساقی و کوش علی ولی الله بارزنده تاج هدایت
 مضرب و ذرا و رضای حق و محشم کاشی
 کوفته و خرب و قابض و ارواح ۱۲۰
 مکه و معظمه و وضعه و مدینه و خصلت و تخلص کشت
 لک و نمکین و دشمن و خورشید و خورشید و کشت
 ۱۲۱ خاست و نکاش و خاست و فارکت و شاد
 غلمان و خستونه و سخت و شتاس و خیر و شاد ۱۲۲
 غلامان و مو و لیل و ثلاث و فنی و جید و خستوان
 فرخاسته و حب الغلام ۱۲۳ و آسمان و شهرت

خداوند بی همنا خورستان سپهر
شهر تبین خوب معشوق دنیا دین
زینبدر سرخ غفیله بهکذر صانع
مغموم مرکب خطیب شهر ریش روی
سختیز که غش شکر کرب و راهکذر
غم دنی فتوی کتاب خمس

غم انکیزی ۱۱۸ شکر خواب

خلقت خلعت مغنم تخفیم تخفی تخفت نخفت
مخلص تلخیص خفتن لذت لذت مغفل و انس
والور صمغ مغالین غلامان لدا
فغان عارضین صنو النفس نفحات خفان
نفاج صناع خاکشیر افغان بنذل
انعام اعلان احضام نکذیب فاصحی دارم باطن
مذهب شیعه نظام عالم استعاره کوثر

فاد لب دوست شکر تبرزد بالذات
ارض نجف طبر از حیات جاودان خانه عبادات
ابن ذال خوشا اصفاهان زمین ارض
بالذات اجندان صمغ غموص خضر
فخر سلاطین زمین وسعت العرش
ماه رمضان غذا کتله شهر بلج
هو ذلک غم انکیزی ان شجرة الزقوم
عروس حریخ من لا یحضر فاصبر ایا اولی الایصار
بعد الحیدر متواء خاک شیراز غم
خلق تخفین خضن فصیح شیرین شیرین خانه افغان
علیست علیست مفاض مافض
مناش خرامش شمش غلام شمش محنات
اعضان استخفا بنذل هفت خوان
ناباطان شارب غم زمانه خم شارب

بوستان خلد عذاب السعیر انبیا
ممکن مسند دولت عبت عبت
مظهر هر شک مظهر خائن جم شیم
آفتاب پرست شمر رخ مجاذبت مظاهر مفروض
خرم شاه خر موش خریش غنیمون
اشد مرد من ای شی خلقه ذوالقرنین مشهم عالمیان
سهم الغیب محض غلا خرمست
فرشتهای آسمان عند لبب خریش آهنگ خرمای بصر
محارث هبوزین کابینات متشابهات
اذر بهرام منوچهر مشقت کلد
فصل مختلف متمش خن خن محاذات نذکل
عتمم غیاغ ناظر رختان شخاد
خنا مخالف شغدان انراض انظار
انمان انماس علم عیب لغایفات مخالفات ولا

حقیق

بکرم ن الله حدیثا عرس خاوری
شاه عرش اورنگ ذی الاوثاد مجذیم بر شخان
موش خوار قدغن غطور اختیان
درخشان دارای سلیمان شمش
نوریم نغور فرخوری هفت
دستکاری دارین محبت خاندان
ناظر خورشان مرقبتا صواعین خدا پار شما
هشت جت نوربخش سرو خرمایان
رخشده روان بخش خلد هعتم امام
موسی کاظم نوربخشا هلاک ملحد بغداد شاعر نکند
سبح لسیجات اربعه نه نظیر نذلد
مخلص خنن فرخ فر خوارزم شاه شیخ شریف
فاستو ضان مخالف لغایفات
مکاشف سلطان هفت کور بدین

شاخدار سحرش نذیب فراموش بر مبر
در خسته نقد الاسلام اه کشته
شد چپ در دشت کربلا مفتی
الحجاب الثقال کشتن دشمن ضیای چشم خدا پارشا
باد عصفوط استجاست نظیر سرشته
عنوق الصبر مضاح الفرج ارضاد
لعلکم تفرحون انش نشانیدن باغ
قدس ذات الله علوم ربانی قدغن چی و زینونا
و تخلا شرب دینار و انا له حافظون
انش لبه خیلون نور بخشی علی پیشوا
خلق بهترین بشر غدو الامال بو صد این المقص
اذر برادین محسنین مغلق عثر
خبر الامور اوسطها مخالف
مخاصم نظرات مغلق معارضین فصله هنر

استناخ اذاعت استخلاف مبدل خبیث اخفا
پاک نظر خون ریزش سحر شوال
المکرم بلغ العلی هفت در صفت
قضای ربانی شهاب استر اباد چرخ مینار نک
ملکه خلقت آدم
خسوع تلامذ لغو خور شید کلاه
فالرض مخلوقات طاعت خواص قوم طالمین
عذوبت ثلث لپال سوپا شعر غیب صفت
حزب نجسته مکان خوب صفا
غراب شبین شتفت نظیر نظف
نظیر مذمت ثابت و سبار حضامت
مظهر اله خشت سار تلامذ فرخاش نهک ذات
غلام علی قادر ذوالمنن اطفاد
لغزب اخضا صریش فرخ داد خواه جن و بشر

نالونی جعظری ۱۱۸۳

عالم الغیب مشیخ صفات افتاب کرم افتاب مکرر
فرشیدان ثانی ۱۱۸۴ هفت فرشته ام المخبیات
صدارت دستگاه ۱۱۸۵ ظروف نفوذ
شفقت شاه هو الفوز العظیم ۱۱۸۶
انتر نوبه سوز نجفی و کوفه ذات الحجب خالای
ناسد عکشم علیه الرحمه ذاک قبول حسین
۱۱۸۷ لعن خدا بین بد برکت و نعمت
طعام غربت ۱۱۸۸ کفلی الحیم مرغ سرگرد
طریقت عشق ۱۱۸۹ ظریف منقوض منظر
نذیم فرح بخش غنث تخصیص نقشب ۱۱۹۰
۱۱۹۱ مناظر ظرایف ظهور الدوله خلستان
۱۱۹۲ صفای صفت کثور دولت خانان
خان نکواندیش ۱۱۹۳ فرشته چه خلد مبلان

بیج

۹۹

رسول

۱۱۹۴ چرخ شعبده باز محبت اهل بیت
حرم شدن خدمت سلطان ۱۱۹۵ فتح ایش
اسد الله الغالب مشیت کرد کلام پادشاه خلایق
عالم فاضی فایم رشوت کبرنده کثرت کسیر
۱۱۹۶ مناظر منظور سایه خورشید سر بهار
نقصین زیارت عاشورا خصوصیت ۱۱۹۷
۱۱۹۸ محمد قائم انبیا ماه رختان خلایق بهمند
۱۱۹۹ فرج وزجهان و جنت نعم فرشته
پیر و شریعت جنت هشم خلایق بهشت ۱۲۰۰
کرب رختان غلام حسین محمد بوسنان ان الابرار
لخی علیین ۱۲۰۱ ضرر غرغ رخت مرغ
رخت سدره المنی ششور نیک فصلک شفقت
۱۲۰۲ ثاث ثانی اخر آخرت خوار
غنا راغ غار ماه درختان لاجورد بد خشان

رضی الله عنه واقف حضور
انامن الحزمین مستنعمون ابوبکر عثمان خرب
بختن بختن آخ بختن عرب رعب قدما صالو
باغ غارب غبار غبار غراب راب
اغبر بغاب باغز چرخ
ارغاب ارغ غدر تیج دختن مختدر اخبار
خوابات برغاب حداد غره غره
عذار بغداد دوز غور روع درغ
خز ختود ختوش توشتر شرب ناوین نیکو خصلت
وراث بداد شواظ بچایج روع
وارغ آروغ برداخت سناره شمار کوب رختیده
برغو غروب بختور بابکر عمر عثمان
قوم الظالمین شب خوش خسر سپا دکان خاتم کل
انبیا احمد غزده انبهاض بخودا

نیت

نرخنده سپر خبر الازفین انی حفظ علیهم درغ
شقی خلق دوحیان ابابکر و عمر عثمان
داعدار عذاره بختن رخت خرب غره
ربع غری غری دروغ غزود طغرا ضرب مستخلف
نبا منقل صبح علی ولی الله صبح امام علی
نارغ ناهن خبرات خربا آری غره
غزده فضاو قدر اصطلار ظهور
صاحب ثابت شاه رخ و خ بختن بختن غریب
برغب اغیار اخبار برداخت لفظی الامر
عینرا ذروغ برودار بختن بختن
غریب بغایب پاک منقل خرد پوش بختن
ندع غدر اب غزده نقد بد نصیب
انبیاض غریب ندخبر من خن خدا تو فیق دهد
برایت برین از من شیعته لایبهم

در پناه هفت غره رنجند در مظالم در روضه
 صنعت خدا رسم دستان غرابیب **عمر ۱۲۱۶**
 اصحاب النار هم فيها خالدون بنظر من مهر عذار
 خوب خوب ضریحینور بر غو ضروری داروغه
 فلک انور که رفت از علم از عالم **۱۲۱۶** ملک کر که رفت بعد از دنیا
 قطب حجاج محمد علی ان غن علم **۱۲۱۶** کو حجب علما بود حجب فضلا
 زبد و واحد اصفی با نرلم **۱۲۱۶** که بگوهر چه پدید بود فرید بر بکلا
 عالم علم سپهر روع و کج و غار **۱۲۱۶** قلزم علم و صاحب علم و کثر سخا
 انکه علم از قضا بدو زیاده و رواج **۱۲۱۶** انکه درین بنوی داشت با و قد و با
 مندر کش چند عراب و نیکو **۱۲۱۶** و بن جفا مسجد و عراب و دافا از با
 اه از ان ماضی و علامه ابام کبر **۱۲۱۶** عید کف فضلا از همد کد علما
 این مضایق که ان اجد و کرد و با **۱۲۱۶** همی کر هر علمت زهن و د سفا
 اصل خداست که حق او علم بنین **۱۲۱۶** ملک دین و کت اما میده و داه نما
۱۲۱۶

بازی

بازی شیخ و بیامع بود منع و المنع که بعالم شد از ان کو هر انما انشا
 تا از و امده فلاح جامع محکم **۱۲۱۶** تا از وی قطع مقال آمد این
 شده بعالم از ان کشف کمال اجنا **۱۲۱۶** شده در دهر ازین قطع مقال
 هات و کب چند هویدا که **۱۲۱۶** عقل محصل کند از هر رعبه
 جبر و بیعت و ماه و ب ان کج **۱۲۱۶** سوی ایوان بیا رفت ازین ملک
 رفت علامه و حکم بوی سخن و با **۱۲۱۶** یافت دایم بخیر و بدین ما و
 شده وی جانب ایوان با ناطق **۱۲۱۶** بانی علم میکن کت با ایوان بفا
 از پد سلطان پادشاه بزم علوی **۱۲۱۶** ملک مصر این معی کو اوج کت
عمر ۱۲۱۶ اهتباطض تضهیب نوار نج
 بنور ثانی غریبه بد اختری غریز خوان نعمت مروت سفا
 قطعه بختی مدر سر شاه جم جان فتم
 سلطان محمد فتح علی شاه از کز **۱۲۱۶** بفر دین و دینت مهر سفا
 طالع برای جم این کی نشان **۱۲۱۶** کزای وی کشته بلند میوای
 جمید و نکار که از حکم و شد **۱۲۱۶** تا بخلک بلند بهر جای علم
۱۲۱۶

سلطان جم نیکین او شهرت از سپهر
کن حسن و عدل او است سکوه علم
شاه زمین خلدوز متا ان کز وجود
فرد و کمال و زینت و اوج و صفای علم
فرخ سلوک و نوب جها دبد زان
احشافرح طریحین دلکشای علم
از حکم او عیاست بکیمهان ستر
از لروی بیاست بکرمون ندای علم
از من او فساد نزل جسم جمل
از عدل او فروز منفع سوای علم
عقل معشال او شد بهیچ نای
عدل و کمال او شد نزهت نای علم
روشن بهر دی آید سکوه جا
ثابان چرخ دای وی آمد لقای علم
آمد صفای مکرش دی عصای عدل
آمد بنای رحمت و عدوای علم
بنیاد شدند علفست از مقام امن
بالقصد از رحمت او بنای علم
شد از علم آتش هم مدد سی بنا
گرفت رسید بهر کتی نوای علم
باز نوب مدد سی زهر حیره صبح و شام
آید در و پنجه جت صلاهی علم
دلا و مکن بود بعبارت فقه عدل
دلا و قوت بن بود با جانت حتما علم
چون زینت حبش و از پی علم اهل بن
کوند جادوان چو باجانت جای علم
ناظران صفای حسن با بن قطعه دلا و کشف
بر پای شدند لطف شاد بن بنای علم

و صفت

هر صفت از این بی امام او کز
صفت آن چه علم و دان از صفای علم
با این صفات و شعرا در کند بان
هر کس که از بنیان شودش اتم علم
با دایقای دولت و اقبال شد به
ثاباد علم و مدد علم و بطلای علم
دعای بادشاه جم اقبال جم نشان
کز وی بلند آمد کاخ و سرای علم
سلطان محمد فخریشتا ان کرد
کرد بد اسوار و منتق بنای علم
باداد و عیاست به عالم ستر
با عدل و بیاست بکیمی لای علم
لطف جهان و زینت معانی شمع
کز وی کرفت بلند هوای علم
فرزقان و جلد من زنده مهان
کز بهر جز او است بدینای علم
بر جلیق بنر جای دلا و کن بد اند
ان بک برای غیث و ان بک برای علم
شعر و زینت زبانی او مدد بنا
کونان سو سپهر روان شد صد علم
از کز برای علم مکن شد دران و بین
شدند جها بهایان و صفای علم
چون زینت حبش از پی تعلیم اهل بن
جستند جادوان کز دران با دای علم
ناظران ظلمت زینت برین قطعه دلا و کشف
آمد بنیاب از آصف ثانی سرای علم

خدو مکرده ان بچم اوج دین ^{۱۲۱۸} کرناه و مهرای نکوش اوز آمد ^{۱۲۱۸}
 جدا آمد و سولون و جدا اشن بول ^{۱۲۱۸} با عین عصمت از بدو عهاد آمد ^{۱۲۱۸}
 بک جدا و بنی شرف کل کاشان ^{۱۲۱۸} کز جود و ز جله رسل هضر آمد ^{۱۲۱۸}
 بک جدا و علیک کز زعون کردار ^{۱۲۱۸} در روز جنگ صفد نام اور آمد ^{۱۲۱۸}
 بک جدا و حسین علی کرد و سخا ^{۱۲۱۸} مولای عامینا و رسته محشر آمد ^{۱۲۱۸}
 جد دکر علی حسن است کز کرام ^{۱۲۱۸} دین داور و دهم و دهری پر آمد ^{۱۲۱۸}
 با سید علی بدوی آنکه نوز ماه ^{۱۲۱۸} عکسی نفوذ او است بدین بر آمد ^{۱۲۱۸}
 موسی کاظم آمده باب وی وود ^{۱۲۱۸} احسان و عدل و جود و سخا بهر آمد ^{۱۲۱۸}
 نذیر زجده اش هم زبان فطری نکو ^{۱۲۱۸} نه مثل جدا عالی ان صفد آمد ^{۱۲۱۸}
 بر سلیم بن محمد و هم کرده رهبری ^{۱۲۱۸} بر نایب بن محمود و کرم رهبری آمد ^{۱۲۱۸}
 روی جهان زد و کرد او بافت آبرو ^{۱۲۱۸} پشت فلک بسجاده او چنبر آمد ^{۱۲۱۸}
 روی امیر حلیه عالم باین در است ^{۱۲۱۸} حاجت هر آنچه بوده از این در آمد ^{۱۲۱۸}
 فوج ملک ز شوق دلازم کشیده ^{۱۲۱۸} مدعی شریک بر زمین پی بکد بکد آمد ^{۱۲۱۸}
 بکجا زنجیر چاکری ز ایران او ست ^{۱۲۱۸} بکجا ز بهر ضادی این در آمد ^{۱۲۱۸}

از این عالم خلاصه این کتب جمیع
 تقدیر علم و عدل و شرف کوه آمده

کردم بدل خطاب کد این فیمین ^{۱۲۱۸} تقدیر که بافت از کد برین بر آمد ^{۱۲۱۸}
 کشتار چون ایند و سلطان عسلان ^{۱۲۱۸} کوز از لطف فحله باور آمد ^{۱۲۱۸}
 سلطان محمد فحله شاه ان کوز ^{۱۲۱۸} نشان ملک و کلین جان را بر آمد ^{۱۲۱۸}
 ان پادشاه کز اشر عدل و عداد او ^{۱۲۱۸} سنج باز و کل هم بر هم شد آمد ^{۱۲۱۸}
 ان خضر بن من کد با وج و دروم او ^{۱۲۱۸} او و نلد ملکت با فلک سر آمد ^{۱۲۱۸}
 کز کشتار عالم و زین ملولان ^{۱۲۱۸} کز او کمال و ندر بهر کشور آمد ^{۱۲۱۸}
 فر ملک دهی کز ندر کین بنده سر ^{۱۲۱۸} هر شاه بوده بنده و فرمانبر آمد ^{۱۲۱۸}
 عبد مطیع و بنده و فرمان بر شرف ^{۱۲۱۸} کسری و دای و سنجور اسکندر آمد ^{۱۲۱۸}
 خاقان بای سیدک اوز ملک چین ^{۱۲۱۸} از طرف دهم و نایب او قهر آمد ^{۱۲۱۸}
 از نایب سوز و در دویار و عدل ^{۱۲۱۸} نوز شریان ز ندر و ان از آمد ^{۱۲۱۸}
 دی اهل زند بود کز شکوه و شای ^{۱۲۱۸} هر بنده صد ملک و صد شرف آمد ^{۱۲۱۸}
 هم ان بدامان ز خا آمد کیند ^{۱۲۱۸} هم ان در بعد ان ز غطاس و آمد ^{۱۲۱۸}
 نایب شاه آمده دادار ملک عدلی ^{۱۲۱۸} ناعدا لشاه صاحب بوم و بر آمد ^{۱۲۱۸}
 بنو طیس و موسی باز جری شده ^{۱۲۱۸} آهوانیس و عارس شریف آمد ^{۱۲۱۸}

از عالمش برین صف میدان حرکت
 از انجمنی فز و نسیم و لشکر آمده
 روح و سلم از شد و دندان بکاه
 بیضا بچک کاهی و کاه از در آمده
 انجم سپاه مام و کاه و فلک خپام
 مهر از بچمشاه همی افرا آمده
 شمشیر نیم و مجلس میدان و طبل
 نواصاف و ملک از در کمری اشتر آمده
 از مهر و بزم و آمد و صنبا
 از کین او خلق و خلق و خنجر آمده
 هر روز بهر جا که از داود زمین
 خلت فلک و طوع برین زد آمده
 در هر روز و روح عطا حلم و بیدارش
 ان آمده است لشکر از محور آمده
 دوران ببال و مجلس و می و چو دین
 مهری ز اوج جود سوی خاور آمده
 بنبر ز می و بر فلک برعه است
 نه شد او بر می زمین داود آمده
 این فیض بزمین شد و لا یبارد به
 کزین قد و عا و روح و صبر آمده
 چون قهر من و ذب بزم و دود گفت
 این فیض قد و عا و روح و صبر آمده
 گفتن ز جود شاه بعالم فسیده
 کز ان دهان فکر پراز شکر آمده
 کردم رقم زمین الله این فسیده
 کز من ان بد و فز من جوهر آمده
 آبیا این فسیده هان یک بد لری
 مانند من ز می بنان و لبو آمده
 مانند من ز می بنان و لبو آمده

ع

هر صفت از این چه یکی جوهر لک
 هر صفت از این چه یکی جوهر لک
 مصراع این فسیده باغهای سنا
 صریح بیان جوهر ماه باین دفتر آمده
 ناطق بگوید عا که بملک طبع و عقل
 پیدا و های شاه عطا کسیر آمده
 لا اسم ز کس آمده و لا له در زبان
 تا نام اصف آمده و احمر آمده
 بجز و الی شود و روی مدعی شای
 از شوق و مهر و نهضت اصف آمده
 جلال الطاف و جهان جود اما الله
 جلال الطاف و جهان جود اما الله
 انکسایست و جود و عا و عا و عا
 و انکه باشد جود و عا و عا و عا
 دوزخ من از حلم او با دینم بداند
 دوزخ من از جوهر و کشاد و دوزخ
 بیالطف خدا از منبع اعطاء و حسن
 معدن حسن و عطا ان سابه لطف
 کربان الطاف و سخا و الی و لا انرا
 در ده با سلام و راه لطف این بلبل
 این که هر شد از اب حیا و زانین بید
 جاوران در و شک باشد ز اب و اب
 قصه کوفه چون بنای بدست از طلی
 از صف و صدف هر کس کوه بر الی عا
 قطعه او در و طاعت از زلال طبع و عا
 از بنجای طلی و لا شد این بدینا

مریک مصراع این قطعه برای سنان
 ان بعد از انبیا ان در کران آنها
 بادنا کبکی الهی باد این والی در
 دولتش جاوید و عجباه باقی در با
عزیز و دوست و رفیق ^{۱۳۱۸} ^{۱۳۱۹} ^{۱۳۱۹} ^{۱۳۱۹}
 چرخ مشید فرخنده سپهر زلفیانی
 فعلی که از ان پرتو انوار جلیست
 فعل در وصفه چنین ابن جلیست
 شد و فعد بنار چرخ زم زندناطی
 فعل در کج علم و علم از لیبست

زهی کلید که مضاج کن کن
 کلید فعل در فضال با سبب است
 چه وقت کت بنار چرخ زد و فم ناظی
 کلید فعل در کج علم با این است
عزیز و دوست و رفیق ^{۱۳۱۸} ^{۱۳۱۹} ^{۱۳۱۹} ^{۱۳۱۹}
 و کذلک خبری الجرمین مستخلص کج مظفر عجمه فضل و علم
 زهی بابی مریا عبد الحمد کرمانشاه

مریا عبد الحمد معدن جود و شرف
 قدوه اهل بیت احمد ارباب یقین
 انکبا شد در طاعت زنده اهل دنیا
 وانکه امدان ثنوت انجب اهل دنیا
 در زمین از جود طاعت سجده دنیا
 کریم طاعت شوند اصحاب دین دنیا

بهر فرخ و مومنان طاعت که نیاید کرد
 تا کند مسکن در اوان خبا با مومنین
 کت و فعد و عجمه ملک از کجا
 نامدای و جهان با حازن برای مومنین
 چون ز سعی باقی و امداد حق بپا کرد
 شد مقام اهل حق شد مقام اصحاب
 ز فم ناظی ببال این بنا از فکر مند
 جلوه مسکن بانبی فرمود سربین
 بهر حال این بنا هستند بلیه بایکوا
 شانزده مصرع همد زبیا و چون کج

مریا احمد جهان فم و اوصا انکوا
 ماه بیج ملک و فم کوه در خطا
 اصف با فعد و فم انکه از فعد
 آمد از جهان بند و اصفین خبا
 جود و شرف سادرا این مهمون شرف از طار
 جبه او با دین عال نباشد انبیا
 مریا عبد الله از زند دهر رانی
 داد این مهمون بنار از فم و عجمه
 نه از الطاف و صفات اهل بیت سالت
 حبیب الطیف از مریا عبد الله ابن عالی
 جامی مصراع این قطعه جوانای شهادت
 بهر حال این بنا هستند بلیه بایکوا

فعل در کجینه اصناف این
 با فعد در وصفه و فعد این

شد و فو و بنار بخ رخم و فضا و قل در کج علم پزداست این

همین کلبه که نقش مدام این است کلبه قفل در و ضربه شدیدی است
چونق شدیدی نارنج زرد نم تابانی کلبه کج سعادت بیابان این است
ظهور علی قانی بحر شفیع روز عشر

مشك كفتار كلخ
تخصيد ممت القرآن فراض نجفانه
استخفاف بحال الفاظ ضريح مقدس درخت طوباد اور درخت
الاذكر للعالمين نمان خصيد شاه زمان

اذرکشب غراب

از سوی شاه دهر نباشد بیاعلم
از وی گرفت زین بنای سراسر علم
زین ملوک صفی شاه عادلان
که عدوی بد دهر داشت بدعا
فان عالم انکه شده ز اضمحلال
لاج رسوم ملوک با لواهی علم
دارا عطفی که چه ستد سکند
حکم ز حکم و باوریش شد بنای علم

جی

شاهی که بود و هفت نفع و جلالتش
و فرد جلالتش کسور دین و علمای علم
هم بار که کشت مدام اهل علم را
سوی معای شوکت او مدعی علم
بر پادشاهی آن شاه داد داد
هر دم رسد بوی اجابت دعا علم
ازین حق شناسی آن شاه دادگر
ه بیگانگان دهر شدند اشنای علم
همین همای همتان داور شهبان
از بهر جود و همتش آمد فسانه
از رسم وی غم و یقین لعلی طهور
این حق شناسی آن شاه دادگر
از اسم وی تر و نه رفیع سمای علم
بنیادان اعانت وی شد مقام خیم
اباد از وساطت وی شد سرائی علم
باشد بپایان رحمت وی بساط صلح
باشد بپایان رحمت وی بساط صلح
از حکم وی بلند بکبریه انوار فضل
از لطف وی چشید بهر مدان شنای علم
نزدیب باب شد سخن جانان محمد
فوشاد اواب شد چمن دلکشای علم
رسم و جلالت وی شد بهجت غمای جم
اسم و کمال وی شد زینت قلمای علم
این حق شناسی آن شاه دادگر
فرد و رس بار مد و رسد از برای علم
ارباب علم را هر درس هوای علم
رسم و جلالت وی شد بهجت غمای جم

شد انعام و همت از مدد سیما
 نا طالبان کنند چنین بیای علم
 فطری شای علم ز همت بنا نمود
 همت چو زان ندید بدو زان سرای
 با عون حق نهاد دایام خوان جود
 و ز خوان جود داد بهما را صلای علم
 بدان زمین بگوهر علم آنکه برده
 از علم شد بر روی زمین رهنمای علم
 بر امکان نشود ز مکتبش عطای علم
 بر آسمان رود ز عیشش صدای علم
 چون شد بنای شد همه اصحاب علم را
 جا اندران که مست دران جای علم
 ناظر که ز ملک باین صفی داد و گفت
 شد این میان شاه جهان از برای علم
 گفتیم کمال اورم اندر بهما جدید
 کن هر سواد باد نکور سوا علم
 کردم مدد طلب ز علی در جهان
 همان ز حق و کعبه دین معنای علم
 از لطف و از کرامت ان رهنمای دین
 و ز علم و ز عنایت ان پیشوای علم
 گفتیم بحد شاه جم این فصد
 دیدم صفا بصفی شعر از جلای علم
 شعری چنین نکوید از این جرم صفا
 هر کسی که در صفا بودش ادعای علم
 پیروز و دانست اند بر همت و نظون
 دانست و ان منطق زود آن مای علم
 مصرع هر کدام ز سال بنا نشان
 ایات هر یکی که ری از صفای علم

برین

نالد مانند صرف بود باینای حق
 ناد و مانع صرف بود از نوای علم
 باقی بود بدین و اقبال شیدا
 کن وی بجاست دولت و جاه و صفای علم
 اجر عظیم شفیع روز قیامت
 مؤمنین
 مؤمنین خیار نازده شفقت فرمود بد
 اجر عظیم و مفضی بنهم بالعسط الفات پادشاه
 خوانچه نعمت
 در خانه شاه جهان نعمت خداوند لذت مدای
 فریضه بچکانه چرخ هر معنه
 اجر عظیم بیدریع کره ارض در دفع آ
 ای درینا فکر ابا عبد الله الحسین بوسان بهشت
 خدا نگهدار ما
 میرزا حسن و ز پادشاه زاده جوان مر
 از خود روزگار بجا کار پزنیان
 از ده کینه و دین پزار و پر معن
 از خود کینه و روزی که کینه
 از خود و حیل و بازی و دین فتن
 رفت از جهان و ز جهان و امین
 صلا دجل سپهر حسن میرزا حسن
 دستور ملک و صاحب عمل و عجب
 فریضه و عهد زمان و بدو زمین
 فدایان سپهسالار و صاحب الکرم
 فدایان فایدا الکبیر صاحب الفتن

انجمن اوج معنی از این انجمن چویند
افسوس و ناله درشت با انجم زانجمن
از شکستای دهر با بسا پیش جهان
روحش کسود بالافان فیه دین
احباب از این مصیبت پیدای جان کند
اغراب از این ملک کبری دلکن
افسوس و سوز دل از دیده فریختن
از دمه حالت و هم بر سپهر شک و
روز سیم باده غراشد روان ز دهر
در پیش مدهای و اهب شدن
سوی جهان چو رفت از این محفل فنا
اهل خلد کرد چه زین عالم کهن
فاطمه کهر نکلت بدین صغی داد
در خلد با حسین بود منزل حسن
ماه و محرم و دویست و پنجم سوخت
شد شاد با حسین علی میرزا حسن
هر صری مجاز بی سال فوت او
زین صغی یک بیک بعد میکند سخن

خسینند بجنات قرین حسین
مادی بخلد کرد بتز دهن حسین
از ملک هو الخلد فی العلم برکت خدا
مضار لای چون خدا نکاهدار شما شافت معصوم
جواهر الفاظ این بود فندیل با هست افتاب

دود دارائی که زو شد جاه افزا ^{رای علم}
انکه از لغزش بود هر عالمی دلو علم
قبله اصل چنان فاضل شاه انگوی
میکنند پیوسته اهل فخر و افوا علم
عهد دارایی که زو شد علم افزای علم
انکه شد ز الطاف او هر عالمی بار علم
چون نیکین فاضل شده اجداد امان
کز کلمه لطف وی بکشور شد ^{در هاست علم}
درد شاه ناجا و انکه از احسان
میدانفت بهر جوینده از نغای علم
انکه دای او بود نور جهان ارای عرف
والله روی ان بود مهر فلك فرشتای علم
انکه طبعش در عطا آمد فرخ افزای
انکه رویش از صفا آمد بهما ارای علم
از چال شاه او با صفا شد روی صلح
از کمال عالی او دلکش شد رای علم
پایه دبد از کوه او مددش این شمع
ماوه دبد از افراد نازک و لای علم
کرد دست عطیه وی در جهان افواج
کرد طبع عالی وی در جهان افق
شد فرخ افزا از طبع فرخ افزای دین
شد بلندها از شرح بلندای علم
اوج میابد زوی در رفعت عالی دین
نوری ابد زوی در لطافت زیبای علم
چون که در با ناز علم آمد زوی ندد و گر
باشد اهل علم را کلی خبر سوسای علم

نامشان در معرفت وجود او آمدنشان
 مهرشان تابان بود ز الطاف و بسای علم
 گزینند پادشاهان اصحاب ایضاً
 ارغی بد مدبره او باب علم ایضاً
 از بی اوصاف او با هم بد توان رضا
 منشای با جان بدولت میکنند انشای علم
 از سرم همتی آمده اشیا ^{ایضاً}
 از علوم صورت وی آمده معنای علم
 هم بود حامی محمد و هم بود حامی فضل
 هم بود کویای فیض و هم بود جویای علم
 علم او بدستگاه مدرس چون نهاده ^{با}
 شد بکمال اندوده از فضل و ^{چهل} درها
 از لب جان بخش محمد او کند ایجاب لطف
 و زکن در پاشی جودش بکند احسان
 در زمان این شده با عدل و عدل ^{درین}
 آمده زینت بکلام و تربیت افزای علم
 ز نور و بیاضه معنی امان الله فان
 آنکه صورت دید از ایمانی معنای علم
 زنده اولاد حق آنکه ز الطاف و رحمان
 اهل دین را میکند ممتاز با لغای علم
 زابر لطف عام وی اند ^{چشمها} مستند
 در مستند مسجدی گردید از سعادت ^{شاه}
 مسجدی و مدد سی از آنجا مکان جای علم
 مسجد با اصدار از مسجد الاسلام ^{من}
 مسجد با زینت از مسجد لاد ^{ایضاً} علم

آنکه سلف عالی قاپوان او را ^{کشفند}
 شد بنایا و دین با جنت الاعلا ^{علم}
 ابصار دلکش بکوی پش از رضا ^{صفا}
 آمده هر طوع از آن یک درود شایع
 مسجد چون دیده ادب بکثرت جای ^{من}
 مسجد چون سپید استیجای علم
 جمع دور کوشه و هر زانو پناه ^{کجا}
 جلوی از بستان و اوردش دای علم
 عاتق مدد اندام جرحها در ^{صفا}
 جمله چون عنون فکرت دایه لای علم
 کوی و شخی که آموزد علم و ادب ^{این}
 این بود صفا و بعد از آن بود رسای علم
 با معلم آمده در گفتگو طفلی ^{هضم}
 از شده عنون کام و این شده سلمای علم
 از دین مددش شده واده ^{اهل حق}
 از هوای زب و داب جلوه عفتای علم
 با مدد مدرس کویان در ^{در جلد}
 مددش آ این با عدل سعد با بسای علم
 کرد این مددش حکم مکان ملا ^{صفا}
 تا کند با ربط اهل علم را اهل علم
 جای ایضا جای خزان جای حکمت ^{علی}
 جلی فطرت جای طاعت جای علم
 آنکه بران کسب کرد از فهم شد ^{جواب}
 آنکه دران جای کرد از علم شد دانای علم
 سلسله بنود اینک برهم چیده ^{اورا}
 در هم یک یک جزو یک از اجزای علم
 آنکه بگردان اهدا نکیر ^{نشان}
 صید هدیه در دوشب اهدا ^{روا} علم

بنهادن بن بنا بیا بانی دروس فی کوش دیبه هر کن دیبه بنی علم
 شد بنا و اهل علم و اذان واقف شدند کو بی بود و سنادش واقف و بنا علم
 دارا لاحاشا متاسد که بنای ازل کوئی ز احشا او و در با لای علم
 با سکو از بهر سال این بنا بجا بیست مایه کرامت جوش از بحر کوه زای علم
 هست یک معراج او یک کوه را لایب هست یک معراج او یک لوی لای علم
 بهر سال این بنا هستند یک در یک این معراج کامه از این عمارت علم
 بهر سال این بنا طوطی نطق دارا لاحاشا شد بنا و شد جوامع علم
 تا کند مشاعلی از حسن و زحمت علم عمارت عادل در کلا اچم حسای علم
 باد دایم دارا لاحاشا امان الله خان جای حمد و جای مزه و جای فضل و جای علم

در زمان شاه کردن جاساب بارگاه پادشاه وقت سلطان سلیمان ز شاه
 هم چنین فتح علی شاه انکه از جاده و ملازمت و دیوهای دی نهادم پانزده فرندان
 در زمان شاه فی جاد انکه از احشانه دادن این جهان را چون بهشت مایه علم
 هم نیکین فتح علی شاه جهان بان کو بود نایب دولت بدست مهدی صاحب

انکه از پیش از صفای امد نفیم آری و انکه طبعش در عطا امد فرخ از میان
 انکه از بر صفا امد دل او شرم خیر و انکه از لطف کرم امد کف و کف
 و ان عطا به عطا کشتی که از الطاف حق باشد از اعطای پانچ کف و کف
 صاحب بود و بخا و محرم و عطا و عطا ناسب بود و عطا و عطا و عطا
 اشیا جاه اند و در عطا ای و از عجب خود زمین ابد عطا و در اشیا
 امد از خون الی بالطف و عطا و امد از خون الی با جو و عطا و عطا
 امد او را بصفت و صف و بانی و امد او را بملک مصر و بانی و عطا
 اسما و بی نام از نوشتن لعان داند و ان بجای علم امد پیش از نوشتن
 کمال داد و عطا و عطا از سر آمد و کله داد و عطا او که از جیل امد
 تا عالم سهم او و در کام قطاع طریق مسکین و در در جاز جیل کاد و عطا
 در زمان پنجین شاه که نان اندر و بیخ ایمان عالم میدهد در زمان
 حاکم نایب و امداد ولی مستعان شد زوالی مدد می و قاع عملک و عطا
 علم اولاد خیر انکه از جاده و عطا و عطا امد عطا و عطا و عطا
 صنع بود و سخا و مالک بر عطا شاه باز و عطا و عطا امان الله خان

اسمان عز و شریک والی عالم امام
 انکه راعظا الله آمد بهیچ هم نشین
 نام ملک اردلان والی شد از بنی و ملال
 چونکه باشد در عبادت هادی اهل
 از برای من طاعت مسجدی بنیاد کرد
 مسجدی که مدعو افکون از هم
 وجه مسجد اصل بنیت جلد بدان کامیاب
 دارا احسان شد از احسان و احکام
 مدد شد انداز مسجد بنیاد
 اندین مدد مس که بنیاد اهل عالم
 چون نسبی بانی نهاد در بنیاد
 هر سال این بنای رفیع ناطق ندوم
 با انکه از پی سال بنیاد بنیاد
 هر سال این بنیاد بنیاد در یک

هر مان و جلد و همت عالی اعلام کان
 انکه و الطاف از آمد بدو و نوا
 شد و اهل ملک اردلان دارا الام
 چونکه باشد در عبادت هادی اهل
 مسجدی همچون درون کعبه نور زما
 مسجدی که مدعو با و فزون از رضا
 وجه مسجد اهل بیت جلد بدان کامیاب
 نام نهاد از اید و جو و جلد مسلمان
 کاندان مدد مس همتا از رفیع و نوا
 شد معین از جوی ملک سعید علم دان
 شد بنیاد شد در نهاد اهل شاد
 دارا احسان بنیاد از امان الله
 آمد و مدد عالی بکی بنیاد نشان
 این مصارع در مدد و جلد و نوا

دلاش توان این کلام مشهور از مسلمان
 زین جت آفتاب زین فتنه بدید
 دیو فاش به جم مسند کری مجلس
 شه و اخراجیم سپه علما بنین
 جم نکین فحش شاه که با پای به عدل
 ملک و کرد و سر در دار و کردگار
 از ملک فتنه ملک صدف و فتنه
 هم در دایب سنما امام و ان زمین
 از پی رفیع وی اهل ساکره دعا
 امدان از نبطا و اهل اهل اهل
 زغال امد و امد و خواص و جد
 عهد این شاه سکند شیم کی بنیاد
 پادشاه زاده هر نفسی انعام عدل
 پادشاه زاده و نوا کرد و کی رایت

زین جت آفتاب زین فتنه بدید
 دیو فاش به جم مسند کری مجلس
 شه و اخراجیم سپه علما بنین
 جم نکین فحش شاه که با پای به عدل
 ملک و کرد و سر در دار و کردگار
 از ملک فتنه ملک صدف و فتنه
 هم در دایب سنما امام و ان زمین
 از پی رفیع وی اهل ساکره دعا
 امدان از نبطا و اهل اهل اهل
 زغال امد و امد و خواص و جد
 عهد این شاه سکند شیم کی بنیاد
 پادشاه زاده هر نفسی انعام عدل
 پادشاه زاده و نوا کرد و کی رایت

سر بد با کمر اجد مولا پرور / داد و نافرمانی فردا لاخمان
 از جهان کبر که منصور بود بر پادشاه / از جهان دار که مشهور بود در جهان
 در صف خود بود خاتم ان صدیقی / در دم حمله بود چاکران صدیق
 هر جوانی عطا خیل معاش از دل / همه کویای ثنا اصل صفایش از زبان
 از کل کشتن بود انشا از ملک عطا / که بر عجز و چه کشتن شد از او با دانا
 بانی دولت او کرد یکی فخر نیای / که در این بود از فخر خانی بنیاد
 و چه فخری که چنین فخر صفا افتاد / بر نهانه ز صفا دیده ندا داشت فضا
 ادم انا بنیادی که بنیادی تعلو / نیک و نیکان بر زمین جاه نداد و امکا
 هم ادای بنای کرد که ماندش / از بناها که یکیش است بنی چنان
 مرده را اب روانش میکند زنده / کامیانت ز سر چهره اب جوان
 ز چنین کاخ که ز لطف و ز جود کلان / همین فقر که با حق بود چون بسا
 بانوا آمد به از رخ دلبر لاله / از صفا آمد به از خط جانان و جان
 بافت از خون از دل زب چو این طریقت / حب از لطف صدف در جوانی زنده
 ناظر این طعنه سال بنا گفت و رفت / پیران از طعنه دو مطیع در کرب و بسا

نچ

جان فز آمده این کاخ چو دامان / دلکش آمده این فخر چو کلدان
 جمله ایست که کرده در این صوفی / از صانع عدد سال بناست عیان
 از فی قطعه در کف طعنه افشا کرد / که با تمام و بنا هر دو کشت و زندان
 ز شمشاد ریش آمده این والا / که نه آمده عیان ز پیش چنان
 زینت تمام بود نافرمان و نمکین / این مکان باد و شمشاد نمکین باد
 عدد ۱۲۲۶ / دغلد با ابوالحسن اسود ابوالحسن ۱۲۲۸
 منبج جمع کالات ضعی امام حسین نماز خفشتن
 صحت ذوا افتار علی ۱۲۲۹ / ضاحک ضاحک ۱۲۲۹
 مفتاح فکرت ۱۲۳۰ / که بحث فتح فیه و نفع ۱۲۳۱
 لاغز ادخل اذ رکبت ضاحک / ضاحک طوبی شهر و بیخو المریض ۱۲۳۱
 ۱۲۳۲ / خاتم سلیمان خرم چشمه جاء چرخ فیه و نام ۱۲۳۲
 ۱۲۳۳ / انا فخرنا لك فخر ما بینا شاه منبج ۱۲۳۳
 ۱۲۳۴ / وزیر اعظم فتح و فخر کرشن امکاب من لا یخسر فی ۱۲۳۴
 ۱۲۳۵ / فقی صدور هم در انظم در فاع

غارس ساغر سلاغ اصغر اسفر غبران حنارث
 سلاغ صلاک خلخاخ کخاخ ۱۲۶۱
 استرخا بندوخ ارشاخ ۱۲۶۲ تنضج
 برعونه راعین غابین ۱۲۶۳ تنضج استخبا
 سلاغ دغنی غیدن غوضت عندود استنابث
 ۱۲۶۴ استخراج هاروث ماروث روضه
 خدا ترس تلخه روضی غیون معشوق کر فتن
 ۱۲۶۵ غیوان استخارم والله هو الغنی
 ۱۲۶۶ غزبان خواستار بناد استأله
 ۱۲۶۷ مضاحکت وما انا علیکم جعظ
 ۱۲۶۸ تضلیل تخیر تخیر غنک ساعوج
 ۱۲۶۹ بلغ العلی بکماله بنواعظم بغاض
 ۱۲۷۰ تسلما کثیرا سغیب انضاع اخضاع
 مغرب ۱۲۷۱ تنضج بضاع خطبه خوان

میرزا جعفر بن شعریش دراز
 ۱۲۶۲ ۱۲۶۲

نکته

بری رخسار دلبک العظیم ان لا یفعل الظالمون
 ۱۲۷۲ ظفر مند جبر بغداد ۱۲۷۳
 خدا ترسی واعلموا انکم الیه عثرون ۱۲۷۴
 اغضاد استواض مغول غرملول مضوم وضعت
 معوذین ۱۲۷۵ مواضع وضعت ریحین
 ان علیک الا البلاغ ۱۲۷۶ فوق الارضین
 مثل اصحاب الاحدود ولا یوثق وثاقه احد ذاعقله
 ۱۲۷۷ غطریس کنت کتوا محضیا
 ۱۲۷۸ تاج خردی غف غف کرچین تضجع
 ۱۲۷۹ مراغم مرغوله ثناند خاکسیر
 فحاح نقاح خفارت فراخت فان غفار فارغ فراغ
 افزع غراف ۱۲۸۰ مسنوی الخلفه افراغ کثر عزرا لسان جبر نمودار
 اعراض افراخت افخار اخفاد حرافات اخفاد
 افاض ۱۲۸۱ اضافات تضجیع ضجیع

غشه شغه ۱۴۶ غوش شغو و شغ شوغ
 فرغوت لاج بخش ۱۳۷ آغوش غواش غاوش
 غوشا اشوغ اشاعه اغاشه خاذا ارغنون ساروغ شوغا
 ۱۳۸ شادباغ مستوحبه بلبداغ ارم
 ۱۳۹ غطش خنداخند شراب خور مستوخا
 شمه بخارا پاغوش ۱۳۱۰ دنج فضلیع خشت
 غزنی بمرغ ذرپ نضیو بفضل خنوج غیش غشی
 فرغل ۱۳۱۱ اخپذ فضلات نفاضل
 مزینة اعطاش ۱۳۱۲ ذاربات نقضیب
 استنفاذ اماعان شوقاء ابلاغ مژر حانده
 ۱۳۱۳ اغاوش و طلب الغنی بانک مریغ
 خافان ثانی ۱۳۱۴ سراغنج مضاحبت
 چراغعلی ۱۳۱۵ کهرغلطان مخزعه شراب خواره
 ۱۳۱۶ فرغول غاشبه و غشی مرغل دانا

نق

خواجه ناش ۱۳۱۷ اسلنهاض غواش
 مواضع معاوضت ۱۳۱۸ آتش دروخ بخا
 خرو صاحب قران ۱۳۱۹ فمن ثقلت موازینہ
 فاستعد بالله ترصیع و تصبیع فتادن شاه روس بچی
 شکر خداوند صمد ۱۳۲۰ تفضیل فضیلت
 مفقر مرغ زبانک نضیو مفتی شد بغداد ۱۳۲۱
 متفاضل معاخرت نکاظ کور غلطان
 غمکار استخوان دیا لطایف و طرایف باطن اظہار
 بحر مضارع ۱۳۲۲ امضاف کرد کامفوالف
 دستار خوان ولاغونہم اجمعین روغن بابونه ۱۳۲۳
 شخبز جن عروہ الوثقی ۱۳۲۴
 نساء صباح المنذرین فارغ بالی پادشاه هفت کتو
 عدد ۱۳۲۵ رفع ظلمه فتح ظلمه بلج علی ۱۳۲۶
 و ما منا من لغوب مغرور مغفور عدد ۱۳۲۷

غوثك مفاوضت نفاثات في العهد خطبه خواندن
 مرخفاث داس القول خورشيد چهر واحبله رب رصنا
 شيخ الاسلام طهران **عدد ۱۳۸** مجله خطه
عدد ۱۳۹ شغل مصغر مفتحي وضع الكتاب
عدد ۱۳۱۰ غامرث بقتافن بقتاف غفران مشاغل
 شغال **عدد ۱۳۱۱** النظا ولا مينا منها من لغوب
عدد ۱۳۱۲ مع چين بوم رختين **عدد ۱۳۱۳**
 فرغند استبضاع شاهزاده اعظم والعايات منها
عدد ۱۳۱۴ خراب شدت بغيرها **عدد ۱۳۱۵**
 خندل فروختن فراختن افتاب اسمان مكرهت حسود
 مالدارها بآمد **عدد ۱۳۱۵** افروختن لغزش
 شاه كورد عدالت شاه شيركار **عدد ۱۳۱۶**
 منفور فزون اعظمها مجله سهر بفرختن **عدد ۱۳۱۷**
عدد ۱۳۱۸ فرغنده تلاخط **عدد ۱۳۱۹**

۱۱۸
 مرقه تشليح نلظي دفترخانه حافظه قران سبحان و تعالی
 عمايش كون **عدد ۱۳۲۰** فلا فركه بعباده رب واحد
 خلد ناش غاشم شغام حور و غلمان **عدد ۱۳۲۱**
 شاعره اشخار و ان الله ليس بظلام للعبيد
عدد ۱۳۲۲ خبر البشر شفع المذنبين غلظ
 شاه كثر رستان **عدد ۱۳۲۳** واسكو واليه
 ترجعون خورشيدن رعد **عدد ۱۳۲۴** غلظ
 مخلصون هفت خداس فراختن **عدد ۱۳۲۵**
 ماعود فتنه دور ملك شيران بهشت ششم **عدد ۱۳۲۶**
عدد ۱۳۲۷ ذق املك انت الغني الكرم **عدد ۱۳۲۸**
 اهل لغز الله به لا يموت بده الخمر مواظب عظمي
 واعظ كاشان **عدد ۱۳۲۹** مشيخت شفق مفضي
 مفاضي تضاعف تضاعف خدق شناخت فضل شاه
عدد ۱۳۳۰ قدا عود برب الغلظ مواظب

استغناء استرخاص استغنا **عدد ۱۳۴۵**
 باغ فردوس اخبار ماکان **عدد ۱۳۵۶**
 شورش محشر کلا ان الانا لبغی **عدد ۱۳۶۷**
 غنقه عظیم الفلک ابی الغریب فاضی الحاجات **عدد ۱۳۷۸**
 شاه معظم خشونت شجرت نعمه سرا **عدد ۱۳۸۹**
 نذورات لا اله الا الله العلی العظیم وانا بهم فیا
 فربا خشت زن انتخا نه شورش ویا م **عدد ۱۳۹۰**
 ناد علیا مظهر العجاوب ^{۱۳۹۷} لدی الحناجر کانین مرغ زندخوان
عدد ۱۴۰۱ **عدد ۱۴۱۲** اشپو صی **عدد ۱۴۲۳**
 نظفی تضعیف مذکر وانه جندنا طعمه الغالبون
عدد ۱۴۳۴ عوشته عشیان لخرج حبا وبنانا
 مذاکر من شراملق **عدد ۱۴۴۵** **عدد ۱۴۵۶** فخر کایات
 استغنا استشارت **عدد ۱۴۶۷** پادشاه ختن
 مستخرجین علوم عربیه **عدد ۱۴۷۸** الامام المظفر

۱
۳
۵
۷
۹
۱۱
۱۳
۱۵
۱۷
۱۹
۲۱
۲۳
۲۵
۲۷
۲۹
۳۱
۳۳
۳۵
۳۷
۳۹
۴۱
۴۳
۴۵
۴۷
۴۹
۵۱
۵۳
۵۵
۵۷
۵۹
۶۱
۶۳
۶۵
۶۷
۶۹
۷۱
۷۳
۷۵
۷۷
۷۹
۸۱
۸۳
۸۵
۸۷
۸۹
۹۱
۹۳
۹۵
۹۷
۹۹
۱۰۱
۱۰۳
۱۰۵
۱۰۷
۱۰۹
۱۱۱
۱۱۳
۱۱۵
۱۱۷
۱۱۹
۱۲۱
۱۲۳
۱۲۵
۱۲۷
۱۲۹
۱۳۱
۱۳۳
۱۳۵
۱۳۷
۱۳۹
۱۴۱
۱۴۳
۱۴۵
۱۴۷
۱۴۹
۱۵۱
۱۵۳
۱۵۵
۱۵۷
۱۵۹
۱۶۱
۱۶۳
۱۶۵
۱۶۷
۱۶۹
۱۷۱
۱۷۳
۱۷۵
۱۷۷
۱۷۹
۱۸۱
۱۸۳
۱۸۵
۱۸۷
۱۸۹
۱۹۱
۱۹۳
۱۹۵
۱۹۷
۱۹۹
۲۰۱
۲۰۳
۲۰۵
۲۰۷
۲۰۹
۲۱۱
۲۱۳
۲۱۵
۲۱۷
۲۱۹
۲۲۱
۲۲۳
۲۲۵
۲۲۷
۲۲۹
۲۳۱
۲۳۳
۲۳۵
۲۳۷
۲۳۹
۲۴۱
۲۴۳
۲۴۵
۲۴۷
۲۴۹
۲۵۱
۲۵۳
۲۵۵
۲۵۷
۲۵۹
۲۶۱
۲۶۳
۲۶۵
۲۶۷
۲۶۹
۲۷۱
۲۷۳
۲۷۵
۲۷۷
۲۷۹
۲۸۱
۲۸۳
۲۸۵
۲۸۷
۲۸۹
۲۹۱
۲۹۳
۲۹۵
۲۹۷
۲۹۹
۳۰۱
۳۰۳
۳۰۵
۳۰۷
۳۰۹
۳۱۱
۳۱۳
۳۱۵
۳۱۷
۳۱۹
۳۲۱
۳۲۳
۳۲۵
۳۲۷
۳۲۹
۳۳۱
۳۳۳
۳۳۵
۳۳۷
۳۳۹
۳۴۱
۳۴۳
۳۴۵
۳۴۷
۳۴۹
۳۵۱
۳۵۳
۳۵۵
۳۵۷
۳۵۹
۳۶۱
۳۶۳
۳۶۵
۳۶۷
۳۶۹
۳۷۱
۳۷۳
۳۷۵
۳۷۷
۳۷۹
۳۸۱
۳۸۳
۳۸۵
۳۸۷
۳۸۹
۳۹۱
۳۹۳
۳۹۵
۳۹۷
۳۹۹
۴۰۱
۴۰۳
۴۰۵
۴۰۷
۴۰۹
۴۱۱
۴۱۳
۴۱۵
۴۱۷
۴۱۹
۴۲۱
۴۲۳
۴۲۵
۴۲۷
۴۲۹
۴۳۱
۴۳۳
۴۳۵
۴۳۷
۴۳۹
۴۴۱
۴۴۳
۴۴۵
۴۴۷
۴۴۹
۴۵۱
۴۵۳
۴۵۵
۴۵۷
۴۵۹
۴۶۱
۴۶۳
۴۶۵
۴۶۷
۴۶۹
۴۷۱
۴۷۳
۴۷۵
۴۷۷
۴۷۹
۴۸۱
۴۸۳
۴۸۵
۴۸۷
۴۸۹
۴۹۱
۴۹۳
۴۹۵
۴۹۷
۴۹۹
۵۰۱
۵۰۳
۵۰۵
۵۰۷
۵۰۹
۵۱۱
۵۱۳
۵۱۵
۵۱۷
۵۱۹
۵۲۱
۵۲۳
۵۲۵
۵۲۷
۵۲۹
۵۳۱
۵۳۳
۵۳۵
۵۳۷
۵۳۹
۵۴۱
۵۴۳
۵۴۵
۵۴۷
۵۴۹
۵۵۱
۵۵۳
۵۵۵
۵۵۷
۵۵۹
۵۶۱
۵۶۳
۵۶۵
۵۶۷
۵۶۹
۵۷۱
۵۷۳
۵۷۵
۵۷۷
۵۷۹
۵۸۱
۵۸۳
۵۸۵
۵۸۷
۵۸۹
۵۹۱
۵۹۳
۵۹۵
۵۹۷
۵۹۹
۶۰۱
۶۰۳
۶۰۵
۶۰۷
۶۰۹
۶۱۱
۶۱۳
۶۱۵
۶۱۷
۶۱۹
۶۲۱
۶۲۳
۶۲۵
۶۲۷
۶۲۹
۶۳۱
۶۳۳
۶۳۵
۶۳۷
۶۳۹
۶۴۱
۶۴۳
۶۴۵
۶۴۷
۶۴۹
۶۵۱
۶۵۳
۶۵۵
۶۵۷
۶۵۹
۶۶۱
۶۶۳
۶۶۵
۶۶۷
۶۶۹
۶۷۱
۶۷۳
۶۷۵
۶۷۷
۶۷۹
۶۸۱
۶۸۳
۶۸۵
۶۸۷
۶۸۹
۶۹۱
۶۹۳
۶۹۵
۶۹۷
۶۹۹
۷۰۱
۷۰۳
۷۰۵
۷۰۷
۷۰۹
۷۱۱
۷۱۳
۷۱۵
۷۱۷
۷۱۹
۷۲۱
۷۲۳
۷۲۵
۷۲۷
۷۲۹
۷۳۱
۷۳۳
۷۳۵
۷۳۷
۷۳۹
۷۴۱
۷۴۳
۷۴۵
۷۴۷
۷۴۹
۷۵۱
۷۵۳
۷۵۵
۷۵۷
۷۵۹
۷۶۱
۷۶۳
۷۶۵
۷۶۷
۷۶۹
۷۷۱
۷۷۳
۷۷۵
۷۷۷
۷۷۹
۷۸۱
۷۸۳
۷۸۵
۷۸۷
۷۸۹
۷۹۱
۷۹۳
۷۹۵
۷۹۷
۷۹۹
۸۰۱
۸۰۳
۸۰۵
۸۰۷
۸۰۹
۸۱۱
۸۱۳
۸۱۵
۸۱۷
۸۱۹
۸۲۱
۸۲۳
۸۲۵
۸۲۷
۸۲۹
۸۳۱
۸۳۳
۸۳۵
۸۳۷
۸۳۹
۸۴۱
۸۴۳
۸۴۵
۸۴۷
۸۴۹
۸۵۱
۸۵۳
۸۵۵
۸۵۷
۸۵۹
۸۶۱
۸۶۳
۸۶۵
۸۶۷
۸۶۹
۸۷۱
۸۷۳
۸۷۵
۸۷۷
۸۷۹
۸۸۱
۸۸۳
۸۸۵
۸۸۷
۸۸۹
۸۹۱
۸۹۳
۸۹۵
۸۹۷
۸۹۹
۹۰۱
۹۰۳
۹۰۵
۹۰۷
۹۰۹
۹۱۱
۹۱۳
۹۱۵
۹۱۷
۹۱۹
۹۲۱
۹۲۳
۹۲۵
۹۲۷
۹۲۹
۹۳۱
۹۳۳
۹۳۵
۹۳۷
۹۳۹
۹۴۱
۹۴۳
۹۴۵
۹۴۷
۹۴۹
۹۵۱
۹۵۳
۹۵۵
۹۵۷
۹۵۹
۹۶۱
۹۶۳
۹۶۵
۹۶۷
۹۶۹
۹۷۱
۹۷۳
۹۷۵
۹۷۷
۹۷۹
۹۸۱
۹۸۳
۹۸۵
۹۸۷
۹۸۹
۹۹۱
۹۹۳
۹۹۵
۹۹۷
۹۹۹
۱۰۰۱
۱۰۰۳
۱۰۰۵
۱۰۰۷
۱۰۰۹
۱۰۱۱
۱۰۱۳
۱۰۱۵
۱۰۱۷
۱۰۱۹
۱۰۲۱
۱۰۲۳
۱۰۲۵
۱۰۲۷
۱۰۲۹
۱۰۳۱
۱۰۳۳
۱۰۳۵
۱۰۳۷
۱۰۳۹
۱۰۴۱
۱۰۴۳
۱۰۴۵
۱۰۴۷
۱۰۴۹
۱۰۵۱
۱۰۵۳
۱۰۵۵
۱۰۵۷
۱۰۵۹
۱۰۶۱
۱۰۶۳
۱۰۶۵
۱۰۶۷
۱۰۶۹
۱۰۷۱
۱۰۷۳
۱۰۷۵
۱۰۷۷
۱۰۷۹
۱۰۸۱
۱۰۸۳
۱۰۸۵
۱۰۸۷
۱۰۸۹
۱۰۹۱
۱۰۹۳
۱۰۹۵
۱۰۹۷
۱۰۹۹
۱۱۰۱
۱۱۰۳
۱۱۰۵
۱۱۰۷
۱۱۰۹
۱۱۱۱
۱۱۱۳
۱۱۱۵
۱۱۱۷
۱۱۱۹
۱۱۲۱
۱۱۲۳
۱۱۲۵
۱۱۲۷
۱۱۲۹
۱۱۳۱
۱۱۳۳
۱۱۳۵
۱۱۳۷
۱۱۳۹
۱۱۴۱
۱۱۴۳
۱۱۴۵
۱۱۴۷
۱۱۴۹
۱۱۵۱
۱۱۵۳
۱۱۵۵
۱۱۵۷
۱۱۵۹
۱۱۶۱
۱۱۶۳
۱۱۶۵
۱۱۶۷
۱۱۶۹
۱۱۷۱
۱۱۷۳
۱۱۷۵
۱۱۷۷
۱۱۷۹
۱۱۸۱
۱۱۸۳
۱۱۸۵
۱۱۸۷
۱۱۸۹
۱۱۹۱
۱۱۹۳
۱۱۹۵
۱۱۹۷
۱۱۹۹
۱۲۰۱
۱۲۰۳
۱۲۰۵
۱۲۰۷
۱۲۰۹
۱۲۱۱
۱۲۱۳
۱۲۱۵
۱۲۱۷
۱۲۱۹
۱۲۲۱
۱۲۲۳
۱۲۲۵
۱۲۲۷
۱۲۲۹
۱۲۳۱
۱۲۳۳
۱۲۳۵
۱۲۳۷
۱۲۳۹
۱۲۴۱
۱۲۴۳
۱۲۴۵
۱۲۴۷
۱۲۴۹
۱۲۵۱
۱۲۵۳
۱۲۵۵
۱۲۵۷
۱۲۵۹
۱۲۶۱
۱۲۶۳
۱۲۶۵
۱۲۶۷
۱۲۶۹
۱۲۷۱
۱۲۷۳
۱۲۷۵
۱۲۷۷
۱۲۷۹
۱۲۸۱
۱۲۸۳
۱۲۸۵
۱۲۸۷
۱۲۸۹
۱۲۹۱
۱۲۹۳
۱۲۹۵
۱۲۹۷
۱۲۹۹
۱۳۰۱
۱۳۰۳
۱۳۰۵
۱۳۰۷
۱۳۰۹
۱۳۱۱
۱۳۱۳
۱۳۱۵
۱۳۱۷
۱۳۱۹
۱۳۲۱
۱۳۲۳
۱۳۲۵
۱۳۲۷
۱۳۲۹
۱۳۳۱
۱۳۳۳
۱۳۳۵
۱۳۳۷
۱۳۳۹
۱۳۴۱
۱۳۴۳
۱۳۴۵
۱۳۴۷
۱۳۴۹
۱۳۵۱
۱۳۵۳
۱۳۵۵
۱۳۵۷
۱۳۵۹
۱۳۶۱
۱۳۶۳
۱۳۶۵
۱۳۶۷
۱۳۶۹
۱۳۷۱
۱۳۷۳
۱۳۷۵
۱۳۷۷
۱۳۷۹
۱۳۸۱
۱۳۸۳
۱۳۸۵
۱۳۸۷
۱۳۸۹
۱۳۹۱
۱۳۹۳
۱۳۹۵
۱۳۹۷
۱۳۹۹
۱۴۰۱
۱۴۰۳
۱۴۰۵
۱۴۰۷
۱۴۰۹
۱۴۱۱
۱۴۱۳
۱۴۱۵
۱۴۱۷
۱۴۱۹
۱۴۲۱
۱۴۲۳
۱۴۲۵
۱۴۲۷
۱۴۲۹
۱۴۳۱
۱۴۳۳
۱۴۳۵
۱۴۳۷
۱۴۳۹
۱۴۴۱
۱۴۴۳
۱۴۴۵
۱۴۴۷
۱۴۴۹
۱۴۵۱
۱۴۵۳
۱۴۵۵
۱۴۵۷
۱۴۵۹
۱۴۶۱
۱۴۶۳
۱۴۶۵
۱۴۶۷
۱۴۶۹
۱۴۷۱
۱۴۷۳
۱۴۷۵
۱۴۷۷
۱۴۷۹
۱۴۸۱
۱۴۸۳
۱۴۸۵
۱۴۸۷
۱۴۸۹
۱۴۹۱
۱۴۹۳
۱۴۹۵
۱۴۹۷
۱۴۹۹
۱۵۰۱
۱۵۰۳
۱۵۰۵
۱۵۰۷
۱۵۰۹
۱۵۱۱
۱۵۱۳
۱۵۱۵
۱۵۱۷
۱۵۱۹
۱۵۲۱
۱۵۲۳
۱۵۲۵
۱۵۲۷
۱۵۲۹
۱۵۳۱
۱۵۳۳
۱۵۳۵
۱۵۳۷
۱۵۳۹
۱۵۴۱
۱۵۴۳
۱۵۴۵
۱۵۴۷
۱۵۴۹
۱۵۵۱
۱۵۵۳
۱۵۵۵
۱۵۵۷
۱۵۵۹
۱۵۶۱
۱۵۶۳
۱۵۶۵
۱۵۶۷
۱۵۶۹
۱۵۷۱
۱۵۷۳
۱۵۷۵
۱۵۷۷
۱۵۷۹
۱۵۸۱
۱۵۸۳
۱۵۸۵
۱۵۸۷
۱۵۸۹
۱۵۹۱
۱۵۹۳
۱۵۹۵
۱۵۹۷
۱۵۹۹
۱۶۰۱
۱۶۰۳
۱۶۰۵
۱۶۰۷
۱۶۰۹
۱۶۱۱
۱۶۱۳
۱۶۱۵
۱۶۱۷
۱۶۱۹
۱۶۲۱
۱۶۲۳
۱۶۲۵
۱۶۲۷
۱۶۲۹
۱۶۳۱
۱۶۳۳
۱۶۳۵
۱۶۳۷
۱۶۳۹
۱۶۴۱
۱۶۴۳
۱۶۴۵
۱۶۴۷
۱۶۴۹
۱۶۵۱
۱۶۵۳
۱۶۵۵
۱۶۵۷
۱۶۵۹
۱۶۶۱
۱۶۶۳
۱۶۶۵
۱۶۶۷
۱۶۶۹
۱۶۷۱
۱۶۷۳
۱۶۷۵
۱۶۷۷
۱۶۷۹
۱۶۸۱
۱۶۸۳
۱۶۸۵
۱۶۸۷
۱۶۸۹
۱۶۹۱
۱۶۹۳
۱۶۹۵
۱۶۹۷
۱۶۹۹
۱۷۰۱
۱۷۰۳
۱۷۰۵
۱۷۰۷
۱۷۰۹
۱۷۱۱
۱۷۱۳
۱۷۱۵
۱۷۱۷
۱۷۱۹
۱۷۲۱
۱۷۲۳
۱۷۲۵
۱۷۲۷
۱۷۲۹
۱۷۳۱
۱۷۳۳
۱۷۳۵
۱۷۳۷
۱۷۳۹
۱۷۴۱
۱۷۴۳
۱۷۴۵
۱۷۴۷
۱۷۴۹
۱۷۵۱
۱۷۵۳
۱۷۵۵
۱۷۵۷
۱۷۵۹
۱۷۶۱
۱۷۶۳
۱۷۶۵
۱۷۶۷
۱۷۶۹
۱۷۷۱
۱۷۷۳
۱۷۷۵
۱۷۷۷
۱۷۷۹
۱۷۸۱
۱۷۸۳
۱۷۸۵
۱۷۸۷
۱۷۸۹
۱۷۹۱
۱۷۹۳
۱۷۹۵
۱۷۹۷
۱۷۹۹
۱۸۰۱
۱۸۰۳
۱۸۰۵
۱۸۰۷
۱۸۰۹
۱۸۱۱
۱۸۱۳
۱۸۱۵
۱۸۱۷
۱۸۱۹
۱۸۲۱
۱۸۲۳
۱۸۲۵
۱۸۲۷
۱۸۲۹
۱۸۳۱
۱۸۳۳
۱۸۳۵
۱۸۳۷
۱۸۳۹
۱۸۴۱
۱۸۴۳
۱۸۴۵
۱۸۴۷
۱۸۴۹
۱۸۵۱
۱۸۵۳
۱۸۵۵
۱۸۵۷
۱۸۵۹
۱۸۶۱
۱۸۶۳
۱۸۶۵
۱۸۶۷
۱۸۶۹
۱۸۷۱
۱۸۷۳
۱۸۷۵
۱۸۷۷
۱۸۷۹
۱۸۸۱
۱۸۸۳
۱۸۸۵
۱۸۸۷
۱۸۸۹
۱۸۹۱
۱۸۹۳
۱۸۹۵
۱۸۹۷
۱۸۹۹
۱۹۰۱
۱۹۰۳
۱۹۰۵
۱۹۰۷
۱۹۰۹
۱۹۱۱
۱۹۱۳
۱۹۱۵
۱۹۱۷
۱۹۱۹
۱۹۲۱
۱۹۲۳
۱۹۲۵
۱۹۲۷
۱۹۲۹
۱۹۳۱
۱۹۳۳
۱۹۳۵
۱۹۳۷
۱۹۳۹
۱۹۴۱
۱۹۴۳
۱۹۴۵
۱۹۴۷
۱۹۴۹
۱۹۵۱
۱۹۵۳
۱۹۵۵
۱۹۵۷
۱۹۵۹
۱۹۶۱
۱۹۶۳
۱۹۶۵
۱۹۶۷
۱۹۶۹
۱۹۷۱
۱۹۷۳
۱۹۷۵
۱۹۷۷
۱۹۷۹
۱۹۸۱
۱۹۸۳
۱۹۸۵
۱۹۸۷
۱۹۸۹
۱۹۹۱
۱۹۹۳
۱۹۹۵
۱۹۹۷
۱۹۹۹
۲۰۰۱
۲۰۰۳
۲۰۰۵
۲۰۰۷
۲۰۰۹
۲۰۱۱
۲۰۱۳
۲۰۱۵
۲۰۱۷
۲۰۱۹
۲۰۲۱
۲۰۲۳
۲۰۲۵
۲۰۲۷
۲۰۲۹
۲۰۳۱
۲۰۳۳
۲۰۳۵
۲۰۳۷
۲۰۳۹
۲۰۴۱
۲۰۴۳
۲۰۴۵
۲۰۴۷
۲۰۴۹
۲۰۵۱
۲۰۵۳
۲۰۵۵
۲۰۵۷
۲۰۵۹
۲۰۶۱
۲۰۶۳
۲۰۶۵
۲۰۶۷
۲۰۶۹
۲۰۷۱
۲۰۷۳
۲۰۷۵
۲۰۷۷
۲۰۷۹
۲۰۸۱
۲۰۸۳
۲۰۸۵
۲۰۸۷
۲۰۸۹
۲۰۹۱
۲۰۹۳
۲۰۹۵
۲۰۹۷
۲۰۹۹
۲۱۰۱
۲۱۰۳
۲۱۰۵
۲۱۰۷
۲۱۰۹
۲۱۱۱
۲۱۱۳
۲۱۱۵
۲۱۱۷
۲۱۱۹
۲۱۲۱
۲۱۲۳
۲۱۲۵
۲۱۲۷
۲۱۲۹
۲۱۳۱
۲۱۳۳
۲۱۳۵
۲۱۳۷
۲۱۳۹
۲۱۴۱
۲۱۴۳
۲۱۴۵
۲۱۴۷
۲۱۴۹
۲۱۵۱
۲۱۵۳
۲۱۵۵
۲۱۵۷
۲۱۵۹
۲۱۶۱
۲۱۶۳
۲۱۶۵
۲۱۶۷
۲۱۶۹
۲۱۷۱
۲۱۷۳
۲۱۷۵
۲۱۷۷
۲۱۷۹
۲۱۸۱
۲۱۸۳
۲۱۸۵
۲۱۸۷
۲۱۸۹
۲۱۹۱
۲۱۹۳
۲۱۹۵
۲۱۹۷
۲۱۹۹
۲۲۰۱
۲۲۰۳
۲۲۰۵
۲۲۰۷
۲۲۰۹
۲۲۱۱
۲۲۱۳
۲۲۱۵
۲۲۱۷
۲۲۱۹
۲۲۲۱
۲۲۲۳
۲۲۲۵
۲۲۲۷
۲۲۲۹
۲۲۳۱
۲۲۳۳
۲۲۳۵
۲۲۳۷
۲۲۳۹
۲۲۴۱
۲۲۴۳
۲۲۴۵
۲۲۴۷
۲۲۴۹
۲۲۵۱
۲۲۵۳
۲۲۵۵
۲۲۵۷
۲۲۵۹
۲۲۶۱
۲۲۶۳
۲۲۶۵
۲۲۶۷
۲۲۶۹
۲۲۷۱
۲۲۷۳
۲۲۷۵
۲۲۷۷
۲۲۷۹
۲۲۸۱
۲۲۸۳
۲۲۸۵
۲۲۸۷
۲۲۸۹
۲۲۹۱
۲۲۹۳
۲۲۹۵
۲۲۹۷
۲۲۹۹
۲۳۰۱
۲۳۰۳
۲۳۰۵
۲۳۰۷
۲۳۰۹
۲۳۱۱
۲۳۱۳
۲۳۱۵
۲۳۱۷
۲۳۱۹
۲۳۲۱
۲۳۲۳
۲۳۲۵
۲۳۲۷
۲۳۲۹
۲۳۳۱
۲۳۳۳
۲۳۳۵
۲۳۳۷
۲۳۳۹
۲۳۴۱
۲۳۴۳
۲۳۴۵
۲۳۴۷
۲۳۴۹
۲۳۵۱
۲۳۵۳
۲۳۵۵
۲۳۵۷
۲۳۵۹
۲۳۶۱
۲۳۶۳
۲۳۶۵
۲۳۶۷
۲۳۶۹
۲۳۷۱
۲۳۷۳
۲۳۷۵
۲۳۷۷
۲۳۷۹
۲۳۸۱
۲۳۸۳
۲۳۸۵
۲۳۸۷
۲۳۸۹
۲۳۹۱
۲۳۹۳
۲۳۹۵
۲۳۹۷
۲۳۹۹
۲۴۰۱
۲۴۰۳
۲۴۰۵
۲۴۰۷
۲۴۰۹
۲۴۱۱
۲۴۱۳
۲۴۱۵
۲۴۱۷
۲۴۱۹
۲۴۲۱
۲۴۲۳
۲۴۲۵
۲۴۲۷
۲۴۲۹
۲۴۳۱
۲۴۳۳
۲۴۳۵
۲۴۳۷
۲۴۳۹
۲۴۴۱
۲۴۴۳
۲۴۴۵
۲۴۴۷
۲۴۴۹
۲۴۵۱
۲۴۵۳
۲۴۵۵
۲۴۵۷
۲۴۵۹
۲۴۶۱
۲۴۶۳
۲۴۶۵
۲۴۶۷
۲۴۶۹
۲۴۷۱
۲۴۷۳
۲۴۷۵
۲۴۷۷
۲۴۷۹
۲۴۸۱
۲۴۸۳
۲۴۸۵
۲۴۸۷
۲۴۸۹
۲۴۹۱
۲۴۹۳
۲۴۹۵
۲۴۹۷
۲۴۹۹
۲۵۰۱
۲۵۰۳
۲۵۰۵
۲۵۰۷
۲۵۰۹
۲۵۱۱
۲۵۱۳
۲۵۱۵
۲۵۱۷
۲۵۱۹
۲۵۲۱
۲۵۲۳
۲۵۲۵
۲۵۲۷
۲۵۲۹
۲۵۳۱
۲۵۳۳
۲۵۳۵
۲۵۳۷
۲۵۳۹
۲۵۴۱
۲۵۴۳
۲۵۴۵
۲۵۴۷
۲۵۴۹
۲۵۵۱
۲۵۵۳
۲۵۵۵
۲۵۵۷
۲۵۵۹
۲۵۶۱
۲۵۶۳
۲۵۶۵
۲۵۶۷
۲۵۶۹
۲۵۷۱
۲۵۷۳
۲۵۷۵
۲۵۷۷
۲۵۷۹
۲۵۸۱
۲۵۸۳
۲۵۸۵
۲۵۸۷
۲۵۸۹
۲۵۹۱

عظم الشان ضرب ضرب مفرج كائنا ان المبشرين
 في جنات ونعيم
 خضاب تضاريف ضباب
 بغير اشباح الغاب جفا
 ثغرات تحته خضاد افتاد ن پادشاه فرنگ بدریا
 ولع غوث غمره تصور صورت
 تظنون خوش صحبت
 سابق بالخبرات ۱۱۷
 بپوش فادوات شجر قلوب
 بنول عذر احضار
 لعظم تلفظ بئع معذرت احضار منعذر مرضی
 اثنی سخی دهنش رز هفتوب
 رباض تضار غاب غبط
 استعاف ارباض غنی عن العالمین نصیر نصیر

۴۸۵
 ۴۱۳
 ۳۵۰
 ۲۱۷
 ۱۳۶۶

خضاب

خضاب غیب

خضاب غیب غیب خاص الخاص بزرخ محمل الغیب
 اغتباب رخام حب اصاب
 لغوط اغتباب بزرخ شهر یاری
 پرخربا باث نرویش نرویش طاعوث
 وعندهم قاصد الطرف من خطوات
 الشيطان حد حاد
 غریب تشدید
 کدشت لعظم
 راجع ما و کم غریبا
 خیزواه فزده فاسین
 زمین ز روی زمین
 گرفتن کنار عراق را
 و اما بنیم ربك فحدث
 ايات الكتاب الحكيم والارض وعشبا خراب شدن اطن
 ۱۲۱

تحتكاه دختلكر

صفراعون خرد ثانی اللهم اغفر لی

ارابت الذي ينهي خداحه رهد

انا

كذلك تفعل بالجرمين ولا طعام الا من عسلين محافظك

خضد لغت غلت ثنظف منظم

نظافت لغات غلات باغ سبادشان

افالك بلغت غلت خرابي شرب

مصرف بلقوا

لغت خداباين زباد

عنا بلاغت خاقان سليمان دستكاه

سقبان المعظم انبغال وللسبين سبيل البحر من

خشت رسته مهر منظر شا كبدان

اختلاجات خرد شيرين

نغزد القولون على الله ما لا تعلمون وما علمنا الا

خرد برکت

البلاغ المبين

و

١٢٢

فلا يشاخرون ولا على المريض حج

بل عجب وبخون دابة الارض

ضمم

مضغ غمت تنظيف لذبة مضغ وان كانوا من قبل

لغى ضلال مبين فاعك تمغا اعتم

ضخام ثمارض مضنا اغتيال ملنا

بيلغ قلب محضب اختام فاعزلنا

منج عبد القادر كبلاني فليشر بعذاب الهم

مضارب لغت ولا عخر الميزان فاذا هي عمور

مخضون خضاب الود لغمد

غلبته محافظون واذا الجبال سبت

مغفور عن سبيل

اثاث البيت

ويرويه من حبث

ويغونها عوجا

لا يحسب عند الدولة والدين امعوخ

غمات مشوش غلبان مرقار محض

خلیفہ الرحمن ہر ہاتھ ہر ہاتھ
 لما تو عددن بمقط لفظیظ تلك ايات الكتاب المبين
 محضود مخیم خیم مرتضیٰ مرتضیٰ
 فطاعت ناضن نضات مشکل کشای خلق
 الم بالکم نذر انضاح برهم خوردن محال روس بستگیر
 شدن جمیع روسید خدا بنی با مردم برسد
 نفع مغایب مغایب نضات نضات
 للبث فی بطنه الی یوم یبعثون تسلط فی بار بر ریح مکنون
 الی فالو شرا من طین افتاب عذار
 مرصنوی باغ جنت واقیموا الصلوة
 و بشرا المؤمنین غم پرورده پادشاه آلاء
 معشوق مهر صورت دوزن نضات
 فی غی حشر
 تثلث نضیر نضیر غنث لغتی فارغ کل مخمور

نظم

ختم المرسلین سناغ
 و بطوف علیهم علما نطم اعتدال اساعت
 انما کان فاحش و معنا خورشید
 عالم ارا استغلاب سانیات مدح
 و بی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام
 فتند اخرا الزمان بر طرف شدن مشرکین خورشید
 نمشک دهنده امور لغت
 اغشده شاه فرخ فر منهرم شدن خواجه لعین
 سوفات لایمن و لا یغنی من جوع یغنی
 خدو کثر رکشا استغوا درخت
 سده خال اند فایعده شهاب ناض
 کانت لهم جنات الفردوس لا
 اسم اشار حوض فانه لغرض نضیر کدشتی
 نذین درخت نضای صراحت

رضاعت خاضع گذاشتن
استیفاظ
مقلب اعتذار اغلام اعراض ارتضاح
انها لادكر و فزان صبين معالبت
مبالفت بگذاشتن
وان الله لا يضيع اجر المؤمنين
فمن خبرات حسان خرد ناخبار
انا لا يضيع اجر المصلحين عز و رسي خضوع شويج
خرد كردن شكوه غراودنك
مغانك
مخ زهره احمر ستاره
خورشيد سپهر كمال
باضوع خردن
بشراوندن ضربت خفصن فرغ
فرغار حافظه فرخار
افراض افتاد اغنام والسماء ذات البروج اسكندر
فوالفرصى بنين فرض العشا

غلبنان مباحث و برانی شورش
سلبت اوسناد گشتند پس شورش اسوار عجب
اربي فرستادن پادشاه ضد ببارند
خورشيد عالم کرد
فرغور شجر
اوداح خردن ظك دستگاه
خواه
ارم ذات العباد انلا ند كردن
مستحفظ
مؤلفه ان مؤلفه اقصو
الى
تغريض فریفت فریفت
تغريض فنج فنج لغم
و عهد هم في طغيانهم يعمهون ان الله لا يضيع اجر المحسنين
نقمان
استنطاق اغتسال
واسع المغفرة مهر سپهر شرافت
شاء كشور سنا
اغتصاب وقد خاب منافق
خالق الاصلان
استعانت جستن

وانك لنهدي الى صراط مستقيم

شغرك لتقبل ثقلك صفاد

كاشغر نظام مملكت

حجة الله على الخلق اجمعين باغ ويسان

والله جنبها لعلون نذير للبشر شاه سعاد

تاريخهم سنة الاولين مشرقان وشما نى

والفراد انلها فرها داز غربي

شب چراغك شاه ملحق

كرفن مصر وم را للذين يملون الشهاد

واذا انجم سعوت باغ ويسان

غلت معتم مغسل روعن كند

خاضعين

اختراض استعراض ما انزلنا عليك القرآن لتسقى

غلبان شراب تلح مرغ سحره

غشبه

كبار شرعهم

قالوا هذا سحر وانابه كافرين مصدغث

خواب حركش فانما عليك البلاغ وعلينا

افض جابني يارب فرنا انصايرنا

معاوصت الغوث ظهيرا للكارين مخنه

ولهم دنهم فيها بكرة وشها صبر

فتحت فيه من روى الذين امنوا وكانوا

لغنىف يوم التعان غلبت

خبر كبر شعث لعل ثقلق وما

الظالمين من انصار مضاعف الحشا مغاث نظام معامت

هفت قانون حفظ جراح تلح وشور

امدن في كمي شهر كمش الغياث ذلك الكنا

لارب فيه كف الخضب نفويض امور

ان كان للوابين عفورا عفورا هم شهر كونه ابادان واهل

بلا تلان امام حين لغت وانجاة اعد الكافرين

الحساب

طبت

كرا اللغات

مغفر شاه سموات والارض
ابابكر وعمر وعثمان وروان بايزيد
عليهم السلام واللعنة والعذاب
لنخافون چراغ چشم
مبتون على الارض صبح هتم مستحقين
وما ارسلوا عليهم حافظين انهم جند مغفون
منظور مغفون

نظاره مناظر شفق ثنائت رجوعها ان كنتم صادقين
انقار استقام استفسال استصفا
والربك فارغب
وانتم لا تشعرون اقباب كثر وحدث خرد جمشيد سكره
غشسته فرعون ذوالاوتاد اقباب عارض
ظلم ابراهيم عمنون عند ذى العرش ^{۱۵۸۶} المبين خورشيد نام نورد
شاه پادشاه ايران
خالق كل مخلوق

و

۱۲۷
وسپهت الجبال فكانت سرابا امدن سپاه تركستان بايزيد
دستكبر شدند بزرگ و دستكبر
مرد کردن پادشاه روس با پادشاه ايران
مستغنى روضا على فاضى صباح عشر غدا سافا
نذوه الرياح غيثان اغثنى وانبتاهم الكتاب السمين
ضاي الادركا لكذب ان ظاهرين استغفرو

انما عظمها
ولا يظلمون قبلا لامهمون فيها لغوا الاسلاما
اللهم اغفر لوالدنيا شاه محمد شعار
مخ شب اويز لعلكم تذكرون خرد كين نورد
سراغوش استلهاار فاطمكم برب العالمين پادشاه انما رتب
انا لا نضع اجر من احسن عملا
دلبور خورشيد چهره
منزوع منضوعين من التمثال رونا
خرد جمشيد

مفتاح النيب ثم ابنا موسى الكتاب

خشب الانفاق لشكر كشيدن پادشاه ايران بهند شراب مثل

سبا اغفر لي لانيها غول ولاهم عنهما بنو فون

عالم بذات الصدور

خديو فلك بارگاه

نجسه طلعت سر غوشي

روان شدن خون دوز بين من ذكر اوانتي

مهر سپهر سخاوت مهر چرخ عنايت

على الارباب ينظرون نظفر ظفر اسلام بوس

خرمى خلق نظافت نظافر غايت حذاف

عش اعظم شفاعت خلق اغصاص

خوشيد جهان تاب غلغلاه اظفار احتفاظ في شغل مأكونه

ربنا اغفر لي اسكنند دارا مرتبت

ابائهم معرضون كذب

فلهم قوم نوح والارباب ويوم نبعت من كل امه شهيدا

بالنبى كنت رابا والاطفان مناع بالمر

وعصوا على ريت صفا وكان الله عفو

عفو اغفورا يومئذ المسفر ملاذوعنا

قل لا استلکم عليه اجر الا المودة في القربى

مرف كالذار كال روضه فيروزه رنگ خورشيد سپهر ادا

ظرفيت نظير منظر فرغش عرش عظيم

وفتح السماء فكانت ابوابا تحت سلما

استغلا في استصباح ثلثون شهرا وما كان

انهمام بانين فرتك از هند سنا املك بنها

پادشاه ديار سخاوت خورشيد قرمان

وليكوا من الصاخرين خروجه ككتاب

وانتم العنبر الجبار هذا صراط مستقيم

غما فوس معشوق شك بن كفتار

واسمع غيرة مسيح
خسر مملكت ادا
واقيموا الصلوة والوا الزكوة
نظر خرس قحط رقية خف
غارث خضا اخضر عشاش خراس
قال من يحيى العظام وهي رميم
خار خار
لقد هو القول على اكثرهم فهم لا يؤمنون
معجزات امام رضا خواجه حافظ خراسان خدام خفث ارتقا
اغتراب
هو الذي ارسل رسوله بالهدى
مستظهر اصاب اوج خلافت وكافوا من المغرطين روشن
نظرون خروث هضاض تحت طرا
لغاور نراوغ صوصا تحت زر فهم ان من ذكرهم
ومعاصي عليها يظهرن
لنجد يوم التلاق

نحو

غروب شمس خضض
خزعة حنث العظيم
وانا نقر في النافور وبث منها رجلا كثيرا
خرو ملايك خدام خف فرسان من مديان
لغيب لغيب رغب رغب شاه ناه نجش اخراشاس خبش
مغازه اخبارات وما خلعت اليه
والان لا يبعدون واذا الجار يترتب
بضاضا ابضاض ابشار نجش خرو ملايك مرشد
هضض سلطان خروشد مقدار
لغوب لغوب خرو كردن سب والله عفو ورحيم
مناغ فليد ولطم صذاب اليم
خرو بات وانزلنا من المعصن ماء شجا
مغوى الطالمين خضض مغ شيب اهنگ باكلون اموال البنا
قال العبدون ما نختون رغبده

الان لا يبعدون واذا الجار يترتب

الان لا يبعدون واذا الجار يترتب

۱۶۲۶ داخل خیمه ها شیخ جرمی عدد ۲۷

فاذا هو خضم مبین غیب کبرا عدد ۲۸

خبر کردن دستگاه شمشیر کوشش عدد ۲۹

مشی و ثلاث باغ غلد ۱۶۳۱ زینبده تخت سلطان

و خور و ذکر ۱۶۳۲ افتخار شاهان ضرب الله

خط ثلاث ۱۶۳۳ غرض منفرد مرغ خضم ان الله

کان بما مملون جنبه ۱۶۳۴ خضار و غزل غزلت

۱۶۳۵ امتحان امضا منظم رب کشت برکت

۱۶۳۶ ولا نظیر من مراغب ۱۶۳۷

لعنان فرخاری غیب کبری ۱۶۳۸ روضه غلد

مغادره ۱۶۳۹ نورت من عبادنا کان نقیا

مغشوش ۱۶۴۰ شاه سخا پرور بلغت المأموم

۱۶۴۱ قل نعم و انتم و اذین ۱۶۴۲

الذین هم عن صلواتهم ساهون ۱۶۴۳

عدد ۱۶۱۲ خط بغداد خبره نقیر غیب پرورد

عدد ۱۶۱۳ بل کان الله بما تعلمون خبرا خواص

افضل الدین بالحق شیدا و نقد ۱۶۱۴ خشت کشت

اخترشاهی معشوقه مدد رزار عدد ۱۶۱۵

و هو الفقور الهم همه سببه خلافت عدد ۱۶۱۶

و الشیاطین کل بناء و عواص خرد و جسد نشان عدد ۱۶۱۷

و انبیا هم ملکا عظما منهما فاکه و فخل و رمان

عدد ۱۶۱۸ صلواتهم بما ظنون تخت داری عدد ۱۶۱۹

اظهر من الشمس ان انتم الا فی ضلال مبین

عدد ۱۶۲۰ خد بو قدر قدرت عدد ۱۶۲۱

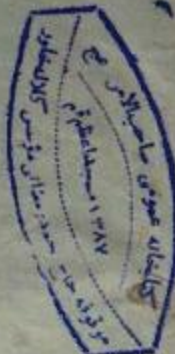
ظاهر خطیر ۱۶۲۲ خرد خیز عدد ۱۶۲۳

و لن يبلغ الحیال طولا هفت چشم چرخ خد بو اعظم عدد ۱۶۲۴

عدد ۱۶۲۵ و بکن شدن بغداد التناخ تربع شد

عدد ۱۶۲۶ و اذا الجار یخیز چرخ ستم کبیر

و شج



عروس ارضیون مغیر عمریغ
 مغیرات معاریت لک ناریغ
 خاضه کردن فرنگ و روم
 تسلط یافتن ایران بفرنگ
 غالب شدن بروس
 آمدن خارجی مذهب
 لیز و العذاب خرم خشم
 کشته شدن پادشاه روس
 غنا شدن باب

شش خاتون
 تخلص ضامن
 ان الله عفود و رحیم
 فلا تفتت بهم منهم احدا
 خضایی

برخت ۱۴۴۰ ۱۴۴۱ ۱۴۴۲
 ومن یبق الله یجعل له مخرجا استغراب خورشید عالمتاب
 خشک اب از رودها و لطم فیها صانع و متار

زما

افلا بشکرون
 کز بخت اهل و ملک
 پادشاه عظیم القدر
 جعفر سینه خرو آسمان خیم
 خوب رخسار
 خدیو مکرم ششم
 حنا و خرم اسکندر سرب
 کشته الافضال
 خدیو خاند روغن زیت
 عظیم البرکات لطاء شهاب
 لفت بردشمنان امیر المؤمنین
 قد بوشان غث
 کنیا خضر
 غراب اسرار
 غشمشم ضمضم
 کز بخت اهل و ملک
 پادشاه عظیم القدر
 جعفر سینه خرو آسمان خیم
 خوب رخسار
 خدیو مکرم ششم
 حنا و خرم اسکندر سرب
 کشته الافضال
 خدیو خاند روغن زیت
 عظیم البرکات لطاء شهاب
 لفت بردشمنان امیر المؤمنین
 قد بوشان غث
 کنیا خضر
 غراب اسرار
 غشمشم ضمضم
 فراغت غایت

اور قهر من بزم اراستم
خداوند منم خداوند منم

منازع ضماضم دستور اعظم

افتخار اعتراف روضه جبرون امدن قنکبان ^{مفضل} بجامه که
نخچر نمودن ایران ظاهر شدن به مال بافوی

کشته شدن شیطان با کرده فرود رفتن عسکر بدر بای پند
بایک دایه الارض بجانب زمین خور خاوری اضموا امش

جراغ و عدالتی ^{بیت آمد دانا ی غیب خدا}

کتاب حکیم فادرونها

ناظر از جمیع این الفاظ که بوده یکی در ی ناسفت

بیخ سال از بای نال بقیص صبح و شام نه خورده بود و نه غش

انقدر در حساب کردم فکر که جواسر به حساب اشفت

اخر الامر طبع عالی را کشت تو بنی حشمت عالی حیف

حسب قدرت با سپن گدم از دلم کمر نامرادی بقی

از دهنم ضایب ازلی باغ جان را کدل مراد شکفت

ارپم فکر کنم با اصل نطق این کرانما به کوه آمد مفت

این کرانما به کوه آمد مفت



